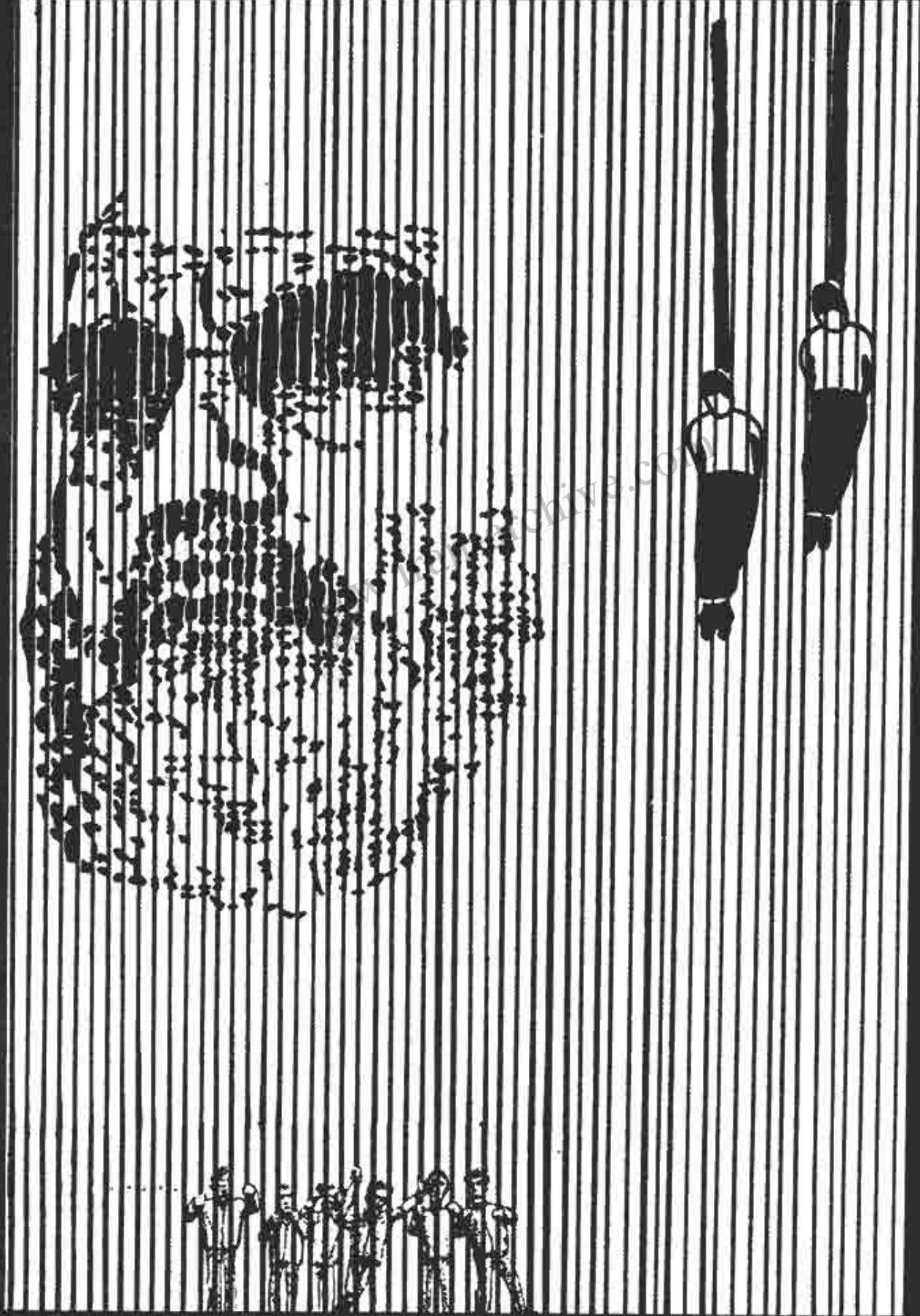


شماره ۲
فروردین ۱۳۳۰
کابل



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



تقویم تاریخ

فروردین

MARCH - APRIL

هشدار به دانشجویان

اطلاع یافتیم که در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۸۳ تحت حفاظت از مسامح رژیم جمهوری اسلامی در سفارت الحارثی و واقع در شهر واشنگتن نامه‌ای به مشاوران دانشجویان بین‌المللی دانشگاه آمریکا فرستاده و تقاضای دریافت اسامی دانشجویان ایرانی را نموده است. واضح است که این بار رژیم تحت‌الوای کتک به دانشجویان و رسیدگی به مشکلات مالی آنها در صدد برآمده که با این دست‌آویزها شانس‌های عناصر مبارز دانشجویان را رژیم در خارج از کشور سبک‌دازد بدون شک بیت‌وقفی رژیم در برپوشاندن "تفاهات استخدام" در وزارت فرهنگ و آموزش عالی که ضمیمه نامه به مشاوران دانشگاهها میباشند هر چه بیشتر عربیان شده است. در این برپوشاندن رژیم از متقاضیان خواسته است که مشخصات دو نفر معروف موشق در ایران و دو نفر در کشور محل تحصیل را که با ویژگیهای اخلاقی متقاضی آشنائی کامل داشته باشند ذکر کنند.

بدون تردید در تمام دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور روشن است که منظور رژیم از "ویژگیهای اخلاقی" در واقع نمیتواند چیزی غیر از فعالیت سیاسی دانشجویان باشد. و ارسال چنین پرسشنامه‌ای در ارتباط مستقیم با سیاست ارتجایی و فزونی و طغیانی تفتیش عقاید از جانب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که تهیه اسامی دانشجویان در خدمت اهداف زیر خواهد بود:

تامین کمک‌های مالی مورد نیاز برای هزینه تحصیل، تهیه "طیبت‌دوسره" برای ملاقات با نواده "؟" و نامین "آبند نه‌علی" دانشجویان! همچنین در اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی که ضمیمه پرسشنامه "استخدامی" میباشند آمده است:

"وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران منظور فراهم نمودن تسهیلات لازم برای داوطلبان خارج از کشور عیشتی را جهت استخدام بیمه‌ای این دسته از خواهران و برادران به کشورهای خارج گسیل خواهد نمود. تا با عیایت خداوندی بخشی از وظایف انسانی - اسلامی خویش را ادا نموده باشد. صمنایا با آوردن سگردد که طبق برنامه‌های بین‌بینی شده، هیئت‌های مذکور موجود را در اوایل فروردین سال ۶۲ (مصادف با مارس ۸۲ میلادی) شروع خواهند نمود." بقیه در صفحه ۲

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
		۱۰ ۲۱	۲ ۲۲	۳ ۲۳	۴ ۲۴	۵ ۲۵
۶ ۲۶	۷ ۲۷	۸ ۲۸	۹ ۲۹	۱۰ ۳۰	۱۱ ۳۱	۱۲ Apr
۱۳ ۲	۱۴ ۳	۱۵ ۴	۱۶ ۵	۱۷ ۶	۱۸ ۷	۱۹ ۸
۲۰ ۹	۲۱ ۱۰	۲۲ ۱۱	۲۳ ۱۲	۲۴ ۱۳	۲۵ ۱۴	۲۶ ۱۵
۲۷ ۱۶	۲۸ ۱۷	۲۹ ۱۸	۳۰ ۱۹	۳۱ ۲۰		

- ۲ فروردین ۱۳۲۲ حمله به مدرسه فیضیه قم
- ۳ فروردین ۱۳۲۷ خروج عراق از بیمان بغداد - از آن پس این بیمان، بیمان سننو نام گرفت
- ۶ فروردین ۱۳۵۱ حمله رژیم جمهوری اسلامی به گمده
- ۷ فروردین ۱۳۲۷ سوری کاگابرس نخستین کنشگران شورجیان. در سگ، مانجی هوایی درگذشت.
- ۷ فروردین ۱۳۵۹ نقل امام دهکده قلعه‌جان توسط رژیم محاربتی جمهوری اسلامی
- ۹ فروردین ۱۳۶۰ اعدام ۹۷ تن از چریکهای "حزب انقلابی کردستان" توسط رژیم شاهنشاهی ترکیه در استان دیار بکر (کردستان) ترکیه
- ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ شهادت قاضی محمد و باران (پایه گذاران جمهوری ماسی دمکراتیک کردستان)
- ۱۰ فروردین ۱۳۵۶ شهادت فرال آیشی (بریدجن)
- ۱۲ فروردین ۱۳۰۰ قسام گلعل محمد تقی خان بسیار در خراسان
- ۱۶ فروردین ۱۲۹۹ قیام شیخ محمد خیابانی در آفراسیابان
- ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ مرگ صادق هدایت، نویسنده و محقق ایرانی
- ۲۱ فروردین ۱۳۲۲ رها شمسی‌آبادی از گارد سلطنتی در کاج بربره سسوی تا نیرانداری نمود.
- ۲۲ فروردین ۱۳۲۷ اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاکسیران ایرانی
- ۲۳ فروردین ۱۳۳۰ نخستین نماز در جهان "سوری کاگابرس" برای نخستین بار زمین را دور زد.
- ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ اعتصاب ۳۰۰۰۰ کارگر نفت‌آبادان. این اعتصاب ۱۴ روز طول کشید.
- ۲۶ فروردین ۱۳۵۰ شهادت جواد اسلامی
- ۲۸ فروردین (۱۷ آوریل ۱۹۷۵) سالروز انقلاب کاسوج
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ شهادت ۴ تن از پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق، علی مسعودوست، ناصر صادق، علی ساکری، محمد سارنگانی
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۲ شهادت ۷ تن از رفقای فدائیان سیزن چرتی، عزیز سزمندی، سعید گلانتری، حسن قبا لطیفی، محمد جویانزاده، احمد - طلیل افشار، عباس سورکی و ۲ تن معاهد مصطفی جوان غوثدل و کاظم ذوالانوار



دفتر مطبعه جویان مولان - تهران - چهره‌های فدائی خلق ایران در طبع اول کشور
سال دوم - شماره ۱۰ - فروردین ۱۳۶۲ - آوریل ۱۹۸۲

خجسته بادبهاران

اینکه بهار، با خرسی طراوت در چارسوی
صحن خزرگاه برافراشته و سینه‌نگی در گستره‌ی خاک
ریشه می‌براند! رود می‌خروشد، و جنگل با بازوان
خس روشنائی باعداد را فریاد می‌زند!
بالا پیشی ز زمین بر بالای بلند کوهستان!
هلا ای بهار ای فصل سبز شکوفایی!
هلا سافر فرخنده عرقچین سبزه را از سر بردار
و بالا پیش گلگرفت را بر شاخ نوس ازغوان بپایز،
بنشین!

اینجا بر خاک خونین صحن بنشین و ریش جوانه‌های
خون را در چارسوی چشم‌انداز نظاره کن.
اینجا در خاک خونین صحن خفتان و خنابت بیدار
می‌گردد. نوحش و حماقت در فراگیرترین معیاره قدرت
را فقه کرده است. از آسمانش جزایر گار گلوله هیچ
نی‌بارد و از زمینش جز انفجار صحن!
اما... جوانه‌های مبارزه نیز هر روز سرزنده‌تر
و باره‌تر می‌شود و در سینه‌ی مردی که از نسل کار
و فردا نیست و چندی به آینده دارند بهاری
سرخ و پایدار را نهد می‌دهد.
بهار کارگران، بهار زحمتکشان، و بهار کار!
ایران در انتظار بهاری سرخ شادمانه نفس‌نفس
می‌زند. بهاری که نقش در کارخانه‌ها و در حرکت
چرخها می‌نهد. بهاری که از شکوفه‌های خونینش
بوی انصاف می‌آید.

بهار مبارزه، بهار انصاف، بهار تمام!
بهار کارگران، بهار زحمتکشان، و بهار کار!
بهاری که از سر زمین سرخ پیشمرگان می‌آید، از
کردستان! با چننه‌ای سرشار از نان و آزادی!
بهاری که از میان ماسه‌های سوخته‌ی خلیج جوانه
می‌زند و جنگ و درگیری را بران می‌کند!
بهار دشت‌های سوخته‌ی بلوچستان!
بهار شالیزارهای شاداب شمال!
بهاری که از حد سو جاری است. و از هر حصار
می‌گذرد.

بهار کارگران، بهار زحمتکشان،
و بهار کار خجسته باد!



فهرست مطالب

۵	بمناسبت سالگرد شهادت فدائی خلق بیژن جزینی و همزمان
۶	اخباری از کردستان
۷	ایران (آخرین اخبار رسیده)
۹	در بزرگداشت آساماریا
۲۰	سوروز، از انتشار تا به امروز
۲۲	ایران - ۱۳۶۱
۲۴	مجلس کلیات لایحه خدمت سببه و قتل‌رسان را تصویب کرد
۲۵	گزارشی از کنفرانس "فنا و تنهای مشترک و مسائل زنان در کشورهای جهان سوم
۲۶	ترکیه: کودتای ۱۹۸۰، قبل و بعد از آن
۲۸	اخبار جهان
۲۸	نگاهی بهرامون هفتمین کنفرانس کشورهای غیرمتحد - دهلی نو
۲۹	"امدام" در ملا عام
۳۰	سفر به آمریکا - آمریکا، ترکیه، تلالی مدیترانه در جهت فریب‌توده‌ها
۳۲	سرار از جنگل در خیابان روسم
۳۳	دیدگاهها: نقدی بر جمهوری "سوسیال امپریالیسم" - بخش دوم
۳۸	آفریقا و سران جمهوری اسلامی (۱)
۳۲	کدهای کمک‌های مالی
۳۳	آیوشتاین (مصاحبه از جهان شماره ۸)
۳۴	کلامی با مجاهدین
۳۴	نقد کتاب: "ترکیه در بحران"
۳۶	گزارش سازمان حقوق بین‌المللی از ایران
۳۷	عمر
۵۰	اخبار جنبش دانشجویی
۵۱	اظهاریه - سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور
۵۱	گرامی باد خاطره رفیق شهید حمید رضا سعادت

رای تماس با جهان با آدرس
و به مکانیبه نمائید

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

تلفن‌های خبری

مآزمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
هوادار: «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران»

در صفحه ۲۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

هشدار به دانشجویان

بسمه ارمده ۲

سالروز اولین حمله رژیم به ترکمن صحرا

روز ششم فروردین معارف است با اولین حمله رژیم جمهوری اسلامی به ترکمن صحرا.

در جریان انقلاب دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا برای دستیابی به حقوق دسترنج خود اقدام به ایجاد شوراهای دهقانی در روستاهای ترکمن صحرا نمودند و شاد مخرکی به منظور پیشبرد اهداف خود در شهر گنبد کاووس به وجود آوردند. زمین داران بزرگ با حمایت رژیم جمهوری اسلامی توطئه های پی در پی را علیه دهقانان دامن میزدند. شهر گنبد صحتاً توسط مردم اداره میشد. از اوایل فروردین رژیم گلههای پاسدار خود را روانه ترکمن صحرا میکند. آنها برای ایجاد درگیری به دنبال مستحکم میگردند. روز پنجم فروردین ۵۸ یک جوان ۲۲ ساله ترکمن به نام آراز در دیپور، سگار فروش به دست پاسداران به قتل رسید.

چند روز قبل از ۶ فروردین در اعتراض به کشتار سنجج، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن اعلام تشکیل یک میتینگ میکنند. ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۶ فروردین جمعیتی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر در باغ ملی گنبد، محل تعیین شده میتینگ جمع میکنند. ساعت ۲/۵ مدای شلیک تیرهای هوایی توسط پاسداران آغاز میگردد. مردم ابتدا وضعی به این تیر بگات نمی بینند ولی چیزی نمیگذرد که تیراندازی بسوی جمعیت آغاز میگردد. در اولین پورش مزدوران ۲ نفر زخمی میشوند. شهر بهم میریزد. پاسداران چون گوزیل های وحشی به مردم هجوم میبرند و کتابخانه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را آتش میزنند. پاسداران تهاجم را از محل میتینگ به تمام شهر گسترش میدهند. مردم به دفاع و مقابله برمی خیزند. توطئه زمین داران موفق میشود. از صبح روز بعد، ۷ فروردین، تعرض ترکمن های خشکین آغاز میگردد و تا شب ۸ شهر به تصرف آنها در میآید. رژیم پاسداران بیشتر از شهرهای مختلف به محل گسیل میدارد. تعداد زیادی از مزدوران کشته میشوند و خلق ترکمن نیز شهدایی در دفاع از حقوق خود نثار میکنند. بسیاری از مردم

بنگنه نرمنده ۲۲

براحتی چه عده است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی این چنین "شاد و مستندانه" به فکر دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟! آیا رژیم با کمبود متعصب روبرو شده است؟ تنها نیم نگاهی گذرا به کارنامه جنونوار رژیم علیه دانشجویان در طول چند سال گذشته در داخل و خارج برده از این باعلاج عمل غیرعواها نه برداشته و مقامدلی و خدمت و دانش او را برعلا میداند.

قطع ارتباط بسیاری از دانشجویان به انواع واسام سپاه و وارد آوردن فشارهای "کنسولی" به آنها خود نمایانگر این واقعیت است که نامین کجک های مالی مورد نیاز برای هزینه تحصیل " ادعای پوچ شهادت نامه ای بیخ نیست.

"بلیط دوسره برای ملاقات خانواده" نیرنگی دیگر از حقه های کثیف جمهوری اسلامی برای بدام انداختن دانشجویان میارزاست. گمیل چاقو کفان به خارج از کشور زیر پوشش پاسپورت های دبیلتا تیک، واگذاری بورس های دانشجویی با معیار "هیكل قوی برای تحرک فعالیت های خارج از کشور" (یعنی قدرت بهم ریختن جلسات دانشجویان در رژیم) از طرف رژیم به حزب اللهی های اوبانی و ارازل برای آزار و اذیت دانشجویان خارج از کشور و در همین ارتباط شروع ۲ دانشجوی انقلابی در فلسطین و هند خود نشان میدهد که واقعا قدر رژیم به فکر دانشجویان است!!

اما امزام هیئت های جهت "استخدام همسانی" دانشجویان خارج از کشور مضگ ترین و موثرانه ترین بخش ادعای رژیم در این زمینه است. راستی مگر رژیم با کمبود متعصب و شعیلگرده روبروست که از هم اکنون به فکر "استخدام" دانشجویانی برآمده است که مالبها به پایان تحصیل آنها باقی مانده است؟ مگر هزاران استاد اخراجی از دانشگاهها، کارشناس، محقق و فارغ التحصیل دانشگاهها بنیکار و آواره با مدارک دکتر و فوق لیسانس بکار نگمارده شده اند که رژیم به سراغ دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟ مگر دهها هزار دانشجو و معلم که بخش اعظم آنها به کارهای نظیر دست فروشی و دوره گیری پرداخته اند هم اکنون استخدام شده و بکار مشغولند؟! اینکه بعد از دو سال هنوز درهای دانشگاهها و موسسات آموزشی بروی دانشجویان بسته است خود افشاگرانه است. دلگرا را نه ادعای اخیر رژیم است. امروز که با اصطلاح بازگشایی دانشگاهها آغاز شده است بسیاری از دانشجویان، حتی کسانی که فقط شش ماه و یا یکسال به پایان تحصیلشان باقی مانده است اخراج شده اند. رژیم حتی به عاشقین توده ای - اکثریتی که عادی و ستایشگران او هستند نیز اجازه ورود و یادادامه تحصیل در دانشگاهها را نداده است.

حال چگونه است که رژیم با این چنین پرونده شاهی در زمینه آموزشی بفرگ "گمگ" به دانشجویان خارج از کشور افتاده است؟! در برطن مسائل فوق، در زمین حال رژیم از این طریق سعی دارد که موقعیت اپرولس و منفور جاسوسان حزب اللهی خود را در خارج از کشور رسمیت بخشد. دانشجویان را وادار کند که برای انجام کارهای "کنسولی" و ارزی خود به این اوباشان مراجعه کنند.

دانشجویان و هموطنان مبارز!

هم اکنون دانشجویان در بسیاری از دانشگاهها و کالج ها قادر شده اند با اعتراضی یکبارچه خود علیه این نقطه شوم از کائنات دانشگاهها، این اقدام رژیم را مقیم نمایند و مانع از آن شوند که مسئولین دانشگاهها آگاهانه و یا ناآگاهانه با ارسال اسامی و مشخصات دانشجویان در خدمت اهداف رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرند. شان نیز با همکاری و همیاری دیگر دانشجویان محل تحصیل خود با افتتاحی توطئه اخیر رژیم و مراجده به مشاوران دانشجویان بین المللی" دانشگاهها و تشریح حمله های رژیم برای آنها مانع از آن شوند که رژیم با یافتن اطلاعات بیشتر در مورد دانشجویان به تهاجمات رهای بیشتری وارد نماید. فرط پیروزی ما اتحاد و یکپارچگی ما است.

اتحاد مبارزه پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا (هوادر سازمان چریکهای فدائیکه خلق ایران)



فدائی خلق مشهور (حمید) کلانتری

حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت
رفیق بیژن جزینی و همروزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه
رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان
میهن ما خواهد بود



فدائی خلق حسن ضیاء طرفی

شاه جلال به شهادت رسید. زندگینامه رفیق جزینی خود داستان بلندی است از مبارزه یک انسان سوسیالیست که از ۱۰ سالگی به دنیای مبارزه بر علیه امپریالیسم پیوست و برای تحقق آرمان ولای طبعی کارگر لحظه ای نپاست.

عزت شکر سازماندهی، انعطاف پذیری انقلاب و خلافت رفیق جزینی شخصیتی می ماند از او ساخته بود که چه در دوران زندگی خلق با خلق و چه در دوران اسارت یکی از سازماندهندگان مبارزه در شرایط خاص زمانی و مکانی محاسب می آمد. احاطه عشق و بصیرت رفیق بر تشویقهای مارکسیسم - لنینیسم او را در شمار یکی از بنیانگذاران و استادان بیژنک مرائشگاه انقلاب جسی



رفیق کبیر فدائی خلق شهید بیژن جزینی از بنیانگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران

سالمی جنبش کمونیستی ایران بخوانیم بی شک سخن بگرای نگفتیم. آگاهی عشق بیژن از تئوسوری مارکسیسم - لنینیسم و انطباقی خلافتی آن بر خود ویژگیهای جامعه ایران، خصوصیت باوری به رفیق بیژن می بخشید که او را از کمونیستهای دیگر ایرانی متمایز می کند. آثار رفیق بیژن که با واقع بینی علمی و درک ژرف مارکسیسم - لنینیستی اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران تصویر می کشد گنجینه ای است برای پیوندگان راه آزادی. و اگر بر این همه زندگی سراسر مبارزه ای او را به فراوانی تعریف از یک انسان سوسیالیست را می بینیم که هم

و خستگی ناپذیر در وجود بیژن تلخ یافته است. فدائی کبیر رفیق بیژن جزینی دانشجوی دکتری فلسفه در دانشگاه تهران، نویسنده، روح اقتصاددان، متخصص علوم سیاسی، نقاش، شاعر، انقلابی بیژنک و یکی از بیژنکترین استادان مرائشگاه انقلاب. در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد و در سی ام فروردین سال ۱۳۵۴ در سی و هشت سالگی پس از عمری پر بار از مبارزه و انقلاب بگری در زندان این به دست دشمنان

سی ام فروردین یادآور روزی است که فرزندان دلاور خلق، هفت تن از فدائیان رفقا بیژن جزینی، حسن ضیاء طرفی، عزیز سردی، شعوف (حمید) کلانتری، عباس سورکی، محمد جویان زاده و احمد جلیل افشار به همراه دوتن از سباهدین خلق کاظم ذوالانوار و صطفی جوان خوشدل در زندان این به دست جلالان مزدور شاه شهادت رسیدند. این دلاوران که سالها طبعی رژیم سفاک پهلوی مبارزه کرده بودند تا واپسین لحظات حیات به آرمان توده ها وفادار ماندند و ایمان خلل ناپذیر خود را با خلق نشان دادند. این دلاوران نام مبارزه، مقاومت، عشق به توده ها و کینه و نفرت نسبت به دشمنان خلق بودند.

یادشان گزاشی و راهشان پایدار باد.



فدائی خلق احمد جلیل افشار

گزارش مبارزات این دلاوران رزمنده، صبر ناصبی را سزاوار است. در اینجا به منزله ششوی از خروار و خوشای از خرمن به مبارزات رفیق کبیر بیژن جزینی اشاره می شود.

رفیق بیژن از برجسته ترین و سرشناس ترین پیوندگان راه رهائی کارگران و زحمتکشان و یکی از بیژنکترین بنیانگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران است. اگر بیژن را مصاره مبارزات هفتاد و چند



فدائیان خلق عباس سورکی، محمد جویان زاده



فدائی خلق عزیز سردی

داد بود. هم بدانش از سخنرانیهای چندین ساعتش در زندان و نیز استیلا و اشراقش بر سایل حکمتها می گوید.

مبارزات رفیق در زندان و شکنجه شکنی هایش نیز خود حماسه ای است که درس آموز نسل های آینده خواهد بود. شعلی که رفیق بیژن برافروخته است روشنگر راه آینده و آیندگان است. نامش جاودان و رزیش پایدار



مهاهدان خلق کاظم ذوالانوار، مصطفی جوان خوشدل

شهر سقز در کنترل پیشمرگان کرد



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
لایحه کوشش

نشریه رنگی کهل را
میتوانید از طریق جهان تهیه نمایید

جاده بوکان میاندوآب در کنترل پیشمرگان فدائی

بنقل از رنگی کهل شماره ۲

در ساعت ۳/۵ روز ۶۱/۱۰/۷ چند دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، قسمتی از جاده بوکان-میاندوآب را به کنترل خود درآوردند و به کمیته مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بستند. اما دشمن زبون که از حضور پیشمرگان همیشه نهرمان فدائی اطلاع یافته بود به سوراخهای خود هجوم برد و جرات هیچگونه عکس العملی را نداشت. پیشمرگان اتوموبلهایی را که در جاده عبور و مرور میکردند مورد بازرسی قرار داده و برای مسافران جنایات رژیم را هرچه بیشتر افشا کردند و به بخش نظریات سازمان پرداختند. استقبال گرم مردم همراه با پرداخت کمکهای مالی به پیشمرگان به پیوند ناکستنی و همیشگی آنها را با فرزندان دلاورشان به وضوح آشکار میکرد. رفقا پس از دو ساعت کنترل جاده و ایجاد هراس در روحیه مزدوران، در میان استقبال گرم روستاییان زحمتکش منطقه به پایگاههای خود بازگشتند.



تکررات به شهر سقز حمله کرده و تعداد زیادی از مزدوران رژیم را به هلاکت رساندند. بنا بر آخرین اطلاعات موجود، ۲ تا ۳ تن از پیشمرگان در این عملیات شهید شدند.

هم اکنون جنگ شدیدی بین نیروهای مقاومت خلق کرد و مزدوران رژیم در حوالی پیرانشهر و نقده ادامه دارد. ضمناً همین گزارش حاکی است که کنترل شهر سقز به دست پیشمرگان افتاده است. حملات اخیر رژیم نتیجه ماهها تدارکی بود که مزدوران برای به اصطلاح پایان دادن به جنبش مقاومت خلق کرد بعمل آورده بودند.

پس از پایان عمل زستان رژیم درمانده جمهوری اسلامی نوظهورهای شومی را علیه جنبش کردستان طرح ریزی کرده بود و بدین منظور ماهها به انجام تدارکات نظامی در منطقه پرداخت. اما رژیم که بودای شکست جنبش مقاومت کردستان را در سر میپروراند، با سعی مناسب و دندان شکن از پیشمرگان قهرمان خلق کرد دریافت نمود، ولی طبرعم آن، باز نوار شمشیر کشنده و چندی آور پیشروزی و "پاک سازی" فلان روستا و بهمان جاده را از طریق بوق های تبلیغاتی خود نمایند و تیترهای درشت ورق پاره های خود ساعت کاری که ۲ سال متصادف است تکرار میکند. بارها رژیم "شکست" جنبش خلق کرد را در چرایه و رانیو و تلویزیون جشن گرفته است. از روز شگین و شوم ۲۸ مرداد ۵۸ که همینست جلاد حکم "جهاد" علیه مردم کردستان را صادر نمود تا بزعم خود طرف ۲۲ ساعت حکومت سرسبز و اعتدالی را با نام اسلام و خدا در کردستان حاکم گرداند.

نه ۲۲ ساعت که ۲ سال میگذرد و بارها پیروزه ارتجاع جمهوری اسلامی در منطقه بگساک تالیف شده است. مزدوران با فرمان امام جلالشان برای پیاده کردن "حکومت الله" در کردستان تا بحال مردم چندین روستا را از کودک و پیر مرد وزن بطور دسته جمعی قتل عام کرده است تا شاید کردستان رایب تسلیم وا دارد. اما پاسخ خلق کرد هر بار استخفات بیشتر در مقابل این تجاوزات و استواری بر روی خواسته های بحق خود بوده است.

این بار نیز رژیم جز تنگ، طرفی نخواهد بست.

بیش از دو ماه است که رژیم جمهوری اسلامی با متمرکز کردن تمام ارگان های سرکوب خود بیورتن های وحشیانه خود را به جنبش مقاومت خلق کرد تحمید نموده است. اما قتل عام ها و کشتار مردم روستاها، هیچکدام نتوانسته است اراده آهنین خلق کرد را در دفاع از حقوق ملی خود تضعیف کند. در این مدت پیشمرگه ها قهرمانانه در مقابل هجوم ارتش ضد خلقی و پاسداران سرما به مقاومت کرده و تلفات سنگینی به نیروهای رژیم وارد ساخته اند.



بنا بر آخرین خبر رسیده از کردستان، طی چند هفته گذشته در جاده سردشت - میاندوآب، پیشمرگه های کرد نیروهای رژیم را در روستای "آمد" متوقف ساخته و غریبات مولگی به آنها وارد آوردند. در این درگیری ها یک پیشمرگه به شهادت رسید.

در شمال کردستان پیشمرگان به مقاومت قهرمانانه خود در مقابل تهاجم رژیم همچنان ادامه میدهند. در این ناحیه تعداد زیادی از ارتش ها و پاسداران هلاک شده و جد هفت تن از آنان بدست پیشمرگه ها افتاد. فرمانده فراگام رژیم نیز در درگیری های این منطقه کشته شده است.

در اطراف سردشت بغاطر مقاومت دلیرانه پیشمرگان، ارتش و پاسداران تلفات سنگینی را متحمل شدند. در درگیری های این منطقه دو تن از پیشمرگان به شهادت رسیدند. همچنین در همین روزها، پیشمرگان حزب

عکس العمل رژیم در مقابل قطعنامه سازمان ملل

چهارشنبه ۶ مارس کمیسیون حقوق بشر در ژنو قطعنامه‌ای در رابطه با حقوق بشر در ایران صادر نمود و از جمهوری اسلامی خواست که به مصوبات این کمیسیون عمل نماید. در قطعنامه مذکور نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی اظهار نگرانی شده است. در این رابطه، مصلحتی نماینده جمهوری اسلامی در این کمیسیون، این قطعنامه را مغرب‌اوزبانی نموده و مخالفت جمهوری اسلامی با آن را اعلام نمود.

اعتراض معادل بین‌المللی در مورد اعدام ۳۰ زندگه

سازمان ملل بین‌المللی در نامه‌ای خطاب به دولت جمهوری اسلامی که آنرا فلنا نیز انتشار داده است، به جنایات رژیم و جو سرکوب و عقابان در ایران اعتراض نموده و اعدام بیش از ۷۰ تن از عناصر مبارز را در ۱۷ فوریه سال جاری محکوم کرد. در این نامه ذکر شده است که دادگاه‌های انقلاب اسلامی هر هفته تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را به اعدام محکوم می‌نمایند. نامه اعتراضی و افشاگرانه مذکور در نیمه اول ماه مارس از بخش انگلیسی زبان رادیو کوبا نیز پخش گردید.

سرکوب زنان گسترش می‌یابد
لاجوردی، دادستان تهران، معروف به قصاب زندانها، در رابطه با ۸ مارس، روز جهانی زن اعلام کرد: زنان میبایست حجاب اسلامی را در معابر عمومی رعایت و اجرا نمایند. پاسداران و سایر نیروهای نظامی نیز موظفند هرگونه تخلف را در این مورد شدیداً سرکوب کنند.

فرمان ۸ ماده‌ای خمینی در عمل

حجت‌الاسلام شوری وزیر کشور جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای با مطبوعات و رادیو تلویزیون گفت: "بی‌حجابی خانمها، فروش نوارهای موسیقی، برگزاری عروسی‌ها در تالارها با استفاده از آلات موسیقی و مخلوط بودن زن و مرد در این سالن‌ها و وسایل استفاده در بهمت‌های انکی، موارد خلافی است که مردم بعد از بهام ۸ ماده‌ای امام امت سرنگب شده اند." در این رابطه، شوری خطاب به ما مورین دادگستری گفت: "در این



خون گرفتن از زندانیان رسمیت یافت

چندی قبل نیروهای سیاسی استاد جنایت جمهوری اسلامی مبتنی بر کشتن خون زندانیان سیاسی قبل از اجرای حکم اعدام را انتشار دادند. به دنبال این حرکت، روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ اسفند سنه ۶۱ می‌نویسد: "به دعوت بخش سیاسی - ایذه فولوزیک زندان عادل آباد، یکی از واحدهای سازمان انتفال خون ضیار در محل زندان حاضر شد و از ۲۰۰ تن از توابعین این زندان خون گرفت. روزنامه اطلاعات اضافه میکند که این عده از گروه نخستین بوده‌اند و برنامه گرفتن خون زندانیان بندهای مختلف زندان عادل آباد بمدت یک هفته ادامه خواهد داشت. اطلاعات اضافه نمود که عوثنای مزبور به جیبه‌های جنگ ایران و عراق فرستاده میشود.

اسرار نظامی

هاشمی رفسنجانی که تا بحال چندین بار اعلام کرده است که "با این حمله جنگ دیگر پایان می‌پذیرد"، اخیراً در شمار جمعه در این رابطه گفت: "نحوه عملکردها در جنگ از اسرار نظامی است و بیان کردنی نیست ولی میتوانم بگویم که این مسئله ممکن است طولانی باشد و ما باید در میدان جنگ آنقدر صبر کنیم تا به نتیجه املی برسیم."

مورد با متجاهرین به فسق بر خورد قانونی و قاطع کنید چرا که این امر یک تکلیف شرعی و قانونی است. والا خودتان محاکمه خواهید شد. *****

ادامه جنگ به نفع رژیم است

روز جمعه ۱۱ مارس پدنیال اتمام کنفرانس کشورهای غیرمتحد شرقی - هندوستان، موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی و سرپرست هیئت‌امزامی به این کنفرانس در مصاحبه‌ای اعلام داشت: "کشورهای اعلام کردند که خواستار پایان جنگ بین ایران و عراق از طریق صلح هستند. ولی جمهوری اسلامی با این خواسته با قاطعیت مخالفت نمود. زیرا تصمیمات ما بنا بر قطعنامه‌های بین‌المللی نیست، بلکه در رابطه با منافع جمهوری اسلامی است و هدف ما از شرکت در این کنفرانس آن بود که بازپس توابع‌های سیاسی نشویم و مصالح انقلاب اسلامی تبلیغ و جلو رود. ما از کشورهای خواستیم با از جنگ صصت نکنند با اگر خواستار صلح شدند باید خواسته‌های ما که همان شروط قبلی است را مطرح نمایند"

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام داشت: "ما تا آنجا جنگ را ادامه میدهم که اتفاق حقوق کنیم و اگر سازمان‌های بین‌المللی خواستار پایان جنگ باشند و خواسته‌های جمهوری اسلامی را در نظر بگیرند، ما به شدت با آن مخالفت خواهیم کرد."

۶ فروندگشتی غرق شد

ششگشتی ایران در مابین آبهای طلیح فارس بیژنر حمله عراقی غرق گشتند. ۶ فروند گشتی مذکور بصورت یک کاروان به سوی شمال طلیح فارس و بطرف بندر شاهپور سابق در حرکت بودند.

هزاران بشکه نفت

همچنان میسوزد

بدینال حملات هوایی عراقی به تاسیسات شناور نفتی نوروز ایران و تصادف یکگشتی بازرگانی به این تاسیسات در اوایل مارس ۸۲ روزانه به میزان ۷ هزار بشکه نفت از تاسیسات مزبور در آبهای طلیح روان گشته است و هم اکنون دواکله صدمه دیده تاسیسات نوروز در آتش میسوزد و بیش از ۷۵۰۰ مایل مربع از آبهای طلیح فارس به نفت آلوده گشته است. در این رابطه سازمان حفاظت دریایی شامل نمایندگان آمریکا گشتی نفتی در جلسه ای در کویت خواهان اعلام آتش بس در منطقه تاسیسات نفتی نوروز ارجانب جمهوری اسلامی و عراق میباشند تا اقدام به جلوگیری از خروج نفت و پاکسازی آبهای طلیح فارس نمایند. در این باره دولت عراق حاضر به اعلام آتش بس شده بشرط آنکه جمهوری اسلامی از هرگونه حرکت سونالجهبی نظامی در منطقه مزبور درمیان آتش بس خودداری نماید. تا آخرین اخبار واصله جمهوری اسلامی خواهان آتش بس بوده و ولی هیچگونه اقدامی در این مورد ننموده است علی شمس اردکانی مدیر رژیم در کویت اعلام داشته است که عراق باید هزینه خسارات فوق را به جمهوری اسلامی بپردازد.

تاسیسات نفتی نوروز در ۶ مایلی جزیره خارک، یعنی علیترین اسکله مادرانی نفت ایران قرار دارد. اسکله ای که عراق همواره تلاش دارد با بمباران آن، درآمد نفتی ایران را قطع نماید.

ایران

در سال ۱۹۸۲، ایران معادل ۳۵۲ میلیون دلار نفت به آمریکا صادر نموده و در ازای آن اجناس مختلف متجمله گندم وارد نموده است. معاملات مذکور جهت پوشش همکاری جمهوری اسلامی با آمریکا توسط واسطه انجام گرفته است.

اقتصاد اسلامی

در هفته دوم ماه مارس هیئتی از طرف جمهوری اسلامی برای انعقاد قرارداد های جدید اقتصادی روانه ژاپن گردید.

مجمع پشروشمی ایران و ژاپن بعد از بازپرداخت قروض ایران به ژاپن از مابین مارس دوباره شروع بکار نمود. این قروض شامل ۵/۵ میلیون دلار است که در چهار شصت در حال پرداخت به ژاپن میباشد. در همین حال جهت تکمیل این مجمع بیش از ۶۶/۴ میلیون دلار مابین آلات و قطعات یدکی از ژاپن به محل مجمع حمل گردیده است.



موقعیت چترالیهایی تاسیسات نوروز در طلیح فارس

حزب فقط حزب الله

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۲ اسفند ۶۱ در یک معاویه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت که گروهی بنام حزب الله مردم را شکنجه و سربسته نیست و با ترور کرده اند او در معاویه اش اذانه داد که به دنبال دستورات ۸ ماده ای آیت الله خمینی، هیئت هایی به ۱۱ استان کشور مفروده اند و بنابر شکایتهای دریافت شده گروهی بنام حزب الله مردم را به اسارت گرفته، شکنجه داده و سربسته نیست کرده اند. همچنین این گروهها بعنوان اقدام انقلابی معده ای را ترور کرده اند. او ادامه داد که گروهی از پاسداران نیز به اقدامات فیرقانونی مثل ترخیص فیرمجاز کالا از گمرکات دست زده اند و این رقم شکایات هم در حد خودش کم نیست.

موسوی اردبیلی مانند سایر سران رژیم تا بحال هزاران بار به امت حزب الله افتخار کرده و در تظاهرات جمعه و سایر سخنرانیها امر پیشبرد انقلاب اسلامی را که همان ترور، سرکوب و فساد است به گروههای حزب الله ارجاع و از آنان سپاسگزاری نموده اند.

بازی دیپلماتیک رژیم

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی ظاهراً در اعتراض به دولت فرانسه سفیر این کشور را نیز پذیرفته، در ماه فوریه سال جاری جمهوری اسلامی ۴۰۰ دستگاه عتاری هیدرولیک به ارزش ۲۹/۴ میلیون دلار از فرانسه خریداری نمود. سرگزاری فرانسه در این مورد اعلام داشت که دستگاههای عتاری مزبور در مناطقی جنگی در خدمت ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی است. نیکه قابل توجه این است که مقامات مختلف رژیم و بخصوص موسوی نسبت وزیر جمهوری اسلامی، همواره در سخنرانیها پشان جهت دامن زدن به توهم شونده ها اعلام میکنند که با شکست عراق در جنگ، منافع فرانسه در منطقه نیز از بین خواهد رفت.

انفالله

خمینی خطاب به سرمایه داران گفت: کسانی که دارای ملک و ثروت زیاد هستند، داوطلبان این مسئله را حل کنند.

ما رکسیم حلال مشکلات

هاشمی رفسنجانی در تظاهرات جمعه گفت: اسلام نخواست است که در کشورها طلیح آباد در کنار زعفرانیه باشد، و جوانان ما برای رفع این عیب وقتی که میبینند بنده و امثال بنده این حرف را نمیزنیم وقتی که میبینند فقهای ما حاضر نمیخوند با این مراحت مسائل را مطرح نکنند دستشان را دراز میکنند از مارکین و لنین حل این مسئله را میخواهند. (اطلاعات ۱۷ اسفند ۶۱).

زکات برای وزرا و وکلا

خمینی در یک سخنرانی گفت: بعضی ها هستند، منتشان هست زکات بگیرند، یک آدم آبرومندی است، وقتی خوب بود، وزیر بوده، وکیل بوده، چیزی بوده، حالا بدلیلی دیگر نیست، این را دیگر نمیشود در جامعه دید اینها اگر نمیخواهند زکات بگیرند، بنام هدیه شما بدهید، امثال را زکات بگذارید. (اطلاعات ۱۷ اسفند ۶۱).

بقيه صفحه ۶۶

شهادت آنا ماریا



در ۶ آوریل ۱۹۸۲، رفیق ملیدا مونتسز معروف به "آنا ماریا" فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور (FPLC) یکی از چهار سازمان تشکیل دهنده جبهه فارابوندو مارتینی در مرحله اقامت در ۹ مایلی ماناگوا، به پایتخت نیکاراگوئه بدست چندعاشق به شهادت رسید. این جنایت کثیف که فقط دست مزدوران امپریالیسم و جانانی چون CIA بر ما بدفره ناسا گواری برجست انقلابی السالوادور و خسارتها بسیار و با ورتکردنی برای تمام نیروهای مردمی جهان بود. هنوز اطلاعات دقیقی از چگونگی شهادت آنا ماریا در دست نیست و تحقیقات دولت نیکاراگوئه و نیروهای انقلابی السالوادور در این زمینه ادامه دارد.

رفیق آنا ماریا که بهنگام شهادت ۵۲ سال داشت یکی از رهبران برجسته انقلاب السالوادور بود. او بعنوان یک معلم نفیسی مهمی در سازماندهی اعتصابات و پایه گذاری انجمن مترقی معلمان داشت. و بعدها نیز بصورت یک چریک حرفه ای در خط مقدم جبهه قرار گرفت و نقش کلیدی در ایجاد جبهه واحد بین گروه ها و سازمانهای مختلف سیاسی جنبش السالوادور بازی کرد.

انقلاب در السالوادور به پیش میرود و هر وجه از خاک این کشور که از چنگال امپریالیسم و مزدوران سوسیالیست آزاد نمیشود ناقوس مرگ امپراطوران سرمایه در آمریکای شمالی را بعدا در می آورد. آنا ماریا در صحت هموار کردن این راه جانفشرا نمیکرد. رفیق آنا ماریا با نفیس برجسته و انقلابی بود. با عنوان، پشتکار و فداکاری بی سابقه اش جزو معدود زنانی است که به سمت فرماندهی دوم یک ارتش آزادیبخش

جنایت رشت و فد انقلابی که همانند جنایات (CIA) علیه رهبران انقلابی در سراسر جهان می باشد دست زدند.

با در نظر گرفتن این واقعات ما بیانبه زیر را منتشر می سازیم:
(۱) وظیفه انقلابی ما به عنوان رهبران مبارزات بر حق مردم السالوادور حکم میکند که جهانیان را از تمام حقایق مطلع سازیم.



سالوادور کاراییو (نفر وسط) در مراسم تشییع جنازه رفیق آنا ماریا (به روز قبل از مرگ خودش) همراه توماس سورگه وزیر کشور و استیلا اورسگا هماهنگ کننده دولت نیکاراگوئه.

(۲) با اطمینان به نیرویمان... نتایج حاصله از تحقیقات در مورد شهادت رفیق آنا ماریا را تقبل میکنیم.

(۳) ما اعلام میداریم که با وجود ناراحتی بسیاری که احساس میکنیم هیچ کس و هیچ چیز قادر نخواهد بود که از رشد انقلاب ما جلوگیری نماید. آنهاهی که تصور میکنند که چنین عیانتی ما را ناتوان میسازد سخت در اشتباه هستند. زیرا درست برعکس آن صحت دارد. شجاعت انقلابی ما رشد کرده و وحدت ما فزونی یافته است.

(۴) بالاخره، بار دیگر اعلام میکنیم که ما متعهد به گذرین مبارزه در تمام زمینه ها هستیم و هیچیک از مانورهای امپریالیسم در مقابل اراده (FDR-FPLC) برای پیروزی کشورمان و ارج نهادن به راه شهدا و قهرمانان، موفق نخواهد گشت.

مرکز فرماندهی متحده انقلابی FPLC
کمیته اجرایی FDR السالوادور
۲۵ آوریل ۱۹۸۲ السالوادور

ناقل آمد. او نه تنها افتخار جنبش فد امپریالیستی جهان که الهام بخش تمام زنان مبارز و مشرقی در سراسر جهان میباشد.

عاطفه سرخس گرامی باد
بدنیال شهادت دو تن از رهبران جنبش السالوادور، رفقا آنا ماریا و کاراییو، مرکز فرماندهی متحده انقلابی (FPLC) و کمیته اجرایی (FDR) اعلامیه ای

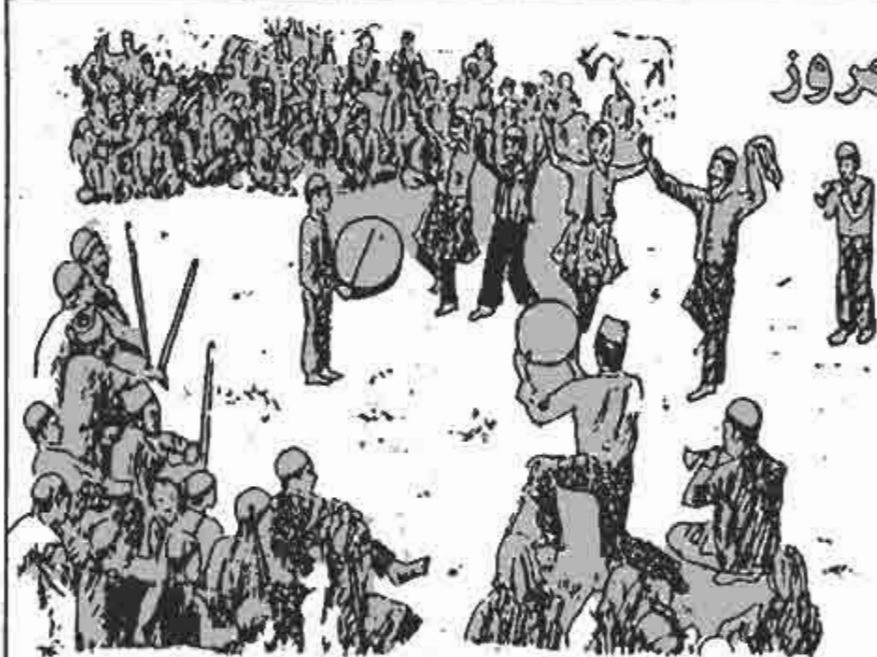
منتشر کرده که ما به درج ترجمه آن میادرت می نمایم.

"خطاب به مردم السالوادور، سازمانهای انقلابی و دمکراتیک کشورمان و خطبای برادر جهان:

مرکز فرماندهی متحده انقلابی (DRU) (FPLC) و کمیته اجرایی (FDR) مرگ رفیق سالوادور کارپاسو کاراییو (Carpio) فرمانده اول (FPLC) فارابوندو مارتینی و عضو هیئت فرماندهی (FPLC) را اعلام میدارد. رفیق کاراییو در تاریخ ۱۲ آوریل طی اطلاع از جزئیات ترور رفیق ملیدا آناپو مونتسز (رفیق آنا ماریا) که به دست افراد عضو سازمان وی انجام گرفته بود به زندگی خود خاتمه داد.

بر طبق تحقیقاتی که توسط نیروهای امنیتی نیکاراگوئه صورت گرفت، همانند کاراییو معروف به "مارسلو" (Marcelo) همراه با رفقای سابق: افرن (Efron)، فرانسیسکو (Francisco)، جاسینتو (Jacinto)، لولا (Lola) و روبرتو (Roberto) به این

نوروز، از آغاز تا به امروز



بار آمدن چون امید نو
تا فغل زندان بشکنم
وین چرخ مردمخوار را
چنگال و زندان بشکنم
هفت اختر سی آب را
کاین خاکبان را میخورند
هم آب بر آتش زدم
هم بادهاشان بشکنم
"مولوی"

ایرانیان باستان همچون دیگر اقوام به اقتضای زیستگاه اجتماعی و درجه تکامل نظام معیشتی و فکری خود، ناگزیر از تبیین چندی و چوئی پدیده‌های طبیعی بودند. توأم با فعالیت عقلی خود برای تغییر محیط، تلاش میورزیدند طبیعت مسخر شده را تحت سیطره خود در آورند و با آنکه آنرا با خود همراه کنند تا از قهر و تر آن بگریزند. آنان هر پدیده طبیعی را در احوای زندگی واقعی در قلمرو تحیل ترسیم میکردند. از طبیعت میآموختند و هر نمودی را مانند خود می‌انگاشتند.

استیلا بر اهریمن و نیروهای یابید و بلشت طبیعی و اجتماعی مرسوم هنگامی و همیاری انسان در صفای عداپان و پیگزار نیروهای نیک سرشت بود. چون پیروزی سرور-های نیک نهاد پیروزی انسان بود. ایزدان نیز بدون یاری انسان از پای در می‌آمدند. نوروز نیز چونان دیگر سن کهن اجتماعی که بین منیقی‌ها و یونانی‌ها محدودال - بوده است، زائیده تبارهای اجتماعی ایرانیان باستان بوده است. قدمت آن را شاید بتوان بدوران پیش از ایزد پرستی منسوب کرد. در اصل آن را نوک روز میگویند. این جشن در آغاز سال و بلافاصله بعد از عید "فروردگان" می‌آمد. این جشن ده روز بطول می‌انجامید و ظاهراً روزهای سوگ و ماتم بوده است. اروپایان بیرونی در کتاب آثار الباقیه به این جشن اشاره دارد: در آخر ماه دوازدهم "کشم" اهل سغد برای اموات قدیم خود گریه و سوخه سراقی کنند و چهره‌های مود را بخرانند و برای مردگان خورشیدها و آفا میدنیها گذارند.

ایرانیان باستان بر این باور بودند که در این اشیا نیروها که تقصم فلک و

هماهنگ میگردد. اساطیر که خود تلاش ابتدائی انسان برای صمیم هستی و زراف خانه آرمان‌ها و حرمان‌های اوست، نوروز را از آن جم شید (تاپناک) میدانند. همان گونه که از اسم او مستفاد میگردد، احتمالاً همان ایزد خورشید اقوام خود ایرانی و بعقب‌مصرخی از مورخین اولین پادشاه قوم ایرانی بوده است.

فردوسی، حماسه برای بزرگ ایران نوروز را منتسب به جمشید میکند: جهان انجمن شد بر تخت اوی از آن برنده نهری بخت اوی به جمشید بر گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند برخی از اساطیر نوروز را جشن آفرینش نخستین انسان، یعنی کیومرث، میدانند. فردوسی در تعریف و انتساب نوروز به کیومرث چنین می‌سراید: چو آمد به برج حمل آفتاب جهان گشت بر سر آئین و تاپ

کیومرث شد بر جهان کدخدای نخستین که اندرون باخت جای زند اوستا اشاره‌ای که به فروردین ماه دارد از این قرار است: این ماه فروردین روز خرداد است که نام نریمان ازدهاک را بگفت، روزیست که ایزد اهورامزدا رستاخیز خواهد کرد و همین روز است که جهان از ناتوانی در برآید و دیوان، دروغ و ظالمان و کسران رهاقی

زوال جهان تلقی میشدند، به زمین فرود می‌آیند و از خانواده درگذشتگان می‌بند میکنند. فرورها در واقع دلالت بر حاططی بهی آب حاصل خیز کننده بوده‌اند.

فرورها در کتاب اوستا اینگونه ترسیم شده‌اند:

آنگاه فرورها می‌خوانند و می‌بندند و چندین چندین صدما، چندین چندین هزارها چندین چندین ده هزارها هر یک برای خانواده خود یا ناحیه خود و مملکت خود آب تحمیل کنند... سختگرا میداخت فرورها و انگیزه‌نشان در آن در زمان باستان بر صورت چینی درآمد که به آب ریزان مشهور شده است. در روز اول فروردین با هر فرد روز مردم به کنار شهرها و قنات‌ها میرفتند و شستشو میکردند و به یکدیگر آب میپاشیدند. مراسم آب ریزان در واقع تلاش ایرانیان برای جلب رأفت طبیعت و راندن نیروهای سیه کار که قطعی و خشکالی بیمار می‌آورند، بوده است.

شاید رسم خانه تکانی که هنوز بهنگام نوروز معمول است، مربوط به آئین بزرگ - داشت فرورها باشد. ظاهراً جشن نوروز که پس از این مراسم می‌آمده روز اول سال و ایام شادی بوده است و این زمانی است که طبیعت زایشی نو را پس از رخوت زمستان آغاز میکند. خورشید نوروزان میشود و برضو افشانی آن طبیعت بی جان را طراوت میبخشد. تکوینها تارک طبیعت را می‌رایختند و باووری بیمار می‌آوردند و دیگر بار انسان با طبیعت

می‌باشد و سرورش قمیسی سبزه را به ناتوانی مینماید. خداوند امور را می‌داند اهریمن را میزند و او را ناتوان می‌سازد به طوری که از آن پس به بعد روح او روی زمین حکومت نکند.

هم چنین :

خرد آه روز سرور در سالها با ماها و روزهاست هستی، زایش و پروری همه استخوانان (موجودات سانی) جهان از آب است، زمین را نیز آب تالی از اوست اگر آن روزی را بامه‌ئی نیکو عهد و بوی خوش بویند و مراد نیک کنند و برنشینی از جای زمین و مردم به دور بویند و آبها را منبر کنند و ستایشگاه روز را انجام دهند، آن سال نیکوئی به ایشان پیش‌رشد و بدی را از ایشان دور سازند. او که آب زوالش بگردد با بهار آرد، آن ماه آسوده با آورده بود. مهرداد بهار در کتاب اساطیر ایران نوشته است که ظاهراً در اساطیر ایرانی و هندی غورشید، مهر و جمشید جنبه‌های گوناگون یک خدایند که سن خدای غورشید بومن خدای نباتی و حیوانی هم هستند.

انگیزه و هدف‌های از برگزاری مراسم نوروز، تلاش اجدادی ایرانیان باستان برای دستیابی به خواسته‌ها و آرزوهای خود بوده‌است. تلاش برای به سرسبز آوردن طبیعت و بیان دیگر نیایش برای بارش باران و تابش آفتاب بوده است. جشن نوروز پس از فتح آیین‌ها توسط تازیان، همچنان پایدار ماند. برخی از رسوم و آداب آن چون آتش‌ریزان و مهرنوروزی منسوخ شد. ایرانیان حتی برای مناسبت از رسوم کهن خود دست‌نویس به نقل روایتی می‌دهند که ظاهراً پیامبر اسلام در وصف نوروز گفته بود، خلفای مرتب در قرون اولیه حاکمیت خود را خود در ایران صرفاً به منظور دریاخت‌هاج و خراج که موعود پرداخت آن در نوروز یا مهرگان بود، مخالفی با برگزاری نوروز نمی‌کردند. رسم هدیه دادن که از زمان ساسانیان باقی مانده بود و یکی از منابع تاریخ پادشاهان بود، دوباره متداول شد و رنگی را برای کثرت محروم جامعه سخت‌تر کرد. خلفای اموی که نمایندگان اشرافیت زمان بودند، سنت ارمغان دادن را بر مردم تحمیل کردند. جرجی زیدان در تاریخ اسلام به خراج سنگینی اشاره دارد؛ در زمان معاویه تعداد هدایا به پنج تا ده میلیون درهم بالغ می‌شد،

همچنین ایرانیان بیرونی در آثار الهامیه به وضعیت هولناک دهقانان اشاره می‌کنند؛ چون پارتیان از کبیسه دست بردارند، ماه‌ها ایشان بیشتر شد و نوروز پیش از رسیدن فله برآمد و خراج پیش از فله گشاده شد و دهقانان به رنج افتادند.



ایرانیان در هر صورت و نهفتی که در مخالفت با امویان ایجاد شد، فعلاً آنه‌ها نوشتند نهفت شومیان که خود آبتن نهفتیهای عمدنا دهقانی و دهقانان و قریظیان و دیگر قبا‌های ملی قرون دوم و سوم هجری شد، بزواک طغیان ایرانیان بر علیه سیره‌گشی خودالی و برتری تازیان بود. گرچه نهفت سوزک توسط انوشیروان به خون کشیده شد و عده کشی‌گری از بیروان او قتل‌عام شدند، اما اندیشه اشتراکی سرگاو در شورش‌های دهقانی، در ادبیات و فلسفه و آزادگانی چون بابک خرمدین و این مقلع احیا شد.

در اواخر قرن دوم هجری انقلاب سیاسی سترگی منجر به سراندازی امویان گردید. با روی کار آمدن خلافت عباسی و نفوذ برمکیان و دیگر وزرای ایرانی جشن‌های ایرانی دوباره رونق یافت و فرهنگ ایرانی شکوفا شد. حکومت عباسیان حرمان بهار آورد و به آرمان مردم عیان‌کرد و هیچ چیز جز خراج و مالیات‌های سنگین تر نصیب توده‌های محروم نشد.

جنبش هروغی و دیگر نهفت‌های اجتماعی که عمدتاً ریشه دهقانی و رنگ مذهبی داشتند طی قرون متوالی بر علیه سیره‌گشی خودالی به تدریج برعکسند و زمین‌لرزه‌های مذهبی در دوران خود ایجاد نمودند ولی به‌سبب پراکندگی، خودانگیزگی، عدم آگاهی و شکل طبقاتی، هیچ‌یک از این شورش‌های دهقانی نتوانستند پیروزی نهایی و پایدار به کف آورند. انقلاب مشروطیت را میتوان سرآغاز تحولی ژرف در این بوییش

تاریخی به حساب آورد. در فرایند این انقلاب بود که مردم ششمینده ایران بر استبداد خودالی استیلا می‌یابند. اما انقلاب مشروطیت نیز با تمامی عظمتش نتوانست نتایج مطلوب را به‌بار آورد.

از اوایل مشروطیت به بعد نوروز بهمان شیوه‌ای که اکنون متداول است، برگزار می‌شود. با این تفاوت که سنت نامیون "حاجی‌میروز" بعد از تکوین و انکشاف مناسبات سرمایه‌داری و بحران منیعت از آن، بدان افزوده شده است. "حاجی‌میروز" که ظاهراً خود را بیشتر سرور نوروزی قلمداد می‌کند در کوچه و برون‌ها ظاهر می‌شود. او برمود که جسم میثی و پیران فلاکت و محرومیت جامعه سرمایه‌داریست اسم "حاجی" می‌دهد و با هفت "میروز" سرنوشت اسفناک خود را می‌آراید. او که خریداری برای نیروی کار خود نمی‌باشد و هیچ‌گونه چشم‌اندازی در فراروی خود نمی‌بیند بی‌هویتی اجتماعی خود را فریاد می‌کند. از مناسبات استثمارگرانه، یعنی از "ارباب خود" در "اشعارش" سخن می‌گوید. "حاجی‌میروز" در بی‌هویتی خود تناقضات جامعه سرمایه‌داری را نمایان می‌سازد. ظور او از هیچ چیز جز فقر و فلاکت و بی‌کاری جامعه سرمایه‌داری حکایت نمی‌کند.

در نخستین بهار پیروزی انقلاب بهمن، هنگام با تشنه او بگیری بحران سرمایه‌داری و تورم و بی‌کاری، چهار راه‌های تهران مشغول از این چهار سره‌های تشنه دردمند بود که کوس رسوایی دو رژیم پهلوی و خمینی را بر سر هر گوی و برزن بعداً در آوردند. اگر رژیم پهلوی که آنخلشان غم خلق چون برکاهی از میان رفتن بر آن بود نوروز را به بارگاه خون‌آلود خود منتسب سازد و فرهنگ بالنده را دچار خواب‌انگیزی سرمایه‌داری کند، امروز جمهوری اسلامی که به‌راستی می‌باید از آن بعنوان جمهوری چوبه‌های دار یاد کرد، که ارزش‌های تاریک اندیشه‌ها را از اصناف تاریک خانه قرون وسطی بیرون می‌کشد، با فرهنگ خیزی خود کم‌رنگ انهدام نه تنها فرهنگ‌گشی و پویا، بلکه تمامی مظاهر مدنیت بسته است.

اما مظهرم تمام فراز و فرودها، نوروز که مظهر زایشگشی و پویندگی انسان و طبیعت و میانگر آرمان‌های ضلوع ناپایسته مردم محروم ایران است، همواره در برابر ناملایماتی‌ها پایدار مانده است و هیچگاه جوهر واقعی خود را از کف نداده است.

ایران - ۱۳۶۱

- تضادهای داخلی رژیم

- جنگ

- اقتصاد اسلامی

- سرکوب زنان

- جنبش خارج از کشور



XXXXXXXXXXXXX
 ملی قراردادی رژیم جمهوری اسلامی -
 موافقت کرد که ۴ میلیارد تن نفت خام به
 ترکیه صادر کرده و در قبال آن گندم و گوشت
 ۲۰۰ هزار تن شکر و لوله‌های گاز از ترکیه
 تحویل گیرد.

XXXXXXXXXXXXX
 ملی قراردادی به مبلغ ۱۴۰ میلیون دلار
 که بین جمهوری اسلامی و اروگوئه متفق
 شده جمهوری اسلامی متعهد شد در قبال فروش
 نفت ارزان به اروگوئه، از آن کشور سالانه
 ۸۰ میلیون دلار برنج، گوشت و دیگر محصولات
 غذایی خریداری نماید.

XXXXXXXXXXXXX
 اعلام شد که هندوستان سالانه ۵ هزار
 تن شکر، چوب در ایران مونتاز خواهد کرد.

XXXXXXXXXXXXX
 ملی قراردادی سوریه متعهد گردید در
 قبال دریافت نفت از ایران، طرف ده سال
 آینده ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تن سفات مورد
 نیاز ایران را برآورده سازد.

XXXXXXXXXXXXX
 خمینی از فرماندهان ارتش خواست که
 مخالفان خود و آشنائی را که از فرامین
 اطاعت نمیکنند، از ارتش اخراج نمایند.
 صادق قطب‌زاده، وزیر اسبق امور خارجه
 جمهوری اسلامی و از نزدیکان خمینی، به -
 اتهام کودتا و قصد قتل خمینی دستگیر و
 بازداشت شد.

XXXXXXXXXXXXX
 دایره ایمنشولوزیک ارتش اعلام کرد که
 ۲ هزار نفر در داخل ارتش برای زیر نظر
 گرفتن افراد ارتش و جلوگیری از کودتا
 مخفیانه مشغول بکار هستند.

XXXXXXXXXXXXX
 قطب‌زاده ضمن تأیید اتهامات وارده بخود
 در تلوویزیون های آیت‌الله شریعتمداری را -
 تهمت بیگان کشید.

XXXXXXXXXXXXX
 تظاهرات ضد شریعتمداری ترتیب داده
 شد و مقام مرجعیت او نفی شده با اتفاق
 خانواده‌ای تحت نظر قرار گرفت.

آنچه در زیر میآید مروری است کوتاه بر
 وقایع مهم سال گذشته ایران. در این وقایع
 نگاری سعی شده است اخبار مربوط به مؤمنیت
 اقتصادی - سیاسی رژیم و تفاهای نیروی
 آن سیاستها و برنامه‌هایش در زمینه های
 مختلف و نیز گویه‌هایی از مبارزات مردم
 بطور بسیار خلاصه جمع‌آوری شود.

فروردین

خمینی در پیام نوروزی خود گفت:
 «میدوایم ۳۰ سال سازندگی با عده این
 مخالفین رحم کنند به حال جمهوری اسلامی و
 همه چیز بهتر از همه دوره‌ها بوده و هر
 سال از سال قبل بهتر بوده و امسال هم
 مینظر است».

خمینی در رابطه با اختلافات نیروی
 گفت: «تمام کسانی که دست بکار هستند دست
 بهم بزنند و با هم دست بیاورند. افرادی که
 در مجلس هستند با هم رفیق باندند».

سه کتاب و جزوه بزبان انگلیسی به نامهای جنایات رژیم خمینی (Komeini's Crime) است. هاستهها و گزارش فعالیتهای جبهه همبستگی (ISF) برای اولین بار از طرف جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق کمکراتیک مردم ایران در سطح جهانی منتشر و پخش گردید.

اردیبهشت

شریعتداری در نامه‌ای اتهامات وارده بعود را رد کرد.

XXXXXXXXXXXX

۱۲ اردیبهشت شریعتداری در تلویزیون ظاهر شده و تقاضای عفو کرد.

XXXXXXXXXXXX

حاجی رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفت: "وی از همان بدو تشکیل جمهوری اسلامی با پیروی از دستورات رهبری قاطع از اتفاق کلمه دمکراتیک اجتناب ورزیده، چرا که کلمه دمکراتیک ناقض اصول شرع مقدس اسلام است."

XXXXXXXXXXXX

احمد خمینی در مصاحبه‌ای گفت: - منتظری پس از مرگ خمینی رهبری انقلاب اسلامی را بعهده میگردد و مجلس خبرگان که قرار است بزودی تشکیل شود به نفع وی رأی خواهد داد. بدنبال این اعلامیه‌ها نه‌ای گروهی جمهوری می‌شوند آیت‌الله العظمی را به نام او اضافه کردند.

XXXXXXXXXXXX

خمینی در یک سخنرانی گفت: "انتقادات و تبلیغات در رژیم گذشته یکی از پایه‌های مهم حاکمیت بود و ما نیز بایستی حاکمیت کنیم که تمامی ارگانهای تبلیغاتی را در دست خود بگیریم تا دیگران نتوانند از آن بر علیه ما استفاده کنند."

حاجی رفسنجانی در یک سخنرانی گفت: " رژیم جمهوری اسلامی زنان ایرانی را از بدبختی نجات داده است. زنان ایرانی باید زندگی فاطمه زهرا را سرمشق خود قرار داده و همانطور که او تمامی زندگیش را وقف تربیت فرزندان و انجام کارهای خانه کرده، زنان ما نیز می‌بایست تمام عمر خود را - صرف بر آوردن خواسته‌های همسر خود بنمایند."

XXXXXXXXXXXX

محمدعلی نجفی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی گفت: "برحال حاضر یک نظارت دقیق بر دانشجویان خارج از کشور میشود و ارز دانشجویانی که در خارج از کشور - فعالیتهای ضد انقلاب اسلامی داشته‌اند قطع شده است."

کیهان
شماره ۱۴ اسفند ۱۳۶۱

... شخصیت حضرت زهرا (س)
پایا در مرد حضرت زهرا (س) بود
در زندگی این شخصیت عظیم و نادره
تاریخ در تاریخ و هر یکی در عین
چیز حساسی هست پس باید من بیشتر
بیشتر وقت اعلان طرح می‌کنم برای
اینکه یک کاری اثری به فساد
اعلان شود.

بزرگتری که اکثر ملت‌ها عظیمه که
بسیار اگر در وقت زهرا را می‌بیند یا
بسیار دست زهرا را می‌بوسد یا زهرا
دست بوسه را می‌بوسد پس این
انقلاب و جبهه پیروز و کشتی که در جبهه
بودند که زهرا آنها بود احساس گرسنگی
می‌کردند و زنی که گرسنگی می‌کرد
رسو نمیشد در حالت چنین بود و کشتی که
زنان سنگ حضرت خمینیه را بیشتر
اسلام و بیشتر خدمت‌های به اسلام
بایکوت کرده بودند و بسا لوحسرف
نمی‌زدند عظمت خلاق حضرت خمینیه را
بر می‌گردد و بسا خمینیه از دین رحمت
صمیمت می‌کرد که یک روز پیامبر وارد
شد دید که خمینیه در اشکال نشسته و
نارده دست می‌کند و صحبت می‌کند خمینیه
کرد و فرمود با کسی حرف می‌زدند
خمینیه گفت چیز عجیبی است مطلق که
مردن

خادم هر وقت که احساس می‌کند که
تعبیه با من وارد مذاکره می‌شود و از
سختیات بحث می‌کند، خمینی که در
دانش امام حسن و امام حسین و زینب
کنوم را آرید و خمینی که خمینی
این مطالب اگر نبود کفوی نداشتند اگر در
هو نبود علی کفوی نداشتند.

مذاکره از درون رجم!

فستی از غلبه نماز - جمعه هاشمی رفسنجانی

دو هفته دوم فروردین نیروهای جمهوری اسلامی طی عملیات وسیعی که با تاکنیک حاکمات موج‌های انسانی توأم بوده نیروهای عراقی مستقر در ایران را به عقب راندند. در این عملیات هزاران تن از دو طرف به هلاکت رسیدند. این حملات در روز هفتم فروردین به اوج خود رسید که در نتیجه آن نیروهای عراقی ۲۸ مایل عقب نشینی کردند که این آغاز عقب‌نشینی‌های بعدی عراق بود. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بدنبال این عقب‌نشینی گفت: "ایران بهیچ وجه قصد ندارد در ادامه بی‌روزمری نرفول نیروها پیش را به خاک عراق داخل کند ولی چند روز بعد در اجتماع دیگر گفت: "آیت‌الله خمینی باید رهبر حکومت آینده عراق باشد. خط آینده عراق، ولایت فقیه است و رهبر امت اسلامی امام خمینی هستند و ولایت امام خمینی از آن همه است اسلامی است و به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود."

XXXXXXXXXXXX

ابوالحسن بنی صدر در مصاحبه با نشریه "ساینس ریویو" گفت: "اگر گروه خود او در ایران به قدرت نرسد ترجیح می‌دهد جمهوری اسلامی همچنان سرکار باقی بماند. بنی صدر در مصاحبه دیگری با نشریه "پلیتیک انترناشنال" گفت: "همون‌ها بوری بختیار با عراق در حمله به ایران همکاری داشته‌است اکثریت مردم او را خائن میدانند." بنی صدر همکاری بختیار با عراق را به همکاری یک فرانسوی با تواری اغتالگر آلمان در هنگام اغتال فرانسه توسط آلمان در جنگ جهانی دوم تشبیه کرده و گفت: "مردم - ایران ستام حسین را یک رئیس‌جمهور خونخوار می‌شمارند بختیار نه تنها اعتیاد می‌کرده بلکه مرتکب اغتیاد غیر قابل بخشش نیز شده."

با مزدوران جمهوری اسلامی همکاری نزدیک داشته اند. در جریان این حمله یک دختر آلمانی که شاهد عملیات وحمپانه حزب الهی ها بوده جان خود را از دست داد.

خرداد

بودجه سپاه پاسداران افزایش یافت.

XXXXXXXXXXXX

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، طی مصاحبه ای گفت: «ملت مستضعف ایران نیاز به داشتن غذاهای گوناگون در سفره هایمان را ندارند. ملت مستضعف میبایست زندگی پیشوایان صدر اسلام را مورد تقلید قرار داده و قناعت اسلامی را پیوسته خود سازد. سرمایه داران باید موجودی خودشان را در جهت یکارنداختن کارخانه های تعطیل شده بکار گیرند و دولت نیز با تعاملی وجود در آینده نزدیک به آنان کمک های لازم را خواهد کرد».

XXXXXXXXXXXX

خاتمه ای رئیس جمهوری اسلامی خطاب به کارگران گفت: «مکاتبالا دی میکومند کارگران را بصورت طبقه ای جدا از امت اسلامی بشناسانند. کارگران نباید در امور مدیریت واحدهای صنعتی فعالیت کنند و در مقابل وظیفه دارند با افزایش تولید کشور را از خرید خارجی بی نیاز کنند. هنر فاندن هر لحظه از ساعت کار، تجاوز به حقوق محرومان و بی حرمتی به خون شهیدان است».

XXXXXXXXXXXX

خاتمه ای در سمینار دو روزه استانداران گفت: «ملت در شرایط بسیار بدی بسر میرود و اگر اوضاع بهمین منوال پیش برود بی شک با پستی فاقته جمهوری اسلامی را خواند».

XXXXXXXXXXXX



آهنگر

XXXXXXXXXXXX

طی قراردادی زاین نفت ایران را هر بشکه ۲۶ دلار خریداری نمود.

XXXXXXXXXXXX

در روز ۱۹ اردیبهشت، خرمشهر شاهد یکی از شدیدترین نبردهای ایران و عراق بود و خرمشهر که تا این تاریخ در دست نیروهای عراقی قرار داشت، محاصره نیروهای جمهوری اسلامی برآمد.

XXXXXXXXXXXX

منتظری از روحانیت عراقی خواست که با وحدت کلمه و پیروی از خط فاطم امام امت هرچه زودتر صنایع را سرنگون ساخته و ولایت فقیه را مورد تقلید قرار دهند.

XXXXXXXXXXXX

موسوی تهریزی اعلام کرد که «سایه اسلامی بی حیایی را بهی از این تحمل نخواهد کرد» و از حزب الهی ها خواست که با عدت هرچه تمامتر با افرادی که این مسئله را رعایت نمیکنند برخورد خود».

XXXXXXXXXXXX

۲۵۰ تن از مزدوران انجمن اسلامی به رهبری های غفاری در شهر مایتر آلمان غربی به خوابگاه دانشجویان مترقی حمله کرده و تعدادی از آنان را مجروح ساختند. در این حملات، خاتمین توده ای - اکثریتی

معامله نفتی با آمریکا

جمهوری اسلامی ۱/۸ میلیون بشکه نفت را به قیمت هر بشکه ۲۹/۵۶ دلار به آمریکا فروخت. لوس آنجلس تایمز در تاریخ ۲ مه در این باره نوشت: «در این معامله آمریکا بهترین نوع نفت خام را ۴/۵ دلار کمتر از قیمت رسمی اوپک از رژیم جمهوری اسلامی خریداری کرده و بدین ترتیب ۸ میلیون دلار سود برده است».

XXXXXXXXXXXX

احمد توکللی وزیر کار و سخنگوی دولت در مصاحبه ای اعلام کرد: «جمهوری اسلامی در نظر دارد روابط خود را با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان از جمله ترکیه، پاکستان، عمان و غیره توسعه دهد. در ضمن دولت ایران کمک خواهد کرد که خدا نغلاب در این کشورهای مسلمان سرکوب گردد».

XXXXXXXXXXXX

جمهوری اسلامی در قبال پرداخت ۴۶ میلیون دلار از طریق بانکهای آلمان غربی به دلان اسلحه که آمریکائی و سوئیسی بودند هیچ نوع سلاحی تحویل نگرفت.

در قرارداد دیگری برای خرید اسلحه رژیم مبلغ ۵۰ میلیون دلار به یک شرکت که اساساً وجود خارجی تداخت پرداخت و چیزی دریافت نکرد.



فدائی خلق ایران علاقه حرکت داشتند.

به دنبال اغفال لبنان توسط اسرائیلی

و خروج فلسطینی ها از این کشور احمد -
توکلی در رابطه با پذیرش فلسطینی ها در
ایران اعلام کرد که «ما با این عمل همیشه
مغالطه بلکه ما مصمم از طریق کربلاه قس
را فتح کنیم»

خامنه‌ای در دیدار با روحانیون مسئول
ارصاد و راهنمایی زائران مکه گفت: «با بستن
حجاج وظیفه تبلیغ به نفع جمهوری اسلامی در
ائتلاف زیارتخانه عبا را از باد نبرند»

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای
اسلامی در محاسبه‌ای گفت: «بدون شك اس سال
سال برنامهریزی، سازندگی، تأمین و رفاه
و عظمت و تثبیت انقلاب اسلامی است»

وزیر نفت اعلام کرد: «جمهوری اسلامی
از نفت بعنوان يك ابزار در جهت شکستن
حکومت های آمریکائی در سراسر جهان استفاده
خواهد کرد» !!

شرکت آمریکائی I.T.T. عامل اصلی
کودتای عملی اعلام کرد که در جریان گروگان
گیری آمریکائی ها در ایران، یکی از -
بزرگترین قراردادهای خارجی خود را با دولت
جمهوری اسلامی منعقد کرده است.

وزیر دفاع اسرائیل، آرئیل شارون مدیر
مصاحبه با خبرنگار NBC گفت که
اسرائیل به جمهوری اسلامی در جنگ با عراق
کمک نظامی کرده است. وی گفت ارسال
اسلحه به ایران با اطلاع و موافقت آمریکا
صورت گرفته است.

خمینی از سران کشورهای غیرمتحد که
قرار بود کنفرانس آن در بغداد تشکیل شود
خواست تا از حرکت در آن سربازد بعد هم
ولایتی از دولت کوبا خواست تا محل کنفرانس
را تعیین دهد.

صدام حسین روز ۳۳ قرارداد اعلام کرد که
نیروهای عراق تماماً از ایران خارج شده و
کار تخلیه آنان ظرف ۱۰ روز آینده پایان
خواهد گرفت تا ایران بهانه‌ای برای ادامه
و طولانی‌تر کردن جنگ نداشته باشد و لسی
مقامات جمهوری اسلامی گفتند تخلیه خاک
ایران از قوای عراق کافی نیست و بقیه
شرایط ایران نظیر سرنگونی صدام و مجازات
او و پرداخت جرمه جنگ نیز باید انجام
شود.

دکتر عباس پوره معاون امور سازمانی
و استخدامی کشور اعلام کرد: «آنستنه از
بانوان شاغلی که مایل به خانه داری و تربیت
فرزندان خود میباشند، در صورت کناره گیری
از عطفان ۵۰٪ به حقوق عوهرانشان اضافه
میگردد»

بدنبال ورود ولایتی وزیر امور خارجه
جمهوری اسلامی به نیویورک جهت شرکت در
مجمع عمومی سازمان ملل و یکسری تظاهرات
موفقیتهای آنهم توسط دانشجویان هوادار -
سازمانهای انقلابی برگزار گردید که در کلبه
این تظاهرات هواداران سازمان چریکهای

تیر

بودجه باستاناران برای بار دوم افزایش
یافت.

ایران - ۱۳۶۱

XXXXXXXXXXXX

طی يك موافقت نامه قرار شد حجم مبادلات بازرگانی بین یوگوسلاوی و ایران افزایش یابد. خبرگزاری رسمی یوگوسلاوی در این مورد نوشت مبادلات بازرگانی ایران و یوگوسلاوی قبلا در حدود ۲۰ تا ۲۰ میلیون دلار در سال بوده که در سال ۱۹۸۰ به ۱۴۵ میلیون و در سال ۸۱ به ۲۰۸ میلیون دلار رسیده و پیشبینی میشود در سال جاری به ۴۰۰ میلیون دلار بالغ شود.

قراردادهای دیگر

نیکا را گوته - در مقابل خرید نفت از ایران، نیکا را گوته شکر، گوشت، سیگار و قهوه در اختیار ایران میگذارد. مبارستان - تمدننامه همکاریهای اقتصادی، صنعتی و بهداشتی.

بحر جنوبی - در مقابل نفت ایران و کالاهای سنتی و ماهی به ایران مبادرت میسر میسر یونان - حجم مبادلات بازرگانی در سال ۸۲ به ۳۶۰ میلیون دلار رسید.

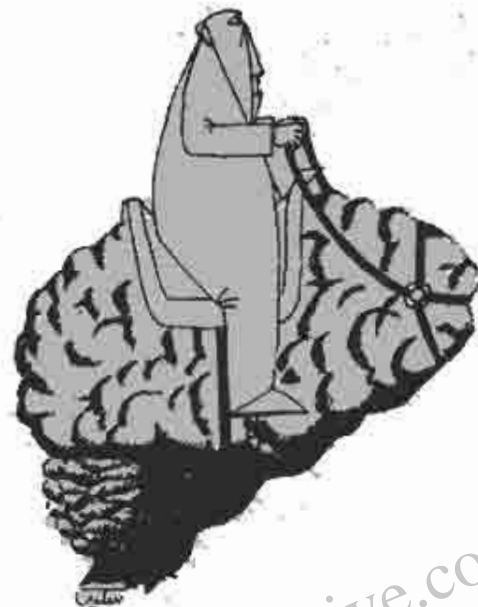
آلمان شرقی - ۷۵ میلیون دلار فرآورده های غیر نفتی از ایران میخرد، در مقابل ایران وسایل الکتریکی و صنایع سیمان از آلمان شرقی دریافت میکند.

چین - در مقابل نفت ایران منسوجات و نچر شده به ایران صادر میکند.

بلغارستان - در مقابل نفت و گوشت پنسره، توتون و سیگار، ماشین آلات، کبود غیمپانی، لیشنگ و مواد ناروشی به ایران صادر خواهد کرد.

XXXXXXXXXXXX

گرفته و جنگها از نظر عراق تمام شده است. ولی مقامات جمهوری اسلامی گفتند نیروهای عراقی هنوز ارتفاعات مرزی ایران را تحت کنترل دارند.



سایین

XXXXXXXXXXXX

۲۲ تیر نیروهای جمهوری اسلامی از مرز گنفته و وارد خاک عراق شدند. خبرگزاریها گزارش دادند که در این حمله ۸۰ هزار تن از نیروهای ایرانی شرکت داشته و با تاکنیک موجهای انسانی در خاک عراق پیشروی میکنند و هزاران تن از آنان به هلاکت رسیده اند. خمینی در پیامی به مردم عراق گفت: اکنون که برادران ایرانی شما برای نجات شما از يك رژیم کافر وارد عراق شده اند، لازم است از خانه های شما بیرون آمده و آنها را یاری کنید. رهبران و رئیس جمهوری آمریکا در بیانیه ای در این رابطه اعلام به طرفی کرده و از ایران و عراق خواست تا به جنگها نمانند.

XXXXXXXXXXXX

مطلبی ناوری سرپرست سازمان تربیت بدنی در مورد تعامای مسابقات ورزشی برای بانوان گفت: در حال حاضر بانوان به

خاطر لباس ورزشکاران نمیتوانند از مسابقات ورزشی بدمین کننده زیرا که باعث گناه میشود. !!

XXXXXXXXXXXX

مرداد

جمهوری اسلامی اعلام کرد آماده است اسلحه هائی را که اشغالگران صهیونیسم از چریکهای فلسطینی بدست آورده انده خریداری نماید.

XXXXXXXXXXXX

طی قراردادی جمهوری اسلامی نفت را بدکهای ۹ دلار ارزان تر از قیمت اوپک به ایتالیا صادر کرد.

XXXXXXXXXXXX

صدام حسین اعلام کرد عراق از مئزبانی هفتمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که قرار بود عدم سبقتا مبر در بغداد تشکیل شوده صرف نظر کرده است. او کشور هند را بعنوان محل برگزاری کنفرانس پیشنهاد داد.

XXXXXXXXXXXX

شهریور

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی اعلام کرد که در بودجه سال جاری ۱۰ میلیارد تومان به مسائل جنگ اختصاص داده شده است.

XXXXXXXXXXXX

کانون نویسندگان ایران در تیممد طی بیانیه ای فعالیت خود را آغاز کرد.

XXXXXXXXXXXX

جواد منصوری معاون امور کنسولی و فرهنگی وزارت امور خارجه در کنفرانسی جهانی سیاستهای فرهنگی گفت: دنیا بفرگ جدید نیاز دارد و جمهوری اسلامی میتواند

این کمبود جهانی را جبران کند. !!



XXXXXXXXXXXX

قوای رژیم جمهوری اسلامی حمله دیگری را به‌عکس عراق آغاز کرد و از طریق شهر مرزی سوماره ارتفاعات مشرف به شهر مندلی در ۶۰ کیلومتری بخناد را به تصرف خود درآورد.

XXXXXXXXXXXX

رئیس‌سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که جمهوری اسلامی سالانه ۵۰ میلیارد تومان صرف هزینه‌های جنگ با عراق می‌کند که این مقدار ۲۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور است.

XXXXXXXXXXXX

مرتضی حسینی داستان نادگاه‌های مبارزه با متکرات در دیدار با رهبران اقلیت‌های مذهبی گفت: «مشیده‌ایم که آقایان با خانها در مجالس حرکت می‌کنند آقایان باید توجه کنند که در ملاعام باید قوانین اسلامی رعایت شود و ما منتقدیم که همانطوریکه در عاتها نباید مزاحم اقلیتها عده اقلیتها نیز باید در ملاعام رعایت قوانین شرعی اسلامی را بنمایند و تابع قوانین اسلام باشند».

XXXXXXXXXXXX

بمناسبت ورود علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به شهوپورک از طرف هواداران سازمان هریرک‌های فدائی خلق ایران و سایر سازمانهای مشرقی دانشجویی تظاهرات گسترده‌ای در مقابل سازمان ملل انجام گرفت.

XXXXXXXXXXXX

آبان

جمهوری اسلامی از پذیرفتن سفر جدید فرانسه سر باز زد و اعلام کرد تا زمانیکه فرانسه بناگاه مخالفان جمهوری اسلامی است از پذیرش سفر جدید خودداری می‌کند.

XXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXX

بر اساس يك گزارش اقتصادی که در این ماه از طرف رژیم منتشر شده در سال گذشته ایران با کمبود انواع مواد صنعتی و کشاورزی و غذایی روبرو بوده است و خاصیت کالهای تولیدی نسبت به سال قبل از آن ۲۲/۵ درصد افزایش داشته است.

XXXXXXXXXXXX

طی قراردادی رژیم جمهوری اسلامی ۱۶۰ میلیون دلار کالاهای مختلف از پوزریل خریداری کرد.



XXXXXXXXXXXX

ترمینال نفتی جزیره خارک مورد حملات هوایی عراق قرار گرفت که در نتیجه آن صدور نفت ایران ۵۰ درصد کاهش یافت.

مهر

خسرو قشقانی روز نهم مهر به نارآویخته عد.

XXXXXXXXXXXX

بر اساس يك گزارش اقتصادی که از طرف جمهوری اسلامی انتشار یافت از زاین به عنوان بزرگترین صادرکننده کالا به ایران و همچنین بزرگترین خریدار کالاهای ایران نام برده شد.

XXXXXXXXXXXX

تقی بانکی، سرپرست سازمان برشامه اعلام کرد که گروهی از وزیران و شخصیت‌های مملکتی مخالف نایتن برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌گویند که بهی‌بهی و برنامه‌ریزی آینده غیرممکن است !!

XXXXXXXXXXXX

خمینی در دیدار با اعضای ستاد فرهنگی گفت: « دانشجویانی باید به ناندگاه وارد شوند که وابسته به عراق و غرب نباشند اگرچه متظاهر به حمایت از جمهوری اسلامی هستند».

XXXXXXXXXXXX

پس بی‌سی گزارشی داد عده‌ای از زائران مکه از دولت عربستان سعودی تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند!

XXXXXXXXXXXX

طاق قطب‌زاده روز ۲۸ شهریور اعدام شد.

XXXXXXXXXXXX

طی يك قرارداد ۳۳۰ میلیون تومانی، يك حرکت امانت‌های تهیه و نصب و انتقال نیرو در ایران را بعهده گرفت.

XXXXXXXXXXXX

آلمان غربی تصحیح زین‌تور گازی بقرت یکصد مگاوات را بعهده گرفت.

XXXXXXXXXXXX

کارشناسان هندی تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را تقبل کردند.

XXXXXXXXXXXX

دکتر نیک‌نژاد معاون امور داروئی وزارت بهداشتی اعلام کرد که در حال جاری ۷ میلیارد تومان دارو وارد کشور خواهد شد. این رقم قبل از قیام بهمن ۲ تا ۲/۵ میلیارد تومان، در سال ۵۹ به ۵/۵ میلیارد در سال ۶۰ به ۵/۵ میلیارد و در سال ۶۱ به ۷ میلیارد تومان رسیده است که نسبت به ۳ سال گذشته ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.

XXXXXXXXXXXX

مرکز آمار ایران گزارشی داد که ایران با کمبود ۳/۵ میلیون خانه روبروست که بزودی به مرز ۴ میلیون خواهد رسید. همین گزارش افزود که در حال حاضر ۱۳ میلیون ایرانی فاقد خانه هستند.

ایران - ۱۳۶۱

هاشمی رفسنجانی از ایرانیان مقیم خارج خواست تا به ایران بازگردند. وی به دولت پیشنهاد کرد مرزها را باز کند و اجازه دهد هر کس که تمیخواهد در ایران زندگی کند از کشور خارج شود.

رفسنجانی خطاب به ایرانیان مقیم خارج گفت: «ما برنامه‌های عظیمی برای ساختن مملکت داریم و به شما نیز نیاز داریم. اگر دیر بماند کسان دیگری جای شما را خواهند گرفت. تا دیر نشده برگردید و اگر هم دیر شد عیب ندارد ولی عقب نخواهید ماند.»



جواد منصور می‌معاون فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه اعلام کرد که از ابتدای سال ۱۳۶۰ تا کنون جمعا ۲۳ نفر از مسئولین نمایندگی‌های ایران در کشورهای خارج پناهنده سیاسی شده‌اند.

بر اساس يك قرارداد اقتصادی با ترکیه جمهوری اسلامی ۵ هزار دستگاه تراکتور از يك کارخانه آمریکایی بنام جان دیر خریداری کرد.

انگلستان ارسال وسائل پزشکی تانکهای چفتن را به ایران آغاز کرد.

اطلاعی قرار گرفت که در نتیجه آن امیر راهداره هوادار سازمان بهکسار... (جناح انقلابی) به شهادت رسید.

آذر

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مباحثه‌ای گفت: «نهضت آزادی و حزب‌نویه و سایر چپ‌گرایان - می‌خواهند تجربه افغانستان را در ایران تکرار کنند و حکومت را بر دست گیرند.»

وی گفت: «اینها کهنه مکارانی هستند که خودشان را به رنگ محیط نرمیآوردند تا يك بلای سر جامعه بیاورند.»

انتخابات مجلس خبرگان انجام گرفت.

علی فرار دادی و جمهوری اسلامی ۱۰ میلیون دلار مسوجات از پاکستان خریداری نمود. در همین زمان از کشور مالت ۳۰۰ هزار دلار بارچه و از مالتا گاسکار و تانزانیا نیز چوب و شکر، گندم، برنج و کاغذهای - پوست و گوشت خریداری شد.

هندوستان قرارداد خرید روزانه ۱۰ هزار بگه نفت از ایران را تعدید کرد.

طی يك توافقنامه، جمهوری دموکراتیک کره متعهد شد طی چهار سال مجموعاً ۱۰ میلیون تن نفت از ایران خریداری کرده و در مقابل مابعدن آلات کفابوری، وسائل الکترونیکی و مواد صنعتی به ایران مانت کند. طی این توافقنامه، حجم مبادلات بازرگانی ایران و جمهوری دموکراتیک کره در سال ۸۲، ۱۴۰ میلیون دلار و در سال ۸۳، به ۵۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. خبرگزاریها گزارش دادند

نظارات نیروهای مترقی در بنگلور هندوستان مورد حمله فائزهای جمهوری -

با ارسال ۱۳۰۰ تن گندم، پاکستان - صدور ۵۰ هزار تن گندم را به ایران آغاز کرد.

حسین کاظم‌پور اردبیلی معاون وزارت امور خارجه در امور اقتصادی و بین‌المللی گفت: «از کل واردات کالاهای مختلف به ایران ۶۷٪ از غرب، ۱۶٪ از بلوک شرق و ۱۸٪ از کشورهای جهان سوم تامین میگردد.»

مهدی کروی نماینده خمینی در بنیاد شهید اعلام کرد که از شروع جنگ ایران و عراق ارتش ۵۰ هزار کشته داده است. وی گفت این رقم عامل کشته‌شدگان ازسپاه - پاسداران و بسیج نمیشود. کروی تصناد مجروحین و معلولین جنگ را ۱۰۰ هزار نفر اعلام کرد.

۱۸ آبان رژیم جمهوری اسلامی سومین حمله بزرگ خود به عراق را آغاز کرد که بنام محرم نامگذاری شد.

در ایران کلیه جوانان ۱۶ تا ۲۳ سال به خدمت سربازی احضار شدند و خمینی فتوا داد که رفتن به جبهه جنگ واجب است و دفاع از جمهوری اسلامی نمازی به موافقت والدین افراد ندارد.

«تروپا توفکی» نماینده شوروی در سازمان ملل خواستار پایان جنگ ایران و عراق شد و گفت این دو کشور دوستان شوروی هستند و مسکو از تلاش‌های هیئت‌های صلح برای حل این بحران حمایت خواهد کرد.

نظارات نیروهای مترقی در بنگلور هندوستان مورد حمله فائزهای جمهوری -

جمهوری اسلامی مقادیر متناهی اسلحه از -
این کشور خریداری کرده است .

XXXXXXXXXXXX

عراق با موشکهای دوربرد مناطقی سکونی
و برجسمیت دزفول را مورد حمله قرار داد
که در نتیجه صدها نفر کشته و مجروح و
بی خانمان شدند . عراق در این رابطه اظهار
داعیت این حمله به تلاقی انفجار بسبب درمحل
خبرگزاری عراق در بغداد توسط عوامل -
جمهوری اسلامی صورت گرفت .

XXXXXXXXXXXX

جهان شماره ۲۰ برای اولین بار مباحثه -
با یکی از اعضای مرکزیت سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران بعمل آورد که در آن به
تذکیر کهنه خارج از کشور سازمان اشاره
شد .

XXXXXXXXXXXX

در آخرین روز بازبهای آسمانی ، دفتر
هواپیمائی ایران در بعثتی به نشانه
اعتراض به جنایات روزمره رژیم جمهوری
اسلامی به تصرف دانشجویان هوادار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران در هند درآمد .

XXXXXXXXXXXX

دی

حاق طباطبائی نماینده ویژه جمهوری
اسلامی در اروپا به اتهام حمل ترابک در
فرودگاه دوسلدرف آلمان غربی بازداشت شد .

XXXXXXXXXXXX

خمینی فرمان هفت ماهه ای خود را صادر
کرد . او در این فرمان از مسئولان
جمهوری اسلامی خواست تا از تعقیب و آزار
مردم گوی نادن به تلفن آنها و ریختن به
خانه آنها خودداری کنند . بدنبال فرمان
هفت ماهه ای ، ۶ مقام دولتی به داد گاه
احضار و ۳ تن از آنان برکنار شدند .

XXXXXXXXXXXX

بر اساس يك گزارش اقتصادی ، سالانه ۱۲
تا ۱۴ میلیارد دلار کالا وارد کشور میشود .

XXXXXXXXXXXX

قرارداد خرید یکصد هزار تن گوشت در
سال ۸۳ با زلاند نو بسته شد .

XXXXXXXXXXXX

۱۹ دی ، مهرداد رجوی ، رهبر سازمان
مجاهدین خلق ، با طارق عزیز نخست
وزیر عراق به مدت ۳ ساعت در باره ملاقات
و مذاکره کرد . طارق عزیز بعد از این -
ملاقات اظهار داعیت : " خیلی عوسوقت خواهم
شد که ببینم دوست عزیزم مهرداد رجوی و
نخست وزیر بارشیم جمهور آینده ایران باشد .

XXXXXXXXXXXX

فرمانتار دزفول اعلام کرد که در طول
۲۷ ماه جنگ ایران و عراق ، شهر دزفول
مورد اما بیت ۵۱ موشک زمین به زمین مدرن ۳
تا ۹ متری قرار گرفته که بر اثر آن ۵۶۰۰
ساختمان ویران شده است .

XXXXXXXXXXXX

میرحسین موسوی اعلام کرد که مبلغ ۴
بیلیون دلار بعثتوان بودجه جنگ برای
سال ۱۲ اختصاص یافته است !

XXXXXXXXXXXX

بهمن

شورای نگهبان لایحه تعیین تکلیف اموال
فراریان از کشور را که به تصویب مجلس
شورای اسلامی رسیده بوده رد کرد و خمینی
در این باره گفت مجلس باید لوایحی را
تصویب کند که امکان تا شهید آن از جانب
شورای نگهبان وجود داشته باشد .

XXXXXXXXXXXX

۱۹ بهمن رهبران حزب توده ، منجمله
نورالدین کیهانوری ، به اتهام جاسوسی
برای شوروی دستگیر شدند .

XXXXXXXXXXXX

براون ، ارگان حزب کمونیست شوروی در
رابطه با این دستگیری ، جمهوری اسلامی را
مورد انتقاد قرار داده و آنرا نتیجه
تبدیلات ضد شوروی در ایران دانست .

XXXXXXXXXXXX

۲۰ بهمن جمهوری اسلامی اعلام کرد کلمه
افراد مملکت بدون استفاده از ارز دولتی
میتوانند از کشور خارج شوند . هزاران تن
از مردم بدنبال این اعلام در مقابل اداره
گذرنامه اجتماع کرده ، خواهان خروج از -
ایران شدند .

XXXXXXXXXXXX



۱۸ بهمن جمهوری اسلامی حمله بزرگ
دیگری را به خاک عراق آغاز کرد و اعلام
داعیت که ۳۰۰ کیلومتر مربع از اراضی تحت
اعمال عراق را بازپس گرفته است . مقامات
عراق گفتند در این حمله ۱۵ هزار سرباز و
باسدار ایرانی کشته شده و حمله دفع -
گرده است .

XXXXXXXXXXXX

۲۲ بهمن
در قسمتی از جاده سقز-هوکان در نزدیکی
روستای "کوچک" یک واحد از نیروهای جمهوری
پنجم در صفحه ۲۷

توضیح

"جهان" مخفی بازرگانه‌ای را به بررسی موقعیت اقتصادی - سیاسی کشورهای تحت سلطه و جنبش‌های آزادی بخش اختصاص داده‌اند. داران می‌خواهند که در این زمینه اقدام به تهیه مطالب تحقیقی ویا ترجمه متون موثق و مترقی نموده و نوشته‌های خود را برای درج در این بخش از "جهان" برای ما ارسال بدارند. مقاله‌ای که در زیر مناسبت توسط یکی از رفقای هوادار تهیه شده است که بدلیل طولانی بودن آن در دو شماره درج میگردد.



● استکبابی دفاع هوایی ناو
● بمباران بمباران آرساز گری آمریکا
● پایگاه هوایی آمریکا
● پایگاه مأموریت آمریکا
● پایگاه دریایی آمریکا
● فرودگاه هوایی آمریکا
● محل استقرار نیروهای آمریکایی
● محل استقرار نیروهای شوروی
● محل استقرار نیروهای فرانسوی
● محل استقرار نیروهای آلمانی
● محل استقرار نیروهای ژاپنی
● محل استقرار نیروهای بریتانیایی
● محل استقرار نیروهای شوروی
● محل استقرار نیروهای چکوسلوواکیایی
● محل استقرار نیروهای یوگوسلاوی
● محل استقرار نیروهای رومانیایی
● محل استقرار نیروهای بلغاریایی
● محل استقرار نیروهای یونانی
● محل استقرار نیروهای اسپانیایی
● محل استقرار نیروهای ایتالیایی
● محل استقرار نیروهای سوئدی
● محل استقرار نیروهای فنلاندی
● محل استقرار نیروهای دانمارکی
● محل استقرار نیروهای نروژی
● محل استقرار نیروهای سوئیس
● محل استقرار نیروهای هلند
● محل استقرار نیروهای بلژیک
● محل استقرار نیروهای آلمان غربی
● محل استقرار نیروهای فرانسه
● محل استقرار نیروهای آمریکا

ترکیه ، کودتای ۱۹۸۰ قبل و بعد از آن

۱- موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی

ترکیه با کشورهای شوروی و ایران ، عراق و سوریه ، قبرس ، یونان و بلغارستان همجوار است . این کشور بمشاور عضو پیمان ناتو ، نیم میلیون سرباز آماده دارد (دومین کشور بعد از نیروهای مسلح آمریکا در ناتو) و بیش از ۵۰ پایگاه نظامی آمریکا و ناتو را در خاک خود جای داده است و بصورت پلی بین قسمت جنوب شرقی اروپا و خاورمیانه میباشد . موقعیت استراتژیکی ترکیه در منطقه از جمله عوامل شرکت این کشور در پیمانهای مختلفی چون ناتو ، سنتو (که بعد از انقلاب ایران این پیمان عملاً لغو گردید) ، در بازار مشترک اروپا (که اخیراً عضویت آن لغو شد) و اتحادیه کشورهای اسلامی میباشد . اهمیت استراتژیکی ترکیه در پیمان ناتو مالمی است که این کشور را از دستگاههای مخابراتی و ارتباطی مجهزی پوشانده است .

۲- وقوع کودتا و دلایل آن

در نیمه شب ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ، نظامیان ترکیه ، دولت ملیمان دمیرل را برکنار نمودند . از همان اوایل صبح تانکها بهمراه ریش دراستانبول و آنکارا و سایر شهرهای بزرگ منتشر گشته و به بازرسی افراد "مشکوکه" پرداختند و هرگونه مدای اعتراضی را به شدیدترین وجهی سرکوب میکردند . رهبر کودتا ژنرال کاشان اوران دستور دستگیری افراد کابینه ملیمان دمیرل را صادر و انحلال مجلس "ملی" را اعلام نمود و به بازداشت و دستگیری اعضای فعال

اتحادیه‌های کارگری ، دانشجویان ، روشنفکران و نمایندگان قضات پرداخت . رژیم کودتا در حالی که قانون اساسی را ملغی شده اعلام نمود ، کلمه فعالیت‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها را غیرقانونی و حکومت نظامی را در سراسر ترکیه برقرار کرد . کارگران امضایی را به شدیدترین وجهی مورد آزار و شکنجه قرار داد و سندبگای کارگری DISK را منحل کرد . ژنرال کاشان اوران رهبر کودتای نظامی که از ضدکمونیست‌های بنام ترکیه و از افسران جنگ کره بود ملامت بعد از کودتا خورایشی مرکب از ۶ نظامی را بنام سازمان دفاع ملی (CNS) که بر کلیه امور دولت کنترل کامل داشتند ، ایجاد نمود بدستور این شورای ۶ نفره ، سه روزنامه شرقی بسته شد ، اعضای شوراهای شهردمویض گزیدند و جای آنها را ژنرالهای نظامی پر کردند . دستگیری در تمام شهرها ادامه یافت بخصوص کردستان ترکیه مورد بی‌ورش و محاصره حکومت نظامی واقع گردید . چندروز بعد از کودتا حمله حکومت به کارخانه‌ها ، مرکز تمام امتحانات آغاز شد . بیشتر از ۵۰۰۰۰ کارگر امتحایی که از ماه جولای وارد امتحاب شده بودند ، به زور سرباز به کارهایشان باز گردانیده شدند . کودتای نظامی و برقراری دیکتاتوری فاشیستی - نظامی آخرین صریحی بود که امپریالیسم و بورژوازی انحصاری وابسته ترکیه برای حل بحران سیاسی - اقتصادی موجود و سرکوب جنبش طبقه کارگر و طبقه‌های تحت‌تیم ترکیه بدان متوسل گردید . کودتای

امپریالیستی در شرایطی که بورژوازی - انحصاری وابسته نتوانسته بود با طرق و اشکال حکومتی جلوی رشد و گسترش طبقه کارگر و توده‌های زحمتکشان را سد نماید ، امری کاملاً متحمل و قابل پیش‌بینی بود .

۳- زمینه بحران در ترکیه

رشد سرمایه‌داری بخصوص از سال ۱۹۵۰ زمینه‌های بحران را ایجاد نمود . بورژوازی در حال رشد کم‌کم حطت انحصاری پیدا کرده و طی پروسه‌ای دولت را در دست گرفت . بعد از رفیم امپریالیستی در سال ۱۹۶۰ ، بحران اقتصادی - سیاسی وارد آب‌خاکشده تری به‌اعت که آنرا به چهار دوره میتوان تقسیم نمود . سالهای ۶۸-۶۹ ، ۷۱ ، ۷۵-۷۶ و ادامه آنها تا به امروز . به دنبال اولین بحران در سالهای ۷۰ حرکت طبقه کارگر اوج گرفت و آنچنان رشد کرد که کارگران خود وارد مبارزه‌ای اساسی با بورژوازی شدند . وضعیت بورژوازی در سالهای ۷۰ چنین بود که - سرمایه‌داری وابسته انحصاری رشد کرده و تلاش داشت که حاکمیت خود را تثبیت کند و به این منظور تصفیه ماحیان سرمایه‌های متوسط و فئودالها را از حاکمیت شروع کرد . همزمان و در همین رابطه به سرکوبی شدید نیروهای انقلابی و سازمانهای چپ در حال رشد پرداخت . آزادیهای نسبی که به دنبال مبارزات توده‌ها بدست آمده بود روز به روز محدودتر شد و منجر به دستگیری و شکنجه تعداد کثیری از نویسندگان و

روزنامه نگاران که نفوذ بسیاری در بین
 توده‌ها داشتند، گردید و بالاخره سرمایه
 وابسته حاکمیت انحصاری خود را "تشیمت"
 نمود. از سال ۷۱ بعد، دو مسئله مهم در
 ترکیه اتفاق افتاد: (۱) وابستگی بیشتر به
 سرمایه‌های امپریالیستی، (۲) رشد انحصارات
 که منجر به تشکیل بنیادهای بنام TUSIAD
 که بنیاد صنایع و سرمایه‌گذاری بود، گردید
 این بنیاد با ۱۱۲ عضو متشکل از صاحبان
 صنایع و سرمایه‌داران بزرگ از جمله مدیر
 رادبو و تلویزیون و روزنامه‌های سراسری
 ترکیه بنام های حریت و ملتیت تشکیل گردید
 هدف اصلی این بنیاد، همراه با دیگر احزاب
 بورژوازی، از جمله "حزب رستگاری ملی" تحت
 رهبری کرکرت و "حزب ملی" -
 عمل تحت رهبری اپلان ترکیه تصویب کلیه
 قوانین دولتی به نفع خود و بعنوان ابزاری
 برای سرکوسی خلقهای ترکیه بود. TUSIAD
 بعد از مدتی بعنوان یک عامل سیاسی در
 دولت مصوب شد.

در سال ۷۲ بولنت اجویت که خود را یک
 سوسیال دمکرات می‌نامید در رهبری حزب
 جمهوری خلق قرار گرفت. این حزب با
 انتخابات سال ۷۳ شرکت نمود. اجویت با
 طرح برنامه‌های اقتصادی از قبیل حمایت از
 مغازه‌داران کوچک در مقابل استفاده مغازه‌تگرانه
 فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سوپرمارکتها و
 تشکیل بنی بنام "بخش خلق" که هدفش تشویق
 سرمایه‌داران کوچک در سرمایه‌گذاری و حمایت
 از آنها در مقابل انحصارات بود، موفق
 گردید در مدت کوتاهی حمایت بیشتر وسیعی از
 کارگران، دهقانان، خرده‌بورژوازی و -
 روشنفکران را بخود جلب نماید. در این
 دوره به علت عدم وجود یک آلترناتیو انقلابی از
 جانب چپ، جریانات رفرمیستی که عموماً در
 سندیگای کارگری دیمک اکثریت را نیز داشتند
 کارگران، دهقانان، منتقدان و کارمندان

دولت را یکماه قبل از انتخابات عمومی
 تشویق به دادن رای به حزب جمهوری خلق
 میکردند. با این وجود اجویت و حزب فقط
 ۳۲۲/۳ رای یعنی از ۲۵۰ کرسی فقط ۱۸۵
 کرسی را بعد از اعتماد دادند و همین امر
 منجر به ناامید شدن اجویت در انتخابات
 شد. از طرف دیگر حزب عدالت یعنی حزب
 جناح دیگر بورژوازی با رهبری سلیمان -
 دمیرال نیز موفق گشت اکثریت آراء شد.

بالاخره نا متجانس ترین ائتلاف بین حزب
 جمهوری خلق و حزب رستگاری ملی در ژانویه

۷۲ تشکیل شد و اجویت از طرف حزب جمهوری
 خلق به نخست‌وزیری انتخاب گردید. اختلاف
 جدید برای مقابله با مشکلات اقتصادی ابتدا
 قیمت بعضی از کالاها را از قبیل کالاهای
 نفتی تا حدود ۷۲٪، شکر ۲۵٪، چیمان ۵۲٪،
 کالاهای تهیه شده بومی از قبیل منسوجات
 و غیره تا حدود ۲۰٪ تا ۲۵٪ افزایش داد.
 قول اجویت در دوره کاندیداتوریش در مورد
 "بخش خلق" همانطوریکه پیش‌بینی نمشد تنها
 برای جلب آراء بیشتر بود. از طرف دیگر



بخش عمومی از سرمایه‌گذاری و تولید متنازع
 میکرد که این خود منجر به بیکاری هر چه
 بیشتر در جامعه میشد. اختلاف جدید در تمام
 اشکال خود با شکست روبرو گردید. این
 اختلاف در جولای ۱۹۷۴، موقعی که دولت
 ترکیه تصمیم به فعالیت نظامی در قبرس
 گرفت، کاملاً از هم پاشیده شد. بالاخره
 اجویت در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۴، موقعی که بحران
 سیاسی در ترکیه به اوج خود رسیده بود
 مجبور به استعفا شد و تا ۶ ماه یعنی تا
 ۲۱ مارس ۷۵ دولتی بر سرکار نبود و احزاب
 دست راستی حکومت را اداره میکردند تا
 اینکه دمیرال تشکیل دولت جنبه ملی اول را
 اعلام نمود. دمیرال با در پیش گرفتن سیاست
 ضد کمونیستی سعی در جهت ایجاد وحدت بین
 احزاب دست راستی را داشت و این عموماً
 پنهان‌های بود برای گروههای فاشیستی که هر
 مدای آزادیخواهی و امتراسی را با مارک
 چپ و کمونیست خفه نمایند.

اولین ائتلاف جنبه ملی اول شامل "حزب
 عدالت"، حزب رستگاری ملی، "حزب ملی عمل"

که از احزاب نفوفاشیستی بودند تشکیل گردید
 این جنبه نه تنها قادر به حل بحران نشد،
 بلکه زمینهای بحران بعدی را نیز فزونی
 بخشید. در ادامه بحران، جو ترور و وحشت
 روز به روز گسترده‌تر میشد، هر امتراسی
 بر علیه دولت با مارک‌خاکن شناخته میشد و
 به شدیدترین وجهی سرکوب میشد. از طرف -
 دیگر کسانی که طرفدار دولت بودند به آنها
 لقب "وطن پرست" میدادند این امر منجر به
 مبارزه بسیار حادی بین مخالفان و موافقان



دولت شد، موافقان دولت را بیشتر احزاب
 فاشیستی از جمله "اتحادیه جوانان تروریست"،
 حزب ملی تشکیل میدادند که ترور و وحشت را
 در خیابانها برافروخته بودند. خود دمیرال
 نیز بطور رسمی از این جریانات فاشیستی
 دفاع میکرد، او معتقد بود که "این احزاب
 میبایستی مورد حمایت و پشتیبانی دولت
 قرار گیرند، زیرا افراد این احزاب افراد
 ملی‌گرا و جوانان ضد کمونیستی هستند که
 نمایمتی هیچ صدمه‌ای به آنها وارد آید،
 حزب ملی مثل ممکن است که بیشتر یا کمتر
 در طرف ما قرار گیرد با این وجود آنها
 احزاب سیاسی هستند که هیچ گاه موضعی بر
 علیه دولت نگرفتند در نتیجه منع فعالیت
 آنها جز ایجاد تشنج چیزی بیارتخواهانه و
 این اختلاف نیز (جنبه ملی اول) نتوانست
 بر بحران موجود فاشی آید و در ۲۹ نوامبر
 ۷۵ سقوط کرد. در این دوران اجویت مجدداً
 نخست‌وزیر شد. با این وجود ائتلاف با
 سایر احزاب دیگر در مورد حاکمیت سیاسی به

ترکیه، کودتای ۱۹۸۰

سازش برسد، در نتیجه مجبور به تشکیلی گامیخته خود گردید. اجوبیت تا ۲۶ جون ۱۹۷۷ بر سر کار بود. در این دوران احزاب دست راستی زمینه‌های برانداختن اجوبیت را فراهم می‌نمودند که بالاخره در ۳ جولای ۱۹۷۷ دولت اجوبیت سقوط کرد و سلیمان دمیرل جبهه ملی دوم را بعنوان دولت جدید معرفی نمود. این دولت متشکل از ۸ وزیر از حزب رشک‌گاری ملی ۵ وزیر از حزب ملی عمل و ۱۶ وزیر از حزب مخالف بود. بعد از اعلام تشکیل جبهه ملی تفاهدهای خاکمیت که خود نایبی از بحران اقتصادی - سیاسی حاکم بر جامعه بود، به اوج خود رسید تا اینکه در ۲۱ دسامبر ۷۷ دولت جبهه ملی دوم نیز سقوط کرد و دوباره در چنین بحران سیاسی بود که اجوبیت بعنوان تنها آلترناتیو موجود بر سر کار آمد.

دکتر اجوبیت و بحران ترکیه

موقعی که اجوبیت برای چندمین بار به قدرت رسید قول داد که در کشور صلح و اتحاد را بین کلیه نیروها برقرار نماید ولیکن اعتناشات و تئورهای سیاسی در جامعه بیشتر شد. در همان روز اول سال ۷۸، موقعی که اجوبیت بر سر کار آمد بیش از ۲۵۰ تن زخمی گشته. در ماه جولای پلیس ضدشورش ژاندارمها و کوماندهای ارتش برای سرکشی توده‌ها به خیابانها ریخته و حکومت نظامی اعلام شد. اجوبیت با وجودیکه یکسری رفرمها را در چهار چوب بورژوازی در جامعه انجام داد، ولی بزودی بعزت همان ماهیت طبقاتی‌اش فساد نگشت که بحران جامعه را تعدیل بخشوبه حمایت از احزاب بورژوازی و البته احصای پرداخت طولی نکشید که او از سازمان صنایع و برنامه ریزی خواست که از سرمایه داران خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در ترکیه دعوت بعمل آید و این در حالی بود که ترکیه حدود ۱۷ میلیارد دلار به بانکهای خارجی بدهکار بود و با وجودیکه اجوبیت در ماه مارس کوششهای زیادی را در جهت پرداخت بدهی از طریق صندوق بین المللی پول کرده بود ولی این مسئله اختلافات معدیدی را درون حزب جمهورییت خلق بوجود آورد. صندوق بین المللی پول در قبال دادن وام از اجوبیت میخواست که نرخ تورم را از ۵۰٪ که در سال ۷۷ بود، به ۲۰٪ در سال ۷۸ با کم کردن حقوق و مزایای کارمندان و کارگران و

افزایش مالیاتها) کاهش دهد. قابل ذکر است که طرفداران اجوبیت را که ابتدا افشار وسیعی از خرده بورژوازی و کارگزارانی که در سندیگای دیک به زیر رهبری رفرمیستی قرار گرفته بودند، تشکیل میدادند. بعد از اینکه اجوبیت بقدرت رسید طرفداران او نیز بعزت روشن شدن ماهیت برنامهای اقتصادی رفته رفته کاهش یافت تا اینکه از ۳۱٪ در سال ۷۷ به ۲۹٪ در سال ۷۸ تقلیل یافتند و در نتیجه "حزب جمهورییت خلق" که ابتدا به تنهایی قصد تشکیل دولت را داشت در این دوره موفق به گرفتن رأی اعتماد از مجلس نگردید و این بار از ائتلاف "حزب عدالت" - حزب ملی عمل و "حزب رشک‌گاری ملی" دولت جدیدی تشکیل گردید که آنهم پس از مدت کوتاهی بار دیگر جای خود را به دولت جدید دیگری مرکب از حزب

جمهورییت خلق داد که این حزب نیز با رهم قادر به حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه نگردید و بار دیگر سلیمان دمیرل در ۱۲ نوامبر ۷۸ بقدرت میرسد. سلیمان دمیرل دولت خود را موقتی و اضطراری که وظیفه آن کاهش بحران موجود در جامعه بود معرفی کرد. او کلیه قوانین و دستورات را بعهده فرماندهان ارتش سپرد. برنامه‌های اقتصادی دمیرل به وسیله بورگات اووال که از سرمایه داران وابسته به امپریالیسم میباشد طرح ریزی میشود. در اولین قدم ارزش لیر نسبت به دلار از ۴۷ به ۷۰ رسید که این خود منجر به بالا رفتن قیمت‌ها تا حدود ۵۰٪ شد. خرده بورژوازی روز به روز تحت فشار انحصارات و کمپانیهای امپریالیستی ورشکسته‌تر میشد و به مقدارتن بیگاران می‌پیوست. امپریالیست‌ها نیز از طرف دیگر منتظر فرصتی بودند که این دولت خود را تثبیت نماید و روابط اقتصادی خود را با آنها گسترش دهد با این وصف بحران اقتصادی روز به روز گسترده‌تر و پیرامونتر میگشت تا اینکه راه "نجات خود را در کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دید. فرماندهان ارتشها به میدان گذاشتند و اعلام کردند که "سیاست محالاً بک مسئله مهم است و نماینی تنها وسیله‌ای برای سیاستمداران باشد زیرا آنها به تنهایی قادر به حل بحران موجود نمی‌باشند."

۵- اجرای سیاستهای اقتصادی جدید

بعد از کودتا

اساسی ترین برنامه اقتصادی بعد از -

یکی دیگر از سیاستهای اقتصادی رژیم یک سری اقدامات در جهت پرداخت بدهی های قبلی و معامعت از بحران مجدد مبادلات خارجی بود. ترکیه از قدیم یکی از واردکنندگان محصولات کشاورزی و واردکنندگان مواد خام و کالاهای امپریالیستی بود. صنایع تولیدی ترکیه عمدتاً شامل کالاهای مصرفی با دوام که به وسیله بازارهای داخلی انجام گرفته، بوده است. کالاهای تولید شده با سفارح سنگینی تهیه میشد و عمیقاً قابل رقابت با بازارهای جهانی بود. در دوره آخر واردات به میزان قابل توجهی نسبت به صادرات فزونی یافت تا آنجا که در سال ۶۵، ۳۸۱ میلیارد دلار بود این نسبت به ۳۲۸ در سال ۸۰ تحول یافت. دولت در ۲۹ ژانویه ۸۰ به موجب حکمی تلاش نمود که رابطه بین صادرات و واردات را تغییر دهد. به دنبال این سیاست کمک مالی برای واردکنندگان تولیدات داخلی اختصاص داده شد و سیاست مبادلات خارجی در جهت تکمیل نمودن این برنامه و بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی آزاد گردید. امالمق گفته صندوق بین المللی پول، ارزش لیر نسبت به دلار ۷ برابر کمتر شد. بعد از اول ماه ۸۱، بانک مرکزی ترکیه اعلام کرد که حجم مبادلات خارجی روز به روز در حال تقصیر بود. گرچه سیاست اقتصادی که بیشتر قرار بود حول صادرات انجام گیرد موفقیت‌های نسبی کسب نمود، ولی بسیار زودگذر بود زیرا که صادرات ترکیه در سطح بازارهای جهانی قابل رقابت با کشورهای امپریالیستی نبود.



اوزال



دمیرل

دمیرل، پرچمدار کشورهای اقتصادی اوزال!

دومین عملت سیاست اقتصادی رژیم هونتا در مورد بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی جلب اندوخته‌های کارگران مهاجر ترک در اروپا بود. این سیاست یا پیشنهاد نرخ بالای بهره برای مبادله ارز خارجی در بانکهای ترکیه از طریق کاتالهای رسمی دولتی قادر گردید که جریان اندوخته‌ها را به طرف ترکیه افزایش دهد و بازار سهام مبادله ارز را پادشاه آورد.

سومین عملت سیاست اقتصادی رژیم نظامی در مورد مبادلات خارجی، تشویق سرمایه‌های خارجی برای بازاری ساختمان صنعتی جامعه بود بطوریکه رشد سرمایه‌های خارجی در ترکیه از سال ۷۳ تا به امروز بیشترین رقم را شامل میشود. مسلم است که دولت نظامی برای حفظ ثبات سیاسی خود بیشتر و بیشتر در جهت وابستگی قدم برمیدارد. منظور ایجاد به اصطلاح ثبات سیاسی و نیاز فوری حکومت خونخوار کمپهای اقتصادی از طرف کشورهای عضو

نانو به ترکیه جریان یافت. این "کمکها" از طرف کشورهای نانو بدلیل موقعیت استراتژیک ترکیه در پیمان نانو بوده است هر چند آلیان بریسی ادامه کمکهای خود را مشروط بر رعایت حقوق بشر از طرف حکومت و برگشت به "دموکراسی" دانسته در حالی که امپریالیسم آمریکا معتقد بود که وجود شکنجه در ترکیه و نفی حقوق بشر از طرف دولت نظامی اثری در کمک‌های آمریکا بسپه حکومت ترکیه نخواهد داشت.

وبالافزیه چهارمین عملت سیاست اقتصادی کنترل درآمدها بود که بیشترین خسار را بر دوش طبقه کارگر و رحمتکشان جامعه می گذاشت و این سیاست چنانکه قبلاً نیز ذکر شد از طرف صندوق بین المللی پول نیز مورد حمایت قرار گرفت. در نتیجه رژیم قوانین جدید مالیاتی را که در کل به نفع سرمایه داران و به استثمار هرچه بیشتر رحمتکشان منجر میشد، وضع نمود.

نتیجه گیری

کودتای ۱۲ بهمن ۸۰ هیچ تغییر اساسی در سیاست‌های اقتصادی ترکیه بوجود نیاورد. برعکس از همان ابتدا رژیم نظامی با تطبیق برنامه‌های اقتصادی خود با برنامه‌های رژیم سابق، سیاست خود را به اجرا گذاشت این سیاست عمده‌تاً در جهت بیکسری اقداعات از قبیل نرخ تورم، افزایش اندوخته مبادلات خارجی و ظاهراً "لیبرالیسم اقتصادی" بود. رژیم نظامی به شدیدترین وجهی به سرکوبی

مخالفتان پرداخت و هر گونه مدای آزادی خواهی را در نظره خفه کرد. این رژیم، استثمار را به شدیدترین وجهی بر رحمتکشان جامعه اعمال نمود. نتایج طرح حکومت جدید همانا نفی کامل دموکراسی و برقراری کامل فاشیسم در جامعه بود. گرچه برنامه‌های اقتصادی رژیم نظامی در سال اول موفق توصیف گردید، ولی بحران پرمیایفه در ترکیه همچنان ادامه دارد. سیاست "لیبرالیسم اقتصادی" در بالا بردن اندوخته مبادلات خارجی به وسیله افزایش درآمدها صادرات و به جریان انداختن اندوخته‌های کارگران مهاجر به داخل موفق بود گرچه این تنها بک نتیجه مقطعی سیاست اقتصادی رژیم بود. در طولانی مدت اثرات منفی خود را نشان خواهد داد. رژیم کودتا در بازاری تولیدات صنعتی کاملاً شکست خورده. حجم تولیدات هنوز در سطح پایینین و بیکاری در سطح بالا قرار دارد. و در مجموع تمام اقدامات اقتصادی رژیم در

حمایت از سرمایه صنعتی انحصاری ترکیه بوده است. تغییرات در زمینه سیاست مالیاتی و تجارت شامل انتقال ارزش اضافی از کشاورزی به صنعت بوده است. سیاست پولی و اعتمارات، موجودیت خرده بورژوازی ترکیه را تهدید کرده و در جهت حذف سرمایه‌های کوچک قدم برمیدارد بطوریکه در اواسط سال ۸۱، ۲۷۰۰ مغازه دار کوچک در استانبول و ازمیر ورشکسته شدند. در این رابطه تورکات اوزال با دادن برنامه‌های اقتصادی خود برای ارضین بر دین سرمایه‌های کوچک و گسترش هرچه بیشتر انحصارات نفیض بمراسی ناشی است. این سیاست طرفدو سال گذشته باعث محدودیت بازارهای داخلی گشته و برای منابع راهی جز تولید برای صادرات باقی نگذاشته است و اقتصاد ترکیه را بیش از پیش به زنجیره سرمایه جهانی کرده است. با توجه به بحران عمیق جهانی و نفاذ های سیستم سرمایه‌داری بین المللی هیچگونه زمینه موفقیت آمیزی برای رشد صادرات ترکیه وجود ندارد. در مجموع حکومت نظامی و برنامه‌های اقتصادی رژیم استثمار و سرکوب جنبش طبقه کارگر را بالا برده است بنا بر این نتیجه اعمال این سیاست در ترکیه رشد مجدد جنبش‌توده‌ای برای استقرار یک آنتروپاتو انقلابی خواهد بود.

ده سال زندان برای عزیز حسین
سرکزاری فرانسسه گزارش داد که دادستان استانبول برای عزیز حسین، نویسنده سرشناس ترکیه تقاضای ده سال زندان نمود. دادستان استانبول عزیز حسین را به جرم تبلیغات کمونیستی به محاکمه کشیده است. وی متهم است که در بیست و دو سال قبل مقاله‌ای در دفاع از کمونیسم نگاشته است. عزیز حسین در حال حاضر ریاست اتحادیه نویسندگان ترکیه را بر عهده دارد. محاکمه عزیز حسین توسط دولت بغاظر مقاله‌ای که او در ۲۲ سال قبل نوشته است بر دو اصل معیسه میگذارد: ۱) وحشت حکومت نظامی ترکیه از کمونیسم، ۲) کم و کیف اعتقالاتی که بر جامعه ترکیه، بی جهت نیست که رژیم ایران دولت فاشیستی ترکیه را "دولت برادر و مسلمان" میخواند!

بیش از یک میلیون نفر در آلمان با انگلیس، هلنده ۰۰۰ در تظاهرات ضد سیاست تسلیحاتی آمریکا شرکت کردند

مطابق توافقی‌های انجام شده بین کشورهای امپریالیستی قرار است که تا نوامبر ۱۹۸۳ آمریکا تعداد ۵۷۲ موشک پرمهنگ‌دو و کروزو در اروپا نصب کند. از این تعداد ۱۰۸ موشک پرمهنگ‌دو و ۹۶ موشک کروزو در آلمان و ۱۱۲ موشک پرمهنگ‌دو در خاک انگلیس نصب خواهند شد. بقیه موشک‌ها در ایتالیا، بلژیک، هلند نصب خواهد گردید. با نزدیک تر شدن تاریخ انتقال موشک‌ها اعتراضات مردم علیه سیاست‌های نظامی آمریکا با لامی‌گیرد.

انگلستان

در اوایل آوریل تظاهرات وسیعی بر علیه تولید سلاح‌های اتمی در اروپا و آمریکا برگزار گردید که تظاهر کنندگان با خنوت پلیس فاشیستی این کشورها مواجه گردیدند. در این حملات پلیس به انواع سلاح‌های سرد، گاز اشک‌آور و گنهای درنده مجبزی بود. از جمله تظاهرات ۱۰۰ هزار نفری در انگلستان که بطول ۱۲ مایل در اطراف یک پایگاه اتمی که قرار است موشک‌های پرمهنگ‌دو کروزو نصب شود را میتوان نام برد. تظاهر کنندگان راه وزود به پایگاه مزبور را سد نمودند به دنبال حمله پلیس ۲۰۰ تن را دستگیر نمود.

هلند

در هلند بیش از هزار نفر به تظاهرات ۲۰ ساعته همراه با اعتصاب غذا دست زدند. و نفرت خود را از پایگاه‌های آمریکا بطور از ملاحظای اتمی نشان دادند.

آلمان فدرال

در آلمان اتحاد تظاهرات واقعا چشم گیر بود. بیش از ۸۰۰ هزار نفر در شهرهای مختلف آلمان از جمله فرانکفورت، مونیخ، هامبورگ نورنبرگ، کلن هاوین و ... علیه سیاست تسلیحاتی آمریکا در اروپا دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات پس از پیروزی تظاهراتی است راستی‌های محافظه‌کار در این کشور بسیار پرمعنی است. در تظاهرات برغورهای پلیس و مردم بیش آمد. از جمله تظاهر کنندگان در شهر نخل اولم سیرورودنه یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک آلمان را مسدود نمودند؛ که این عمل به دستگیری تعدادی از تظاهر کنندگان انجامید.

ایسکاندینا

مسیحطور در ایسکاندینا حدود ۲۰ هزار نفر در تظاهرات مشابهی شرکت نمودند.

مانور نظامی و تظاهرات در ژاپن

به دنبال مانور نظامی ۲۰ روزه امپریالیسم آمریکا و دولت کره جنوبی که از اول فوریه سال جاری آغاز گردید. دوشنبه ۱۲ مارس دهها هزار نفر از مردم جمهوری دیمکراتیک خلق کره در پایتخت این کشور به عنوان اعتراض به این مانور نظامی راهپیمایی نمودند. دولت جمهوری دیمکراتیک خلق کره بلافاصله بعد از شروع این مانور اعلام آمادگی با شرکتی داد و تمام نیروهای نظامی و مملکت را بسیج نمود. مانور مزبور شامل ۷۳ هزار نفر پرسنل نظامی آمریکا و ۱۱۸ هزار نفر پرسنل کره جنوبی بوده و ناو اتمی Enterprise و دهها ناو دیگر آمریکا در این مانور شرکت دارند.

ناو اتمی Enterprise بعد از اتمام مانور مزبور روز دوشنبه ۲۱ مارس به آبهای ژاپن روانه گردید. به دنبال این حرکت، بیش از ۷ هزار نفر از مردم شهر ساپو - ژاپن دست به تظاهرات وسیعی زدند و ورود ناو مزبور به آبهای ژاپن را محکوم نمودند. این تظاهرات با حمله پلیس ضد شورش ژاپن مواجه و در نتیجه صدها نفر دستگیر و زخمی گردیدند.

اکوادور

هفته سوم مارس، بزرگترین اتحادیه کاریگری اکوادور با اعلام اعتصاب، این کشور را به حالت فلج درآورد. اعتصاب - کنندگان خواهان: ۱- ثابت ماندن قیمت ارزاق عمومی، ۲- افزایش حقوق - برکناری وزیر اقتصاد اکوادور میباشد این اعتصاب از طرف دولت اکوادور غیر قانونی اعلام شده بود. پلیس به متظاهر کنندگان حمله ور شد. در حال حاضر دانشگاه‌های این کشور بحالت تعطیل درآمده است.



توطئه علیه نیکاراگوئه

در تاریخ ۲۰ مارس ۸۲ بیش از ۲ هزار نفر از جیره خواران امپریالیسم آمریکا طرفداران سامورا می نمودند از خاک هندوراس به نیکاراگوئه حمله کردند همسرش اورشکا و وزیر دفاع دولت انقلابی نیکاراگوئه در ۲۱ مارس اعلام داشت که در این برخوردها ۲۰۵ تن از ضد انقلابیون بهلاکت رسیدند. همچنین ۵۷ نفر از نیروهای نیکاراگوئه و ۸ نفر مردم مادی نیز جان خود را از دست دادند. اورشکا افزود خطر از جانب هندوراس ما را تهدید میکند نه ضد انقلابیون براری. او همچنین افزود: نیروهای نظامی هندوراس با همکاری بیشتر به ضد انقلابیون کمکهای نظامی می نمایند. تعاون مزدوران طرفدار سامورا درست بعد از اشغال ماسور مشترک آمریکا و هندوراس در مرزهای نیکاراگوئه شروع گردید و نیروهای مزدور تحت تعلیم - مستشاران آمریکایی بوده اند.



NICARAGUA

ویکتور موروگوشو، معاون وزیر امور خارجه نیکاراگوئه در شورای امنیت سازمان ملل کوبا در شورای امنیت اعلام نمود: "تمام سازماندهی، تسلیم و تجهیز متجاوزین به نیکاراگوئه توسط دولت امپریالیستی ایالات متحده، پنتاگون و CIA انجام گرفته است. این حرکت و سیاستی که بر علیه خونگها مکار کردند." جلسه شورای امنیت علاوه بر امضا همکاری خود، اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا، فرانسه، انگلستان و چین، شامل: نیکاراگوئه، لهستان، ژنیز، توکو، پاکستان، کینه، زیمبابووه، اردن، مالقا و هلند میباشد. دولت نیکاراگوئه اعلام نمود که قطعه شورای امنیت برای ما چندان مسئله مهمی نیست بلکه افشای تجاوزات اخیر در نزد افکار عمومی جهان حاضر اهمیت بیشتر است."

نیویورک تا بمز فاش میکند

نیویورک تا بمز فاش میکند - نیویورک تا بمز اعلام نمود که فعالیت آمریکا در مسائل نیکاراگوئه زمانی افشا شد که نماینده اتحاد جماهیر شوروی و نیکاراگوئه از نماینده آمریکا خواستند که تعلیم، تسلیم و برنامه ریزی حمله به نیکاراگوئه را رد نماید. آمریکا با پیش کشیدن مسئله السالوادور از جواب دادن به این سؤال قانع خالی نمود.

سنگوی دولت نیکاراگوئه اعلام نمود که در حال حاضر ۲ هزار نفر از ضد انقلابیون در خاک نیکاراگوئه لانه کرده اند. وی اضافه نمود که: نیکاراگوئه دارای ۲۲ هزار سرباز و ۴۰ هزار ملبشیا میباشد. تا بحال ۳۰۹ تن از ضد انقلابیون بهلاکت رسیده اند و ۴۰ تن از سربازان نیکاراگوئه ای نیز در تجاوزات اخیر جان خود را از دست داده اند.

اعتراف سنا توره های آمریکایی

روزنامه نیویورک تا بمز در ۲۷ آوریل گزارش داد که چندین سخنانور آمریکایی - بدنبال حمله طرفداران سامورا به نیکاراگوئه اعلام داشتند که دولت آمریکا با آنها از چهار چوب سیاست تعیین شده در رابطه با نیکاراگوئه فراتر گذاشته است. انسان اعلام داشتند بر اساس گزارشات رسمی، CIA و ارتش آمریکا بطور مستقیم، برنامه ریزی تسلیم و رهبری نیروهای طرفدار سامورا که در هندوراس مستقر هستند را بعهده داشته

نقش سرمایه داران

کارخانه کوکا کولا نیکاراگوئه به جرم کمک رسانی به افراد گارد ملی سابق سامورا که در هندوراس بسر میبرند تحت کنترل پلیس نیکاراگوئه در آمد. رئیس کارخانه مزبور از ماه سپتامبر ۸۲ به هندوراس رفته و در رهبری "ضد انقلابیون" قرار گرفته است. همینطور نمایندگی کارخانه داتسون (Datsun) تحت مراقبت پلیس نیکاراگوئه قرار گرفته است.

نقش آمریکا

توماس مارتینز، وزیر کشور نیکاراگوئه چهارشنبه ۲۲ مارس اعلام نمود که مبارزه مسلحانه در السالوادور موقعیت رژیم این کشور را به خطر انداخته است. بدین لحاظ ایالات متحده در صدد بوجود آوردن جنگ داخلی در نیکاراگوئه است.

شورای امنیت

بعد از ۲ روز برگزاری جلسه شورای امنیت سازمان ملل در رسیدگی به حمله نیروهای طرفدار سامورا به نیکاراگوئه و حمایت مستقیم دولت هندوراس آمریکا، اکثر کشورهای شرکت کننده در این جلسات این تجاوز را محکوم نموده و فقط دولتهای آمریکا، السالوادور، هندوراس، اکوادور، کلمبیا از تجاوزات اخیر به خاک نیکاراگوئه حمایت و مقصر اصلی را ساندینیست ها اعلام نموده اند. نماینده جمهوری سوسیالیستی



۲۰ هزار نفر از مردم نیکاراگوئه در ولیمیا به ملبشیا و نیکاراگوئه پیوسته، مکن فوق گروهی از ملبشیا نیکاراگوئه را نشان میدهند

و OIA تمام اطلاعات خود را در اختیار نیروهای مزبور قرار داده است. ستانورهای مزبور همچنین عنوان داشتند که این حرکت از چهارچوب قانون اساسی آمریکا خارج گشته و سرنامه سرنگونی دولت ساندينیستها در نیکاراگوئه را در پیش دارد. همینطور این خبرگزاری افزود که در سال ۸۱، ریگان بودجه‌ای معادل ۱۹۰۵ میلیون دلار در اختیار OEA گذاشته تا تعلیم و تجهیز ۲ هزار نفر از افراد مسلح در آمریکای مرکزی را انجام دهد.

السالوادور

نصب رادار



امپریالیسم آمریکا جهت کنترل آمریکای مرکزی بخصوص السالوادور و نیکاراگوئه دستگاه راداری به برد ۲۰۰ مایل در پهنای هندوراس، سی گوسی گالپا Figueras نصب نموده است. نصب رادار مزبور به خاطر فعالیت هندوراس در السالوادور و نیکاراگوئه از طرف مقامات آمریکایی اعلام شده است.

مقامات آمریکایی اعلام داشته‌اند که اردوگاهی جهت تعلیم سربازان دولت السالوادور در هندوراس تأسیس نموده‌اند.

ترور در السالوادور

روز یکشنبه ۱۳ مارس یکی از رهبران کمیته حقوق بشر السالوادور بنام گارسیا در حوالی شهر موشی توتو در زمانی که در حال صیبه عکس و مدارک از جنایات رژیم السالوادور و جمع‌آوری اطلاعات پیرامون استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط خودتسا بود، به وسیله نیروهای نظامی السالوادور به قتل رسید. گارسیا سومین عضو عالی‌رتبه کمیته حقوق بشر السالوادور بود که در دو سال و نیم اخیر توسط رژیم السالوادور کشته می‌شود.

راديو ونسرئوس

راديو ونسرئوس، مدای جنبه مارابونديو مارنی اعلام نمود که در حملات چریک‌های انقلابی در اواخر ماه مارس به نیروهای دولتی ۲۴ تن از مزدوران کشته و بیش از ۲۵ تن زخمی شده‌اند. این زده خورد در منطقه مورازان واقع در ۵۰ مایلی شمال شرقی سن سالوادور اتفاق افتاده و طبق اعتراف سرنگوی دولت السالوادور، علاوه بر زده خورد شدید و بالا بودن تعداد کشته شدگان نیروهای دولتی، ۱۷ پست دیده‌بانی رژیم خودتسا نیز بدست چریک‌های انقلابی منهدم گردیده است.

راديو ونسرئوس در ۲ آوریل اعلام داشت: گردان بلوسو ارتش السالوادور که توسط آمریکا تحت تعلیمات نظامی طولانی مدت بوده در درگیری هفته گذشته در منطقه مورازان، بکلی نابود گردیده است. ونسرئوس اعلام

داشت که پیروزی مزبور نشانه شکست استوار تری جنگی آمریکا در السالوادور است.

چندشهر آزاد گردید

بزرگراه موشی توتو، بزرگترین جاده مراعاتی سن سالوادور، پایتخت السالوادور برای دومین بار در دو ماه گذشته بدست چریک‌های انقلابی تسخیر گردید. همینطور چندین شهر و روستا از جمله سن لورنسو، و وداهاز نیز از دست نیروهای دولتی السالوادور آزاد گردید.

۱۱۰ میلیون دلار هم کم است

و این بزرگراه وزیر دفاع آمریکا ۱۱۰ میلیون دلار کمک تصویب شده سال ۸۳ به دولت السالوادور را تا جیز شمرده و اعلام داشت که به دلیل ضعف بودن دولت السالوادور در مقابله با چریک‌ها، آمریکا میبایست کمک‌های نظامی بیشتری به این دولت بشمارد.

پرو: ۴ کشته، ۲۰ زخمی، ۲۰۰ دستگیری

در تاریخ ۱۴ مارس ۸۴ یک میلیون کارگر در اعتراض به شوم در لیما، پایتخت پرو دست‌از کار کشید و به حمایتها ریختند. این اعتصاب سرتاچری به دعوت کنفدراسیون عمومی کارگران پرو رهبری میشد. دولت پرو روز قبل از اعتصاب موقعیت فوق العاده اعلام کرده بود. به دنبال این اعتصاب کلیه جاده های اصلی که به لیما منتهی میشد توسط کارگران و دانشجویان بسته شد. سیستم اتوبوسرانی شهر متوقف گردید و اکثر مغازه‌ها بسته شد. به دنبال این اعتراضات دولت فرناندو بلاند تری ۱۵۰۰۰ افراد نظامی را برای سرکوب اعتصاب کنندگان راهی غمبارها و کارخانه‌ها نمود. در این حملات پلیس از گاز اشک‌آور و سلاح‌های گرم استفاده نمود که در نتیجه حملات سیعانه پلیس، ۴ کارگر کشته، ۲۰۰ نفر دستگیر و حداقل ۲۰ نفر از جمله ۲ کودک با گلوله های پلیس زخمی شدند.

کشور پرو که ۶۰ درصد معاملات خارجی آن را مس تشکیل میدهد، در وضعیت اقتصادی بی‌ی سر میبرد. این کشور در حال حاضر قریب به ۱۲ میلیون دلار به بانکهای بین‌المللی مقروض است با توجه به شرایط بد اقتصادی و بی‌وزم

فوق العاده، بیکاری در این کشور پیدا میکند و به مرز ۶۰ درصد بیکاری کار رسیده است. این وضعیت اسفناک تنها بخش پرون نیست. تقریباً تمام کشورهای آمریکای جنوبی وضع مشابهی دارند. مجموع کشورهای آمریکای لاتین با اقتصاد ورشکسته‌شان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار به بانکهای جهانی بدهی دارند. بنابراین اعتراضات بوده‌ای در شرایط حاکمیت سرنیزه در اکثر این کشورها نتیجه طبیعی فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بحران عمیق این کشورها تنها با انقلاب اجتماعی که منجر به سرنگونی حاکمیت بورژوازی و برقراری حکومت ردمتکشان حل خواهد شد.



بقیه در صفحه ۲۱

هفتمین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد - دهلی نو



ایندهرا گاندی و سایر عرفات در هنگام ورود عرفات به دهلی - نو جهت شرکت در هفتمین کنفرانس "جشن عدم تمیز"

سابقه تاریخی

کنفرانس سران کشورهای عضو "جشن عدم تمیز" در روز ۷ مارس ۱۹۸۲ به مدت یک هفته در دهلی نو برگزار شد. در این کنفرانس نماینده ۱۰۱ کشور شرکت کردند. این تعداد پنج برابر تعدادی است که در اولین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد شرکت کرده بودند.

این کنفرانس ابتدا قرار بود که در شهر بغداد - عراق برگزار شود، اما وجود جنگ ارضی ایران و عراق مانع برگزاری این کنفرانس در عراق شد و این خود یک پیروزی تاکتیکی برای رژیم جمهوری اسلامی بود.

اولین کنفرانس "جشن عدم تمیز" در سال ۱۹۶۱ در شهر بلگراد - یوگوسلاوی با شرکت نمایندگان ۲۰ کشور از جمله پنج تن از پایه گذاران مهم آن یعنی جمال عبدالناصر از مصر، جوزف بروز تیخو از یوگوسلاوی، جواهر لعل نهرو از هند، فوام نگرومه از غنا و سوکارنو از اندونزی تشکیل شد. جشن عدم تمیز با ابتکار رهبران کشور - هاشمیه خود گرایش های ضد امپریالیستی، ملی گرایانه و ترقی خواهانه داشتند. با توهم ایجاد آلترناتیو قدرت مستقل جهانی با آنطور که سوکارنو مطرح میکرد "سازمان ملل انقلابی" آغاز بکار کرد و در پیرویه شکوین و تکامل خود شکل گسترده ای بخود گرفت، که امروز اگر چه تعداد بسیاری از کشورهای وابسته به امپریالیسم نیز با اهداف گوناگون، از جمله جلوگیری از ایزوله شدن به عضویت این نهاد بین المللی درآمده اند لیکن امپریالیستها همواره ناخشنودی و نگرانی خود را نسبت به موجودیت آن و نتایج کنفرانسهای آن، مستقیم و غیرمستقیم ابراز داشته اند، چرا که اگرچه این نهاد ابداً قادر نیست گرهی از مشکلات عدیده جوامع تحت سلطه بگشاید ولی امپریالیسم برخلاف بسیاری از نهادهای بین المللی دیگر نتوانسته است آبراهه زیر کنترل و نظود خود در آورد.

بخش سیاسی

در کنفرانس اخیر همانند کنفرانس های پیشین مسائل زیادی در رابطه با اختلافات کشورهای شرکت کننده و سیاست های کشورهای امپریالیستی، وضعیت اقتصادی کشورهای تحت سلطه و ... مورد بحث قرار گرفت که ذیلا به اهم آنها اشاره میگردد:

کامبوج و افغانستان

یکی از مسائل حادی که در دو کنفرانس آخر (یعنی ششمین کنفرانس در هاوانا و هفتمین کنفرانس در دهلی نو) مورد بحث قرار گرفت، نمایندگی کشور کامبوج در این دو نشست بود. در کنفرانس پیشین این مسئله لاینحل ماند و حل آن به کنفرانس اخیر واگذار شده بود. در این کنفرانس پرنس سیانوک با حمایت "انجمن ملل جنوب شرقی آسیا" (ASEAN) دلالت نمود که در مقابل نمایندگی دولت انقلابی هنگ سارین که حمایت و پشتیبانی دولت کوبا و ویتنام را داشت، رسمیت یابد. کنفرانس قادر شد که مسئله را حل کند، بنابراین همانند کنفرانس پیشین کرسی مربوط به کامبوج "خالی" ماند. کنفرانس بدون آنکه ذکری از نام کشورهای شوروی و ویتنام به میان آورد، خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان و

کامبوج شد.

سلاح های هسته ای

یکی از بیانیتهای کنفرانس اخیر که در اس مورث جلسه قرار داشت مسئله مربوط به سلاحهای هسته ای بود. کنفرانس مصراسته خواستار قطع فوری تولید و گسترش سلاحهای هسته ای شد و افافه نمود که مسئله سلاحهای هسته ای در نقاط مختلف جهان باید زیر نظر و کنترل نیروهای بین المللی انجام گیرد.

نژاد پرستی و صهیونیسم

دومین مطلب مهم برغوره شده شرکت کنندگان به مسئله نژاد پرستی و صهیونیسم بود. تمام کشورهای شرکت کننده خواستار حمایت از مردم آفریقا و افرایش کمک های نظامی، مالی و انسانی به جنبش های آزادیبخش شدند. همچنین کنفرانس طی بیانیتهای خواهان حمایت کامل از سازمان (SWAFO) و تشکیل فوری دولت مستقل کامبوج که تماما خارج از کنترل کشور آفریقای جنوبی باشد، شد. این بیانیته همچنین خواستار بیرون رفتن فوری و بدون قید و شرط نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان و فلسطین سرزمین اشغال شده اعراب از سال ۱۹۶۷ شده

اعدام در ملا. عام!

گزارشی از هند



بود. و کار واقع حکومت نظامی غربانی بر شهر مسئولی بود بطوریکه این مسئله بخودی خود همه تلاش‌های دولت هند را در جهت ترقی و زیبائی شهر غننی کرده بود.

مهرعم تمامی موانع فوق سازمان دانشمویان ارانی در هند، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برگزاری برنامهای افشاگرانه را در چنین شرایطی بحثابه وظیفهای ضروری ارزیابی نمود و با اعتماد عمل با هواداران سازمان راه کارگر و وحدت کمونیستی برنامه‌های زیر را به اجرا گذاشت:

۸ مارس معادفیا روز جهانی زن، آتن از رفقای زن با وجود کنترل شدید پلیس خود را به حدود صد قدمی محل کنفرانس رساندند و قبل از کوچکترین مکن عملی از طرف پلیس، خود را به میله‌های میدانی که در محل واقع است زنجیر نمودند و با دادن شعار و پخش اعلامیه به افشاگری پرداختند. مدعا پلیس صد شورش که در ابتدا مات و میبوت گشته بودند، آنها را به محاصره درآوردند و درحالتیکه سعی مینمودند جلوی دهان رفقا را بگیرند، درصدد پاره نمودن زنجیر برآمدند. اما چون تلاششان بی نتیجه ماند، میله‌های میدان را از جای کشند و رفقا را با میله‌های گوشه‌های بان بردند. رفقای زن با خلایق دوباره خود را به دور درختی که در آن نقطه بود، زنجیر بقیه نرسیده ۶۹

هفتمین کنفرانس جنبش غیرمتممبند از تاریخ ۷ تا ۱۲ مارس با شرکت سران و نمایندگان بیش از صد کشور از سراسر جهان برگزار شد. دولت هند از مدتها قبل تدابیر امنیتی بسیار شدیدی را تدارک دیده بود. کلیه عیابانهای اطراف محل کنفرانس و محل اقامت شرکت کنندگان تحت محافظت و در اکثر موارد سنگر بندی شده بود. رفت و آمد در این نقاط ممنوع گشته و راههای ورود و خروج از شهر دهلی به نحو بیسابقه‌ای تحت کنترل پلیس بود. یک هفته قبل از آغاز کنفرانس قانون منع اجتماعات بیش از ۵ نفر در تمامی شهر دهلی به اجرا گذاشته شد. به ایرانی‌های مخالف نیز کتب دستور داده شد که از تاریخ ۱۸ فوریه تا ۱۵ مارس از محل اقامت خود خارج نشوند و در مقابل تعداد زیادی از مطالبی سکونت ایرانیان مقیم دهلی پلیس شبانه روز کشیک میداد و در تمامی طول روز فقط نیم ساعت اجازه داشتند که همراه پلیس جهت خرید احتیاجات روزمره به بازار بروند. اتباع دیگر کشورها نیز کماکان تحت کنترل قرار گرفته بودند. مقامات هندی تهدید کردند که نقش این فواین منجر به اخراج بدون وقفه از کشور هند خواهد شد. دهلی نو محلو از پلیس و گاردهای ویژه

حکومت سلطه روز افزون است نماینده نیگا را گوته بعنوان رئیس کمیته اقتصادی "جنبش مردم متحد" انتخاب شد. نماینده الجزایر در کنفرانس اعلام نمود که: مشکل کنونی ما قدرت‌های شرق و غرب نیست، بلکه این است که چگونه فضای روزانه خود را تهیه کنیم. کنفرانس، "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول" را وسیله‌ای در دست کشورهای پیشرفته امپریالیستی قلنداد کرد که از پانصد بیلیون دلار "طلی" که از کشورهای تحت سلطه و صمدتا در زنجیره سیستم جهانی سرمایه دارند بعنوان اسلحه علیه خود آنها استفاده میکنند. کنفرانس اذمان نمود که در حال حاضر کشورهای تحت سلطه ۵۴۰ بیلیون دلار به بانکهای جهانی "مقروض" اند که سالانه مبلغ ۱۰۶ بیلیون دلار بهره به این بانکها می‌پردازند. از این مبلغ، بیش از ۳۰۰ بیلیون دلار مربوط به کشورهای آمریکا و لاتین است.

کنفرانس بدون آنکه محل اجلاس آینده را مشخص نماید، پس از یک هفته به کار خود پایان داد.

از جانب آمریکا گردید. کنفرانس آمریکا را متهم به مداخله نظامی در البالوادور نمود. در مجموع طی کنفرانس امپریالیسم آمریکا ۲۰ بار ریخاطریساتهای تجاوز کارانه اش محکوم گردید.

جنگ ایران و عراق

یکی دیگر از مسائل بحث انگیز کنفرانس جنگ ایران و عراق بود که کنفرانس خواستار مذاکرات فوری طرفین و پایان دادن به جنگ شد. فیدل کاسترو در زمینه اختلافات ایران و عراق، جانب عراق را گرفت.

همچنین کنفرانس خواهان حل مسئله محرای غربی، خروج نیروها از قبرس و حمایت از حقوق قانونی مردم شیلی برای برگرداندن آزادی‌های اساسی و حقوق اولیه انسانی و دفاع از سیاست مستقل آفریقا رئیس جمهور شیلی، سالوادور آلنده شد.

بخش اقتصادی

سیاستهای مربوط به بخش اقتصادی به مراتب گسترده‌تر از بخش سیاسی آن بود. ظاهرا به این دلیل که مشکلات اقتصادی کشورهای

و اکثر سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) را بعنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین مورد تأیید قرار داد. کنفرانس آمریکا را مسئول فراهم نمودن زمینه برای قتل عام مردم فلسطین و لبنان دانست. در همین رابطه کنفرانس حمله هوایی اسرائیل را به تأسیسات اتمی عراق بعنوان یک عمل ترور پستی محکوم نمود.

آمریکای مرکزی

مسئله دیگر مورد بحث در کنفرانس اخیر کشمکش‌های موجود در قاره آمریکا (جزایر کارائیب و آتلانتیک جنوبی) بود. بهانه کنفرانس در این زمینه کشمکش‌های موجود را ناشی از دعالت قدرت‌های خارجی در منطقه دانست. تهدید علیه نیگا را گوته را طرح حساب شده‌ای دانست که به منظور فریب زدن و ایجاد نا امنی و بی ثباتی در این کشور فراهم گردیده است. بهانه در این رابطه خواستار قطع تمام مملیات خصمانه و تجاوزگرانه علیه کوبا و حقوق مردم پورتوریکو برای تعیین سرخوش خود و همچنین رعایت کامل معاهدات کازابل پاناما

سفر پاپ به امریکای مرکزی

تلاشی مذبوحانه در جهت فریب توده‌ها



السالوادور، صدها هزار نفر شوشده مومنه پاپ در باره طبع بودند. در السالوادور تحت کنترل شدیده نظامی و زیر تیغ سرکوبگران سخنان پاپ که از مردم برای برقراری طبع دعوت مینمود جالب توجه بود زیرا که او برای چریکهای السالوادوری هیچ نقشی قائل ندهد و از مردم نیز میخواست که از هیچگونه مبارزه‌ای حمایت نکنند، در صورتیکه اسقف اعظم السالوادور که دوهفته پیش از سفر پاپ به السالوادور از سوی وی انتخاب شده بود اعتراف نمود که اگر طبعی در میان باغد باید حتماً (جبهه آزادیبخش فارابونده و مارشی) یک پای مذاکره باشد.

درکل پاپ طی سفره روزانه به آمریکای مرکزی سعی نمود که بوسیله استفاده از نفوذ روحانیون و اعتقادات مذهبی مردم در منطقه راه انقلاب را که مردم خود طی تجربه و منطق دریافته اند به انحراف بکشد.

رغبه به درون توده‌ها و منحرف کردن مسیر انقلاب آنان از کمال مذهب در ایران نمونه زنده و آموزنده‌ای است که جنبش‌های آزادیبخش جهان باید از آن درس گیرند. جدایی دین از دولت نباید از ابتدا یکی از اهداف هر انقلابی باشد. انواع و اقسام فشارهای سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که اکنون توسط جمهوری اسلامی در ایران تحت لوای مذهب و با تکیه بر "شروع" بر توده‌ها اعمال میشود ملموس‌ترین تجربه ایست که در حال حاضر باید ممیلاً مورد توجه جنبش‌های آزادیبخش درکل و آمریکای مرکزی بطور خاص قرار گیرد.

که در کوستاریکا گرد آمده بودند، خواستار بسیج مسیحیان از طریق مذهب و حول شیوه مسالمت آمیزی برای "تعمیر" اجتماع شد!! پاپ در سفرش به سیکاراگوسه، در حین سخنرانی به خیال خود سعی نمود که به روحیان مذهبی طرفدار دولت و ساندیسمتها تفرقه بیندازد، اما موفق نشد. مردم نیز که بطرف سفر پاپ احتجاج کرده بودند نسبت به سخنان وی کاملاً بی اعتنا بوده و در ضمن سخنرانی فریاد میزدند: "قدرت در دست توده‌هاست" و بدین ترتیب پاسخ مناسبی به توطنه او ندادند.

در ادامه سفر پاپ به کواتمالا و

از همان زمانی که پاپ بر خاک کوستاریکا بوسه زد، از یک آلترومانیو "بپشور" برای فقیران و حقش مذهب در این رابطه سخن به میان آورد. وی با دست آویز قرار دادن مقوله‌ای بنام "نقش حقوق بشر" بدون آنکه کوچکترین اشاره‌ای به سندیسم آن و نقش امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا در این امر کند، تلاش مذبوحانه‌ای را برای تعمیق توده‌ها از کمال مذهب آغاز کرد.

در رابطه با انقلاب پیروزمند نیکاراگوا کوبه و جنبش‌های آزادیبخش در منطقه، وی در پیامی به ۶۶ اسقف کشورهای مختلف

هفتمین کنفرانس بقیه از منحه ۲۹

نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس

بین صدها نفر از اعضای هیئت نمایندگان کشورهای مختلف، نمایندگان جمهوری اسلامی با تداکارت خراوان نظامی از جمله ارسال یک فروند هواپیمای باری نظامی با ۱۶ گمادوی ارتشی و اتوموبیل ضد گلوله وارد دهلی سو شدند. هواپیمای نظامی رژیم جمهوری اسلامی تلالن نمود که بطور پنهانی در دهلی فرود آید تا مردم در "محبوبیت" آنها شک نکنند. بهر حال عمل "سری" رژیم ایران، مسئله ارسال یک هواپیمای نظامی را پیشتر از خبر ساز کرد و علیرغم انتظار بران رژیم جمهوری اسلامی، اکثریت غیرکزاری های جهان که با دست‌های ندامت‌آمیز با هم در آنرا بی‌توجه کردند و ماهیت عمل آنها -

روشنتر گردید. این "نمایندگان" مردم تنها در داخل ایران نیست که با بشوهای ضد گلوله و معافین مسلح رفت و آمد میکنند، آنها بخوبی میدانند که بخدی متفور هستند که تدارکات اضتی پلیس هند برای آنها کافی نیست. به‌این با خود معاف مسلح و اتوموبیل ضد گلوله را نیز از پیش تدارک دیده بودند. ابتدا فرار بود که در راس هیئت نمایندگان جمهوری اسلامی، رئیس جمهور - (خامنه‌ای) فرار گیرد، اما ناگهان یک‌روز قبل از برنامه بدون توضیح، نخست وزیر - موسوی را بجای او فرستادند. در این کنفرانس از جمله موسوی نخست وزیر و ولایتی، وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی تلالن کردند جمهوری اسلامی، اکثریت غیرکزاری های جهان که با دست‌های ندامت‌آمیز با هم در آنرا بی‌توجه کردند و ماهیت عمل آنها -



تلفن های خبری سا زمان آمریکا و کانادا	
لوس آنجلس	۲۸۹-۰۹۹۰ (۲۱۴)
فرسالیون آنجلس	۲۹۱-۷۲۱۸ (۲۱۴)
شیکاگو	۲۲۸-۷۸۹۲ (۲۱۴)
نیویورک	۲۵۲-۹۲۵۲ (۲۱۴)
هوستون (تکراس)	۹۲۳-۷۱۶۲ (۷۱۳)
واشنگتن	۸۲-۰۹۰۷ (۷۰۳)
برکلی	۵۲۸-۶۱۰۰ (۲۱۵)
میامی	۸۹۱-۰۲۹۹ (۳۰۵)
بشن روز (نوشیزا نا)	۲۸۷-۲۲۲۶ (۵۰۲)
ساندیاگو	۲۶۲-۲۹۰۷ (۶۱۹)
اکلهمنا	۳۶-۰۶۵۲۶ (۲۰۵)
دالاس - آریلینگتون	۲۶۱-۲۰۲۰ (۸۱۷)
دنتون (تکراس)	۲۸۲-۲۲۲۲ (۸۱۷)
سیاتل (واشنگتن)	۵۲۲-۲۲۲۴ (۲۰۴)
تمپا (آریزونا)	۸۹۲-۱۰۰۰۴ (۶۰۲)
مونتروال (کانادا)	۹۳۳-۱۳۳۳ (۵۱۴)
تورنتو (کانادا)	۶۵۲-۲۲۸۲ (۲۱۴)

برزیل

بقیه از صفحه ۲۲

در روز ۲ آوریل دهها هزار نفر از کارگران شهر ساوپولو برزیل که بزرگترین شهر این کشور با جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر است، در اعتراض به سیکاری و تورم دست به یک اعتصاب چند روزه زدند. رئیس پلیس این شهر اعلام داشت که ده هزار پلیس مدخوری جهت سرکوب کارگران بسیج شده است. آخرین اخبار واسطه حاکی است که این نظاهرات از مناطق کارگر نشین به مناطق دیگر گسترش یافته و بمورنی خوین ادامه دارد.

ماه قبل نیز به دنبال افزایش قیمت کرایه اتوبوسهای داخل شهر نظاهرات وسیعی در شهر ساوپولو انجام گردید که منجر به آتش کشیده شدن دهها اتوبوس و حمله وحشیانه پلیس به نظاهر کنندگان شد.



بشمال همین گزارش "وال استریت ژورنال" مینویسد: در تاریخ ۴ آوریل نظاهرات گسترده ای بافته به شهر ریودو ژانیرو کشیده شد. مردم به ادارات دولتی حمله کرده سارات زیادی وارد آوردند. در همین روز مردم به طور پراکنده ای شهر نیز حمله کرده مواد غذایی را معادله و بس خود تقسیم کردند.

بند سال حمله پلیس به صفوف نظاهرات چندین کشته ۱۲۵۰ نفر زخمی و ۶۰۰ نفر دستگیر شدند و چندین میلیون دلار خسارت وارد شد. برزیل در وضع اقتصادی سیار بدی بسر میرود. تورم نسبت به سال گذشته ۲۰۰ درصد شده است. بیکاری افزایش یافته و به ۱۳ درصد رسیده است. "وال استریت ژورنال" پیش بینی میکند که این رقم به ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. مطابق همین منبع بیشتر از نصف جمعیت شافل معادل ۲۱ دلار در هفته یا ۳۲/۵ دلار در روز یعنی ۳۸ سنت درآمد دریافت میکنند. برزیل در حال حاضر مبلغ ۸۸ میلیون دلار به بانکهای جهانی مفروض است.

حزب دمکرات آمریکا با لافزه با حق در دادن به کاندیدا کردن یک فرد سیاهپوست "رادیکال" سعی دارد خشم فزاینده و روسد سیاسی شدن سیاهپوستان آمریکائی را زیرکانه زیر کنترل سیستم دو حزبی بورژوازی آمریکا درآورد، بود که فعالان در انتخابات شیکاگو شرکت کرده و به نفع هارولد واشنگتن رأی دادند تا در واقع از حق بورژوازی سیاهپوستان دفاع کنند و علیه سیج سزاد - پریستانه ای که از طرف نیروهای فوق راست دارودسته ریگان دامن زده میشود ایستادگی نمایند و در عین حال از جو فعال سیاسی بوجود آمده در بین سیاهپوستان شیکاگو برای زمینه سازی و سازماندهی مبارزات آتی در - جبهی مضرلی و منقلب از احزاب بورژوازی استفاده جویند. ☆☆☆

شیکاگو به نژادپرستان رای منفی داد

چپ کاندیداها نبود، بلکه همانطور که شعار سزاد پرمطامه ایتون حکایت میگردد، "به ایتون رای دهید لکن اینک دیگر خیلی دیر شود" (یعنی سیاهپوستان به قدرت برسند) مسئله اصلی بر سر شکست یکسخت سزاد - پرمطامه و وارد کردن سیاهپوستان - که ۴۰٪ جمعیت شیکاگو را تشکیل میدهند - در مائین سیاسی و دولتی این شهر بود. ترکیب رأی ها نیز بخوبی شدت قطعی شدن رای ها بر اساس وابستگی سزادی را نمایان میسازد بطوریکه تقریباً ۱۰۰٪ سیاهپوستان ۱/۲ رنگین پوستان و ۲۰٪ سفید پوستان (که در واقع شامل نیروهای چپ و مترقی و ضد سزاد پرستی میشد که نقشی تعیین کننده ای در سرکوب انتخابات داشتند) به نفع واشنگتن و ۸۰٪ سفیدپوستان شیکاگو به نفع ایتون رای دادند.

موضع و نقشی که نیروهای چپ و کمونیست های آمریکائی در این انتخابات داشتند خود تجربه آموزنده و قابل توجهی است برای جنبش کمونیستی در برغورد به مواردی مشابه آن. کمونیستهای انقلابی آمریکا بدون هیچگونه تردیدی در ماهیت بورژوازی - امپریالیستی هارولد واشنگتن، با آگاهی به اینکه انتخابات یک شهردار سیاهپوست لیبرال با وجود تمام برنامه ها و وعده های "چپ" او نمیتواند از چهارچوب یک رفوم بورژوا - امپریالیستی خارج شود و با آگاهی به اینکه

در انتخابات پز سروصدای شهر شیکاگو جهت انتخاب شهردار جدید، برای اولین بار یک سیاهپوست برنده شد. نتیجه این انتخابات نه تنها برای سیاهپوستان آمریکا، بلکه برای نیروهای مترقی و چپ این کشور نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. چرا که در واقع این مسئله نژادپرستی بود که با توجه به سطر تاریخی آن به خاصه در شهر بزرگ شیکاگو، به متنازعه ظلمیده شده بود. در - پروسه این انتخابات وادوسنها و تلاش های متعددی صورت گرفت (از جمله حتی دست به یکی شدن بعضی از دمکرات ها با جمهوریخواهان) تا شهر وسیله شده از کاندیدا توری هارولد واشنگتن که یک سیاهپوست غوثی وجهه و لیبرال است، جلوگیری شود. اما فشار سیاهپوستان و مبارزات گروه های مختلف توانست هارولد واشنگتن را در مقابل برنارد ایتون، بانک کاندیدای سفید پوست مینیسو و محافظه کار و دست راستی از حزب جمهوریخواهان، قرار دهد. مردم آمریکا که از ساریها و مسابقات انتخاباتی خسته شده اند برخلاف همیشه دخالت فعال و توجه زیادی در پروسه این انتخابات نشان دادند. بطوریکه بیش از ۸۵٪ حاضرین شرایط در رأی گیری شرکت جستند و بالاخره هارولد واشنگتن با ۵۲٪ آرا، پیروز شد.

در این انتخابات مسئله بر سر وابستگی حزبی یا صرفاً شعارها و وعده های راستی

فرار از جنگال دژخیمان رژیم

سومین روز گزارشی کوتاه‌ای است از زبان یک پیشمرگه فدایی که در تاریخ ۶۱/۱۰/۶ به دست مزدوران رژیم اسیر شده ولی پس از تحمل شکنجه فراوان موفق شد از جنگال آنها بگریزد. ما برای معرفی بیشتر ماهیت دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی، مواردی به درج آن می‌نماییم.

تنها پنجره‌اش شکسته و در بزرگ و آهنین را بیخ گرفته بود و در گوشه‌ای چند پنجره برای فروش کردن و زینت خواب‌زدان افشاده بود. از همان لحظه ورودم شکنجه شروع شد.

سرپایم تکه داشتند. بالب دست (کارتک) از روبرو به اطراف (چپ و راست) گردنم

میزدند چنانکه برق از چشمانم می‌پرید.

خود را به زمین میانداختم تا کمتر بخورم ولی باید زود بلند میشدم و تا بلند شدن

با نوک کفش سروصورت را نشانه می‌گرفتند بعد از یک ساعت که گردنم باد کرده بود

و سردرد و سرگیجه گرفته بودم بحال خود رها نمی‌کردند. روحیه مقاومت برآدم می‌داشت

۰۰۰ از همان لحظه ورودم شکنجه شروع شد. سرپایم تکه داشتند با لب دست (کارتک)

از روبرو به اطراف (چپ و راست) گردنم می‌زدند چنانکه بسری از چشمانم می‌پرید.

خود را به زمین میانداختم تا کمتر بخورم ولی باید زود بلند میشدم و تا بلند شدن

با نوک کفش سروصورت را نشانه می‌گرفتند.

در آبادی موقع سوار شدن ماشین صدای گریه و ناله مردی بگوش می‌رسید که رژیم

کشتک مزدوران گریه می‌کرد و میگفت بعدا والله من کارگرم چهارتا بچه دارم. من مسافرم

ولی با لگد ما کشتن می‌کردند. سرکوبگران خود کاملاً واقف هستند که در میان غلغله

یا بگاهی ندارند، توده‌های مردم را دشمن خود می‌دانند. مردم هم دشمنی جمهوری اسلامی

را با رگ و پوست خود احساس کرده اند و درند غلغله بودن با ساداران رژیم کوچکترین

شکی ندارند، چنین بود که تمام مسافریان ماشین سواری را هم دست و رقیق من بحساب

میاوردند. چهار نفر مسافرین هرطور بود رفته بودند یکی از آنها همراه من دستگیر

شده بود و همان‌ها از من می‌خواستند که آنها را معرفی نمایم در صورتیکه املا آنها را نمی‌شناختم.

زندانی‌گاران ماشین بود که شیشه‌های

بقیه در صفحه ۸۴

در تاریخ ۶۱/۱۰/۶ ساعت ۱۱/۵ در مسیر جاده سقز-سوکان در محل بازرسی وسط راه -

(بازرسی بدنی)، معمولاً م بدنت پاسداران انشاه تا خواهند آنها بازگشت فرار کردم

و مزدوران به رگبارم گرفتند ولی احابست نکرد. به آمادی زدیگ جاده رفتم پاسداران

سرپایم در آنجا از قبل کمین کرده بودند و دستگیرم نمودند. به اطراف کوچک و

ناریکم بردند، جیبهایم را خالی و بازدید بدنیم نمودند. معموله را آنجا باز کردند

آنوقت داشتند که کمونستم و خیلی پرایشان مهم بودم. به شهر ظفن زدند برای نیروی

کشتی و چون مزدوران در مسیر جاده کشت می‌زدند زود و موقع رسیدند. ما دستمالی

چشمانم و تشنه‌ایم را از پشت سفتو محکم ما طنایس بختند چنانکه بعد از چند روز -

هنوز جای سرج شده طناب‌بافی بود. مرا با آن وضع بیرون آوردند به قصد بردن به

شهر و رهبر لگد و مشت گرفتند چنان کردند که بی رمق بر زمین افتادم. بعضی از

مزدوران در آن لحظه قصد کشتنم را داشتند ولی نفیسه مخالفت نمودند در جواب آنها

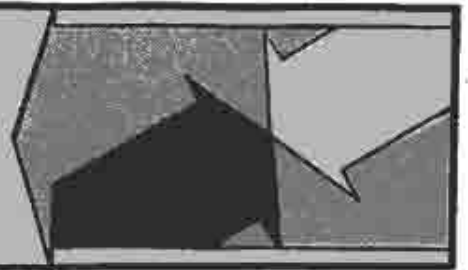
گفتند که حیفاست همینطور باده با یک تیر سمیره. با مشت، لگد و دشنام سوارما شیم

نمودند تا به زندان دهکاتیات که هم مرکز پایگاه عملیاتی است و هم اعمال فاشیستی

آنها معروف بود، انتقال دهند. زیرا افرادی آنها را اداره می‌کردند که برادر

و با کسی در کردستان بنام شهر سقر کشته داده بودند و کینه‌ای عمیق نسبت به غلغ

دیدگاهها



بمنظور بهیچبره امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله با مقالاتی در این رابطه طرح خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

نقدی بر تئوری "سوسیال امپریالیسم"

بخش دوم این مقاله در سه بخش ارائه میگردد

کمون پارسی هم بعد از چند ماه بوسیله بورژوازی درهم کوبیده شد. همین نیز از سال ۱۹۱۲ تا زمان سرنگ مرتباً از خطر ضد انقلاب و اصولاً از خطراتی که شدیداً اولین دولت سوسیالیستی جهان را تهدید میکردند سخن میگفت. وی معتقد بود که انتخابات کومنیست‌ها در ابامی که هنوز بورژوازی کاملاً درهم شکسته نشده است نمیتواند به شکست انقلاب منجر شود. به اعتقاد ما این خطر تا اوایل دهه ۱۹۲۰

که هنوز اقتصاد سوسیالیستی کاملاً شکل نگرفته بوده هنوز وجود داشت. ولی سرنگونی نظام اقتصادی - اجتماعی سوسیالیستی در شوروی که بنا به اعتقاد بهکار بطور اساسی در سال ۱۹۲۳ مستقر شده بوده بدون کاربرد قهرضد انقلابی از جانب بورژوازی امکان پذیر نیست. چگونه میتوان تصور کرد که طبقه کارگر شوروی که سنگ بنای اولین دولت سوسیالیستی را گذاشته بود و تا زمان استالین به اعتقاد بهکار در قدرت بوده قدرت سیاسی را بدون هیچگونه مقامی به یک مشت پوزرو امپریالیست "اتسلیم کند؟! چگونه میتوان تصور کرد که کارگران و زحمتکشان شوروی نابودی نظام اقتصادی نوینی را که انقلابی در زندگی اجتماعی -

تا بحال سازمان بهکار هرچند در "سوسیال امپریالیسم" در ایران بوده، اما تا زمان موجودیت این سازمان هیچگاه تحلیلی مستدل بر این ادعای خود نتوانست. بعد از سازمان بهکار امروز کومله (سازمان زحمتکشان کردستان) هنوز به این تئوری معتقد مانده است بی آنکه کوچکترین تحلیل مشخص و علمی بر این موضع خود ارائه داده باشد. از آنجا تیکه ما معتقدیم موضع گیری بزرگ سازمان سیاسی در هر زمینه الزاماً باید بر مبنای تحلیل مشخص استوار شده باشد. با نگارش این مقاله از کلیه معتقدین به این تئوری می‌کنیم که نظرگاه خود را در این رابطه ارائه دهند. اگر چه این مقاله عمدتاً به نقطه نظرات سازمان بهکار اشاره میکند ولی بزرگ شامل تمام نیروهای سیاسی موسوم به خط ۳ میشود.

سرمایه داری در شوروی یک "واقعیت" است به ناچار باید از این نظریه ضد علمی که پیروان تکاملی تاریخی به عقب برمیگردند سرسخانه دفاع کنند. تاریخ نشان میدهد که هیچ نظام اجتماعی - اقتصادی را بدون توسل به قهر ضد انقلابی نمیتوان به عقب برگرداند. احیا سرمایه داری در شوروی تنها در صورتی امکان پذیر بود که دولت سوسیالیستی یا در جنگ‌های داخلی بعد از انقلاب اکتبر شکست می‌خورد و یا در جنگ جهانی دوم بوسیله امپریالیسم درهم شکسته میشد. دولت شورائی فنلاند و دولت شورائی مجارستان که همزمان با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بوجود آمده بودند، در سال ۱۹۱۸ به وسیله ضد انقلاب داخلی سرنگون گردیدند. اولین تجربه دیکتاتوری پرولتاریا در

واقعیت این است که نمیتوان متکسر اثرات انحرافات روزهیونیمیستی - کومنیست شوروی بعد از سال ۱۹۵۶ بر روی مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه شوروی عد. رفرمهای روزهیونیمیستی سال ۱۹۶۵ نیز اگر همچنان ادامه پیدا میکرد میتوانست اثرات مغربی بر اقتصاد شوروی بجای گذارد. اما این مسئله که غلبه روزهیونیم (یعنی عامل روینائی) باعث شد که اقتصاد سوسیالیستی که بنا به اعتقاد بهکار "سال ۱۹۲۳ بطور اساسی در اتحاد جماهیر شوروی مستقر" گردیده بوده به اقتصاد سرمایه داری مبدل شود برای کسی که به مارکسیسم معتقد باشد قابل قبول نیست.

مخالفان تئوری احیای سرمایه داری در شوروی برای آنکه ثابت کنند که احیای

اقتصادی آنها ایجاد کرده بود نظاره کننده اما هیچگونه عکس العمل و اعتراضی از خود نشان ندادند! کتاب سند تاریخی حکایت از مقاومت فیهرا آمیز و حتی - اعتراضات سیاسی مسالمت آمیز کارگران در مقابل باعلاج سوسیال امپریالیستها که کارگران را به شدیدترین وجهی "استثمار" میکردند، میکند؟!

تاریخ نشان میدهد که در هیچ کجای دنیا برگشت آرام و تدریجی يك نظام اقتصادی - اجتماعی مترقی به نظام اقتصادی - اجتماعی عقب مانده تر و ارتجاعی تر بوقوع نیویسته است.

معتقدان به تئوری سوسیال امپریالیسم که تحت لوای مارکسیسم - لنینیسم چنین مسئله ای را ابراز میدارند، در واقع دیدگاه ضد تکاملی خود را به نمایش میگذارند. کسی که ترک از تاریخ جوامع بشری، تاریخ مبارزات طبقاتی یا عده وقتی سخنان طرفداران تر "سوسیال امپریالیسم" را می شنود که نظام سرمایه داری با کودتای غروسیف مستقر گردید (!) نمیتواند به غیر علمی بودن این نظر به دیده تحقیر نگردد. اصولاً ترك آنها از سوسیالیسم نه بر شمار رشد نیروهای مولده، دگرگونی مناسبات تولیدی و تسلط قدرت سیاسی پرولتاریا و روابط دیالکتیکی این دو با یکدیگر، بلکه بر مبنای عنصر سیاسی و رهبری استوار است. آنها سوسیالیسم را نه زائیده شرایط عمیق و نمره ناه کارگران و زحمتکشان، بلکه زائیده لیاقت و نجیگی رهبران سیاسی میدانند. از اینروست که آنها از سوسیالیسم لنین و استالین در مقابل

"سوسیال امپریالیسم غروسیف" نام میبرند (بیکار تئوریک - سیاسی ۲ - صفحه ۲۴۲). بزعم آنها اگر لنین و استالین در رهبری قرار گیرنده جامعه سوسیالیستی است، اما اگر غروسیف بقدرت برسد جامعه سرمایه داری میشود! حال نقش طبقه کارگر و توده ها در این میان چیست. به آن ابتدا اشاره ای نمیشود. البته ما متکسر نقش ارزنده لنین، استالین و حزب کمونیست شوروی در پروسه استقرار سوسیالیسم در شوروی نیستیم. با اینحال انقلاب سوسیالیستی را در درجه اول نتیجه شرایط عینی و کار توده ها میدانیم.

"تحقیقات علمی"

دام رویزیونیسم

سازمان بیکار و حزب کار آلبانی و دیگر معتقدان به تئوری ارتجاعی سوسیال امپریالیسم عملاً در استدلالشان از این حد نمیتوانند فراتر روند: "تسلط رویزیونیسم یعنی احیای سرمایه داری! رفقای بیکار که واقعیات را مخالف پندارهای خود می بینند، متکسر تحقیقات علمی میشوند و به هر که برای اثبات پوچی نظریه احیای سرمایه داری در شوروی از فاکت و آمار عینی استفاده میکنند بدو بپرا میگویند. برای آنکه عمق انحراف آنها را بشکافیم، این مسئله را عیناً از آنها نقل میکنیم: "برای کسی که در برخورد به مسئله سوسیال امپریالیسم از يك متد دیالکتیکی پیروی کند و نه از عیوه بویزیونیستی، برای چنین کسی (جرمانی) غری شدن در تحقیقات علمی جامع الاثراف حول واقعیات جامعه شوروی در شرایط حاضر به مفهوم افتادن به دام رویزیونیستها و ضلوع - لاج شدن در مقابل تهاجم ایدئولوژیکی

آنهاست. باید نهد خود با فرا گرفتن يك حد اقل مبانی تئوریک این تئوری - مارکسیستی به آن معتقد شد و سپس آنرا در میان توده ها تبلیغ نمایم... (بیکار تئوریک - سیاسی ۲ - صفحه ۲۴۱). در حقیقت رفقای بیکار به شیوه ایده آلیست های منعی و ممتین از هواداران خود میخواهند که بدون چون و چرا کردن و تحقیق علمی به تئوری سوسیال امپریالیسم "ایمان" بیاورند و سپس آنرا در میان توده ها تبلیغ کنند! از این مدعیان مارکسیسم می پرسیم که آیا متد دیالکتیکی میگوید که برای شناخت پدیده ها آنها را باید بو کنید؟! با اینکه پدیده ها را باید بر اساس واقعیات و اطلاعات موجود در باره آنها تحلیل کرد؟! رفقا حق دارند که ضمنی خود را با تحقیقات علمی و آمار آشکار کننده زیرا واقعیات موجود در بناره - اردوگاه سوسیالیسم بحر متد - "دیالکتیکی" آنها را باطل میسازد! آنها حق دارند که نسبت باچه شوند و هواداران خود را از ترك درست و علمی در مورد مسئله شوروی برحذر دارند زیرا واقعیات دید آنها را هر روز نسبت به مسائل روشن تر میکند.

رفقای بیکار همچنین سعی می کنند با تعریف واقعیات، از مارکس، انگلس و لنین آنارشیستهای متعارفی چون خود بسازند. آنها اینطور وانمود میسازند که مارکس و لنین به انحرافات رویزیونیستی تنها از دیدگاه طبقاتی برخورد میکردند و تحقیقات علمی را برای ایزوله کردن این انحرافات لازم نمی شمردند! بیکار چند صفحه را به بحث در باره کتاب "ماتریا - لیسم و امپریالیسم لنین و نقش

آن در مبارزه با انحرافات مائستی (۱) درون جنبش سوسیال دمکراسی روسیه و اختصاص میدهد. جان کلام آنها این است که لنین "هرگز از يك زاویه معرفتی و آکادمیک به ظهور پدیده مائیسیم و انحلال طلبی برخوردار نمیکرد. بلکه آنها نتیجه يك جریان طبقاتی میدانست" (بیکار تشویریک - سیاسی ۲، صفحه ۳۳۴). قسمت دوم این عبارت کاملاً درست است. ما با رفقای بیکار کاملاً موافقم که مائیسیم و انحلال طلبی نتیجه يك جریان طبقاتی است. اما قسمت اول این عبارت که مدعی میشود که لنین هرگز از زاویه معرفتی و آکادمیک به ظهور پدیده مائیسیم و انحلال طلبی برخوردار نمیکرد. تعریف لنینیسم است. بیکار این حقیقت را کتمان میکند که لنین دست به تحقیق علمی نامنه داری در مورد مائیسیم زد. منتها تحقیقات علمی او (بزم بیکار "تحقیقات آکادمیک") از موضع بیکار مارکسیست بود. خود وی در مقدمه کتاب "مائیسیم و امپریوکریسیسم" میگوید: "من نیز چوپندهای در فلسفه هستم. بدین معنی که خود را موظف کردم در این یادداشتها بیاپی که افرادی تحت نام مارکسیسم این چیزهای مغشوفه سردرگم و ارتجاعی را بشورند ما میهند. ادکالغان در کجاست"

۱- ارنست ماخه فیزیکدان و فیلسوف آلمانی و مشهورترین نماینده امپریوکریسیسم معتقد بود که آنچه برای انسان قابل شناخت و استناد است فقط احساس است. او مائیسیم را سرزنش میکرد که چیزی تصور ناپذیر و ناشناخته، یعنی "ماده" و عیسی فی نفسه را قبول دارند.

(صفحه ۲- ترجمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران). (ماید رفقای بیکار متوقع هستند که برای رد فلسفه ایدئو-آلمستی مائیسیم مریباست از آمار و ارقام استفاده کرد (۲) اما علمبرگم انحصاری رفقای بیکار. لنین برای اثبات ماهیت اقتصادی امپریالیسم دست به تحقیقات علمی نامنه داری زد و اکثر اطلاعات خود را از مطبوعات و آمارهای بورژوازی - بدست آورد. وی در بحرانی ترین لحظات جنگ جهانی اول و مدت زیادی از وقت خود را به این کار اختصاص داد. انگلس نیز دست به تحقیقات علمی مفصلی زده تا اثرات انحرافی فلسفه عصر مارکسیسم چون اوگن دورنیک را بر جنبش سوسیال دمکراسی آلمان بزداید. برای اینکار انگلس تحقیقات علمی جامع را در مورد فلسفه و علوم طبیعی و علوم اجتماعی و اقتصاد بعمل آورد. وی خود نیز مقصد آنرا دورینگر در این مورد میگوید: "... بنا بر این ضروری بود که در رابطه با این سیستم مورد بررسی قرار گیرد و با انجام این عمل خود سیستم بررسی شود. گناه از من نیست که مجبور شده ام آقای دورینگر را در لحروها تعجب کنم که در بهترین حالت، تنها میتوانم بگویم که در آنها مبتدی هستم ... در موارد دیگر مسئله حول نظرات عمومی مربوط به تئوری علوم طبیعی بوده است. یعنی عرجه ای که در آن حتی محقق علمی حرفه ای نیز مجبور است که از حوزه تحقیق خود فراتر رود و به قلمرو مجاور دست اندازی کند ... (آنتی دورینگر، صفحه ۷۵) - (فاکهد از ماست) درک علمی و بدوی از مارکسیسم، بیکار را به آنجا میکشاند که هرگونه تحقیق و شناخت علمی را واگذار

به بورژوازی کند. غیره این مارکسیست ها هستند که شناخت واقعی از پدیده های مختلف را ارائه میهند. تفاوت محققان مارکسیست و محققان بورژوازی این است که محققان مارکسیست معرفت و شناخت پدیده ها را به خدمت مبارزه طبقاتی و تکامل اجتماع برمی آورند. درحقیقت اینهمه تلاش ناموفق برای تحقیر تحقیقات علمی و شناخت علمی، به خاطر آن است که بیکار همچون دیگر منافعان تئوری - سوسیال امپریالیسم از ارائه يك تحلیل اقتصادی مارکسیستی جامع در مورد شوروی عاجز است.

بیکار تشویریک شماره ۲ مرتب تکرار میکند که اقتصاد انحصاری دولتی شوروی مشخصات پنجگانه امپریالیسم را بطور اساسی با خود حمل نمیکند. بدون آنکه کوچکترین سندی را در اثبات این ادعا ارائه دهد. بیکار همچنین ادعا میکند که وجود آفات جامعه سرمایه داری چون تئوری بیکاری، فقره، فصل، بیم طلی و غیره در شوروی امری بدیهی و آشکار است. ممکن است این مسائل به رفقای بیکار وحی عده باعد ولی برای کسانی که میخواهند تحلیل خود را بر اساس واقعیات عینی بگذارند، هیچ هم آشکار نیست. بسیاری از آمارهای "آلبانی امروز" شماره ۵ که آنقدر رفقای بیکار سنگ آنها را به سینه میزنند آمارهای تحریف شده و مغشوف است. برای مثال "آلبانی امروز" شماره ۵ مدعی میشود که "در سالهای ۷۵-۷۶ رقم مالانه متوسط رشد درآمد ملی ۲/۱ برابر کمتر از دوره ۱۹۴۵-۱۹۴۹ است. رقم تولید صنعتی دو برابر کمتر و تولید کشاورزی ۲/۲ برابر" (صفحه ۲۳-۲۴). علمی خوب

بود که حزب کار آلبانی میگفت که این آمارها را از کجا آورده است؟! ما در اینجا سعی میکنیم تا بسی پایه بودن این آمارها را که سازمان بهیکار بطور سطحی بدان استناد کرده است را روشن کنیم. برطبق شاخص عمومی فعالیت صنعتی سازمان ملل که بر اساس طبقه بندی استاندارد صنعتی بین المللی بنا شده است و رشد صنعتی و اقتصادی کشورها را با هم مقایسه میکند، کشورهای مختلف را بدون توجه به نوسانات ارزهای کشورهای امپریالیستی میسورد مقایسه قرار میدهد. تولید صنعتی شوروی بدون کوچکترین وقفه ای (حتی در یک سال) ناشی از افزایش یافته است. بر مبنای شاخص ۱۰۰ در سال ۱۹۶۰، رشد صنعتی شوروی از ۳۱/۸ در سال ۱۹۵۴ به ۱۵۹ در سال ۱۹۷۷ رسیده است. همچنین در حالیکه رشد صنعتی کشور سرمایه داری پیشرفته ای چون آمریکا بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ تنها ۲ برابر شده، تولید صنعتی شوروی به برخلاف گزافه گوئیهای مجله "آلبانی امروز" و بهیکار تئوریک ۲ در همین مدت ۳/۶ برابر شده است (سالنامه آماری سازمان ملل - صفحات ۱۷۲-۱۶۰ - ۱۹۷۸). گذشته از این، مقایسه شاخص تولید صنعتی بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۷ بین ۵ کشور امپریالیستی آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و ژاپن و پنج کشور سوسیالیستی شوروی، چکسلواکی، آلمان شرقی، بلغارستان و رومانی، دقیقاً نشان میدهد که در حالیکه بحران جهان امپریالیسم در سالهای ۷۰-۱۹۷۴ بدون استثنای رشد تولیدی صنعتی کشورهای امپریالیستی را بطور متوسط به میزان

کشورهای امپریالیستی	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	۱۹۶۸
۱- آمریکا	۱۲۹	۱۲۰	۱۰۹	۱۲۰	۱۲۰	۱۱۳	۱۰۲	۹۹	۷۱	۶۱
۲- آلمان فدرال	۱۱۶	۱۱۴	۱۰۵	۱۱۱	۱۱۲	۱۰۶	۱۰۲	۸۲	۶۸	۵۹
۳- انگلستان	۱۰۶	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۵	۱۱۰	۱۰۲	۱۰۰	۹۷	۸۰	۷۷
۴- فرانسه	۱۲۶	۱۲۴	۱۱۴	۱۲۳	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۴	۸۵	۶۹	۵۹
۵- ژاپن	۱۲۷	۱۲۲	۱۱۰	۱۲۲	۱۲۷	۱۱۰	۱۰۳	۷۶	۴۱	۳۸
کشورهای سوسیالیستی										
۱- شوروی	۱۵۹	۱۵۰	۱۴۳	۱۳۳	۱۳۳	۱۱۵	۱۰۸	۸۶	۵۷	۴۴
۲- چکسلواکی	۱۵۴	۱۴۶	۱۳۸	۱۲۹	۱۲۲	۱۱۴	۱۰۷	۸۸	۶۴	۵۶
۳- آلمان شرقی	۱۵۲	۱۴۵	۱۳۷	۱۲۹	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۶	۸۸	۶۴	۵۵
۴- بلغارستان	۱۷۵	۱۶۴	۱۵۴	۱۴۰	۱۳۰	۱۱۶	۱۰۹	۸۳	۴۷	۳۴
۵- رومانی	۳۳۰	۳۰۵	۲۸۴	۲۶۴	۲۴۳	۱۷۵	۱۱۲	۸۶	۴۴	۳۰

جدول شماره ۱- مقایسه شاخص عمومی رشد صنعتی پنج کشور امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی

۱۹۷۰ = ۱۰۰

منبع: Statistical Yearbook, 1978. United Nations, New York, 1979, P. 160-172.

هیچگونه جوابی ندارند مگر اینکه با در تحت آمار سازمان ملل شک کنند و بگویند که "سوسال امپریالیست" های روسی (!) محققان سازمان ملل را با رشوه تطمیع کرده اند، با اینکه به تازگی ارتجاعی و ورشکسته "سه جهان" متوسل شوند که میگویند "سوسال امپریالیسم" شوروی برخلاف امپریالیسم آمریکا که فرتوت و رو به زوال است، "امپریالیسم" جوان و رو به رشد است! نادریست و مفرطانه بودن آمار مجله "آلبانی امروز" در مورد کاهش ۲/۷ درصد تولید کتا ورزی در شوروی نسبت به سالهای قبیل از ۱۹۵۳ (همانطوریکه در جدول فوق نیز مشاهده میشود) آنگذر روشن است که احتیاج به بحث ندارد. علمبرغم آنکه هنوز کتا ورزی نقطه ضعف

۱۵ درصد کاهش داده است، کشورهای سوسیالیستی در این مدت خارج از مدار بحران اقتصادی کشورهای امپریالیستی بدون استثنای رشد بی وقفه داشته اند. رشد متوسط تولید صنعتی کشورهای سوسیالیستی مذکور در سالهای بحرانی ۷۰-۱۹۷۴ ۶۴ درصد بوده است. (رجوع شود به جدول شماره ۱). اگر تعریف لنمن را در مورد امپریالیسم و خصوصیت جهانی آن قبول کنیم، چگونه وقتی بحران جهان امپریالیسم همه کشورهای امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای تحت السطه را فرا میگردد، کشورهای اردوگاه "سوسال-امپریالیسم" (!) نه تنها از این بحران متاثر نمیشوند، بلکه رشد هم میکنند؟! رفقای بهیکار برای این سؤال

ایران - ۱۳۶۱

بقیه از صفحه ۱۹

اسلامی به محاصره بهمنگران فدائی بر -
 مهاجرتی تمنازی از مزدوران بهلاکت میروند
 و معاون نایره سیاسی امینولوزیک یکی از
 پایگاههای رژیم در کرستان بهمراه ۲ تن
 اسیر میشوند. نیروهای کمکی رژیم میروند
 در درگیری مجدد ۳۰۰۰ پاسدار و ارتشیه
 ۶۵ دستگاه خودروی نظامی و ۴۰۰ در محله
 حضور پیدا میکنند ۱۵۶ تن از مزدوران
 کشته و مدها تن دیگر زخمی میشوند.

در این نبرد قهرمانانه ۱۰ بهمنسنگ
 فدائی بشهات میروند. بغیر از یک زخمی و
 بغیر رفقا تیکه در این عملیات شرکت داشتند
 سالم به پایگاه خود بازگشتند.

در جریان حمله مزدوران جمهوری اسلامی
 به تظاهرات نیروهای مترقی در مانیل
 فیلیپین، اسفندپار رحیمی طاقانکی معاون دار
 سازمان مجاهدین خلق ایران، بشهات رسید.

XXXXXXXXXXXX

سازمان طلبا طلبانی و بجرم حمل تریاک در
 دادگاه به ۳ سال زندان محکوم شد. وی -
 هنگام محاکمه، آلمان را به قصد تهران ترک
 کرده بود.

۱۱ اسفنده ساعت ۶/۵ صبح ۴۰ نفر
 اهالی دو روستای یونس علی و کهریزه مشکاکان
 اکرستان، در نزدیکی نغده بدست جانان رژیم
 ارتجاعی جمهوری اسلامی قتل عام شدند.

ترکیه در بحران

بقیه از صفحه ۴۵

این موقعیت انقلابی میدانده وی تا کسود
 میکند که مبارزه طبقاتی کنونی بین -
 بورژوازی و طبقه کارگر بطور ساده به
 سوسیالیسم نمیانجامد در ارزیابی نهایی
 عوامل اساسی مانند سازماندهی رهبری
 حزب (رهبری سیاسی) و اتحاد طبقاتی را
 تعیین کننده میداند.

کنفرانس مسائل زنان بقعه از

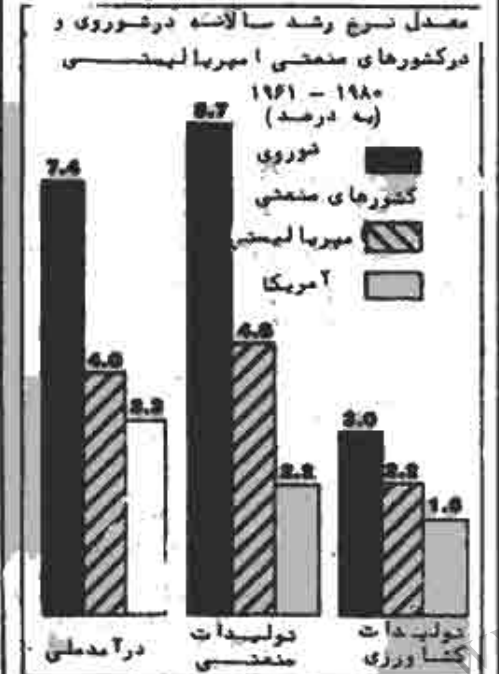
ناوال مصیدی (NAVAL SAADY) از مصر،
 ایزابل لیتلیر (ISABEL LITELIER) از شیلی
 کایاتری اسپواک (KAYATRI SEIVAK) از هند،
 مکتالپولا چاباکو (MOTLALEPULA CHABAKO)
 از آفریقای جنوبی، گوادالوپ گونزالس
 (GUADALUPE GONZALEZ) از السالوادور، جیلده
 اولیوسی از مراکش، بل هوکس (BELL HOOKS)
 از سیاهپوستان آمریکا، آیرین مک (ERENE
 MACK) از سرخپوستان آمریکا و ... از -
 سخنرانان اصلی کنفرانس بودند، لذا جو غالب
 در کنفرانس آکادمیکی و فمینیستی (به مفهوم
 متداول و غیر طبقاتی آن) نبوده، جنبه های
 مبارزاتی و آموزشی کنفرانس از دیدگاه های
 علمی و عمدتاً سوسیالیستی بسیار بارز و
 موفق بود.

کنفرانس با حضور چند قطعه نامه بکار خود
 پایان داد. از جمله طی قطعه نامه ای سیاستهای
 مردسالارانه و فمینیستین بغایت ارتجاعی رژیم
 جمهوری اسلامی در مورد زنان با فکتر ۱۲ مورد
 مشخص شد. کنفرانس همچنین
 دیدگاه های نظامی پاکستان را نیز که اخیراً
 به پیروی از رژیم فمینیستی توانستی مشابه مواد
 لایحه قضایی بر علیه زنان تدوین کرده است
 محکوم نمود. قطعه نامه های نیز علیه دولت
 اسرائیل، خاصه جنایات اخیرش در ساحل غربی
 رود اردن، دعواتها و نقش امپریالیسم
 آمریکا در آمریکا مرکزی بخصوص السالوادور

هرچند که این بغیر آخر را بربر او فسلو
 بصورت نا کامل رها میکند و بنظر میرسد که
 اطلاعات جامعی از احزاب انقلابی ترکیه -
 فعالیتهای و تحلیل های آنها ندارد و لسی
 من مطالعه این کتاب را به کسانی که تمایل
 دارند با اوضاع اجتماعی - اقتصادی و
 تاریخ سیاسی ترکیه در عصر جدید آشنا شوند
 توصیه میکنم. البته آنهایی که از اوضاع
 و شرایط ترکیه اطلاعات جامعی دارند نیز
 باید کتاب را مطالعه کنند و بربر او فسلو را
 در زمینه های مورد اختلاف مثل ماهیت دولت
 عثمانی، اقتصاد سیاسی دوره «کمال» و -
 همچنین موقعیت سیاسی کنونی به تقابل
 بطلبند.

و نیکارا گوته، رژیم نوا امپریالیسم آفریقای
 جنوبی و جنایات علیه امضاء کننده ملی
 آفریقا، سیاستهای امپریالیسم آمریکا علیه
 سرخپوستان آمریکا و ... با اکثریت آرا
 به تصویب رسید. سخنرانی ها و مباحثات این
 کنفرانس در آینده طی چند چند کتاب انتشار
 خواهد یافت.

تقدیمی بر تنوری سوسیال امپریالیسم



چنانچه بطوریکه نمودار رفوی نشان میدهد نرخ رشد
 اقتصاد شوروی بطور قابل توجهی نسبت به آمریکا
 (رشدیافته ترین کشور امپریالیستی) بیشتر
 داشته است منبع:

FRONTLINE, A Line of March Publication,
 Special Pilot Issue, April 11, 1983.

اقتصاد شوروی است و ولی همه محققان
 بورژوا متفقاً معتقدند که کشاورزی فعلی
 شوروی نسبت به سالهای قبل از ۱۹۵۳ از
 رشد چشمگیری برخوردار بوده است و
 وضع دهقانان نیز بهتر شده است از سال
 ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۶۷ درآمد کل دهقانان
 بهیاز دو برابر شده است. این در حالی
 است که تعداد کارگران کشاورزی در این
 مدت ۶۰ درصد کاهش یافته است.

1. Jerry Karez. From Stalin to Brezhnev:
 Soviet Agricultural Policy in Historical
 Perspective. In J.R. Miller (ed.) The
 Soviet Rural Community.

اجامه نایرد

امریکا و سران جمهوری اسلامی در مقطع قیام بهمن ۵۷

خاطرات ویلیام سولیوان سفیر سابق آمریکا در ایران ۲۱

آمریکا برگشته بود. الهوت قبلا بمنوان
معاون اقتصادی در تهران خدمت کرده و -
فارسی را روان حرف میزد ... و ... او
برای این مأموریت عالی بود و از اینکه
قادر خواهد بود با آیت الله وارد مذاکرات
مثبت بشود احساس راحتی میکردم.

۲۲- بمناسبت اینکهد مقدمات آماده شده بمن
مشور دادند که شاه را در جریان امر قرار
دهم. درحالیکه درمورد اینکه شاه در این
مورد حق و تقو دارد هیچ اشاره ای نشده بود
این فرصت به او داده میشد که اگر مخالفتی
دارد ابراز کند. وقتی شاه را دیدم جریان
اقدامات انجام شده را با او در میان نهادم.
با جدیت و بدون علاقه گویش میداد. در حال
هیچ مخالفتی ابراز نکرد و فقط خواست که
در جریان نتیجه مأموریت الهوت قرار گیرد.
این اطلاعات را به واشنگتن مخابره کردم.
بمن اطلاع دادند که الهوت در ششم ژانویه
باز می آید خواهد شد.

۲۸- بعد از ماههایی توجیهی در مورد مذاکرات
تومان با واشنگتن جوابی به تلگراف مهم
نهم نوا میبرم داده نشده بوده این سرعت
عمل و این گزاینه جدید امیدوار کننده بود.
میدانستم که سایر روس و منی بیشتر اوقات
ماههای نوامبر و دسامبر را درگیر مسافرتها
مربوط به کمپ میبوید بوده و نتوان با -
سائل ایران قطع شده است. از این رو این
توجه جدید به مسائل ایران را ناشی از
بازگشت او به واشنگتن میدانستم. بعضی
از اعضا سفارت که محرم این تبادل نظرها
بودند اعتقاد داشتند که این واقعیت
جدید نتیجه کنفرانس گوادلوپ بود که
اخیرا به کار خود پایان داده است.

در این کنفرانس رئیس جمهورهای فرانسه و

مطلب زیر تلخیصی است از کلمات مأموریت در ایران نوشته ویلیام سولیوان سفیر سابق آمریکا
در ایران. بعضی است که جای این نوشته مشابه فمدمسیر نشان دادن ماعت ارتجاعی
سودمند از رژیم جمهوری اسلامی و رد و پندهای آنرا با امیرالایم T آمریکا در زمانیکه قیام
شده ها کل موجودیت سیستم سرمایه داری را با خطر انداخته بود. می باشد. و گرنه هم ماعت
خدا علی سولیوان این سوره دوران تدبیر امیرالایم و هم ماعت ارتجاعی سودمند از رژیم
جمهوری اسلامی برای هنگام روشن است. همچنین پرواضح است که سولیوان برای دفاع از
منافع امیرالایم و توسعه سیاست های ارتجاعی خود بسیاری از مسائل را ذکر کرده
جلوه داده است. بنا بر این ماطالسی را از کتاب او برگزیده ایم که حتی امکان خالی از
اینگونه تحریفات باشد. چرا که سولیوان در این بخش ها همیشه مرتجعینی چون کارت
و برزسکی را سبزه کرده اند. و در رد سیاست آتشیانه دفاع از راه حل های خود پندارنده
است.

۳۳- با توجه به توصیه های من مبنی بر اینکه
منافع آمریکا در حفظ ارتعاسته این
موضوع (عروج انصران عالی رتبه از ایران
بدون هیچگونه ممانعت) امیدوار کننده بنظر
میرسید. مقاله هنوز مطمئن نبودم که
نظریات نهضت آزادی همان نظریات آیت الله
خمینی و همکارانش در پاریس باشد. من
نگران این بودم که میان وقتی که آیت -
الله به ایران برگشت با استفاده از نفوذ
علمیه قرار داند ما با نهضت آزادی جهت
حفظ ارتع (و متوقف کردن انقلاب - مترجم)
مردم را به خیابان ها بریزد (بعنا معلوم
شد که این نگرانی بی مورد بوده است زیرا
آیت الله کاملا با فتوای خود انقلاب توده -
ها را در نیمه راه متوقف کرد - مترجم)
۳۴- بهمین دلیل توصیه کردم که دولت -
آمریکا مأمور عالی رتبه ای را جهت مذاکره
مستقیم با خمینی به پاریس بفرستد. نمودم
را بخاطر رابطه نزدیک با شاه و اینکه
ترک ایران در آن موقعیت عاقلانه نبوده از
این مأموریت مستثنی کردم. در مورد این
پیشنهاد تلفنی با سایر روس و منی وزیر خارجه

۳۵- ...
۳۶- کسی که برای اینکار در نظر گرفته
شده بود تئودور ال. الهوت. با زور کل
سرویس خارجی بود. او بعد از چهار سال
سفر کبیری در افغانستان، اخیرا به

آمریکا و نخست وزیر ژاپن و صدر اعظم آلمان غربی حرکت نامعتمدی یکی از کارمندان سفارت معتقد بود که این رهبران برزیدند کارتر را متقاعد کرده بودند که ماه رفتنی است و بهتر است ترتیباتی ناده شود که منافع حیاتی جهان غرب در این منطقه حفظ بماند. کارتر و برزیسکی بعد از اتمام کنفرانس برای ماهگیری در کارائیب میانی ماندند. بنظر من چنین میماند که جزئیات برنامه ایران را به مایروس و نس و انگار کرده بودند.

۲۹- هیچ امری نمیتوانست بهتر از خبر لغو ماموریت الموت من را متمجب و متعجب کند. حوالی صبح بود که نگهبان از خواب بیدارم کرد و تلگرافی بیختم نداد. ماموریت الموت لغو شده بود. بایستی به شاه اطلاع میدادم که ما دیگر قصد نداریم با خمینی مذاکره کنیم. هیچ توضیحی در مورد لغو این ماموریت ناده نشده بود. بمن گفته شد که رئیس جمهور این تصمیم را گرفته و شما از منظر نظری نتوانسته بودید.

۳۰- بهام تند و کوتاهی مینی برای من که رئیس جمهور مرتکب خطای بزرگی شده است و لغو ماموریت الموت خطای غیرقابل جبران است به مایروس و نس فرستادم و تشویق کردم که این تصمیم رد شده و ماموریت الموت از سر گرفته شود. سپس به رختخواب برگشتم و لسی املا خواهم نبرد.

۳۱- صبح جواب بهام را دریافت ساختم. در این پاسخ گفته میشد که نه تنها رئیس جمهور بلکه معاون او و وزیران خارجه و دفاع و خزانه ناریه رئیسها و مشاور امنیت ملی همه با هم با لغو ماموریت الموت موافقت کرده اند. سپس به من دستور داده شده بود که مطابق دستورات قبلی عمل

کنم. بر این اساس به کاخ شاه تلفن کرده و تقاضای ملاقات کردم. تقاضایم فوری پذیرفته شد و عازم کاخ شدم.

۳۲- آنطور که من میدانم، حکومت آمریکا در مقابل وضعیت ایران هیچگونه سیاستی نداشت به اعتقاد من سقوط شاه اجتناب ناپذیر بود و اگر همین نیروهای اسلامی و قوای مسلح سازمانی صورت نمیگرفت وقوع یک انفجار (انقلاب راستین) نودای - مترجم) حتمی بود. تا این مرحله در مورد تخلیه آمریکائی ها من خیلی ملایم حرکت کرده بودم اما دستور بودم که با انتقال آرام حکومت (از شاه به روحانیت - مترجم) وجود آمریکائی ها در ایران قابل تحمل بوده و بدون تلفات باعد.

۳۳- کاملاً اطمینان نداختم که عکس العمل شاه در مقابل لغو ماموریت الموت چه خواهد بود. در آن صبح او بهش از معمول عیبانی و تشریح بود. بنظر میرسید که اصلاحخواه بوده و حوادث محاصره اش کرده بودند. ...

۳۴- وقتی جریان را با او در میان نهادم و تشریح شده و پرسید چرا ماموریت الموت - لغو شد؟ جواب دادم هیچ اطلاعی ندارم.

سپس سوال کرد که بدون تماس با آیزنهاوس چگونه میتوان آنها را تحت نفوذ قرار داد؟ و سپس اضافه کرد حالا میخواهد چکار کنید؟ هیچ جوابی نداختم.

۳۵- مطالعه اتوبیوگرافی شاه نشان میدهد که شاه تا این موقع فکر نمیکرده است که آمریکا قصد دارد کشور و شاید به نوعی سلسله او را حفظ کند. بر این اساس او آماده بود

که بخاطر هدف بزرگتر (حفظ سلطنت و منافع امپریالیسم آمریکا و حرکت - مترجم) عضا گفتنیهای میکند. اکنون ناگهان بر او مسلم شد که آمریکا هیچ طرحی نداشته و اقدامات آمریکا ناشی از منطقی نیست. آن روز هم برای شاه و هم برای من روز بدی بود.

۳۶- از کاخ به سفارت برگشتم و شرح ملاقاتم با شاه را به واعظگنن مطایره کردم. سپس مامورانی را که مسئول حفاظت و تسلیح آمریکائی های منعم ایران بودم حاضر کردم. بیشتر اوقات آنروز صرف تهیه تدارکات و برنامه ریزی جهت تخلیه آمریکائی ها شد. ...

فصل ۲۲ - ماموریت ژنرال هویزر

۱- بلافاصله بدنبال این حوادث به از طرف واعظگنن مطلع شدم که هلزینگر وزیر نیروی ممکن است از ایران بفرار کند. بفرار او ظاهراً برای بحث بهرامون مسئله نفت بود.



از این خبر حتمی شدم بخاطر اینکه ایران در موقعیتی نبود که راجع به این مسائل بحث و گفتگو کند. ولی بهر حال از اینکه هلزینگر را خواهیم دید خوشحال شدم چون او دوست قدیمی من بود و نظریات او برایم قابل احترام بود. حس کردم که یک دید واقعی از آنچه را که ما با آن روبرو بودیم به

امریکا و

میران جمهوری اسلامی ...

واحدگتن خواهد برد. بعدا مطلع عدم که او به ایران نخواهد آمد و جریان را فراموش کرد.

۲- شب دوم و انوبه، ژنرال هیک تلفنی بمن اطلاع داد که طبق اطلاعاتی که از واحدگتن دریافت کرده، قرار است معاون او، ناچ -

هویزره به منظور آرام کردن نیروهای مسلح به ایران بیاید. مطابق برداشت هیک -

گزارشات ما در مورد ناآرامی در نیروهای مسلح بخاطر عزیمت شاه و واحدگتن را برآن ناعته که از هویزره بخواهد به تهران بیاید تا قدرت را از شاه به اختیار انتقال دهد.

۳- هیک بمن گفت که او عمدتا مخالف چنین ماموریتی است و بنظر او هویزره مناسب چنین ماموریتی نیست. سپس اقامه داد که واحدگتن را از نظر خود مطلع خواهد کرد و از من نیز خواست که عین همین عمل را انجام

دهم. وی در ضمن متذکر شد که در صورتی که واحدگتن با نظر او موافقت نکند استعفا خواهد داد.

۴- به هیک گفتم از جریان فرستادن هویزره به ایران من کاملا بی اطلاع هستم. منتسی من نیز مانند واحدگتن نگران ناآرامی درون نیروهای مسلح میباشم. من مطمئن

نبودم که هویزره با آمدن به ایران بتواند کاری از پیش ببرده ولی احساس میکردم که او از اعتماد کلیه افسران عالیرتبه ارتش برخوردار است و خیلی بهتر از یک افسر

دو ستاره رتبه (MAAG) میتواند از موضع آنها در جریان کنونی اطلاع یابد. برنتیجه من به اندازه هیک مخالف این جریان نبودم.

فکر کردم بهتر است قبل از اینکه با این جریان مخالفت نمایم منتظر اطلاع رسمی در

مورد ماهیت این ماموریت باشم. از هیک خواستم من را در جریان اوضاع بگذارد و او نیز موافقت کرد. روز بعد او از طریق تلفن به من اطلاع داد که آمدن هویزره به

ایران تصویب شده و از او خواسته شده که به ایران بیاید. وی همچنین متذکر شد که تا یک ساعت دیگر تمدن دارد استعفا خود را

از فرماندهی ناتو اعلام نماید.

۵- در وقت همان روز بوسیله معاون وزیر خارجه (نیوسام) از ماموریت هویزره به ایران مطلع عدم. او بمن گفت که وزیر امور خارجه عقیده دارد که مخالفت من تنها کار

او را مشکل تر خواهد کرد. به نیوسام گفتم که گرچه برای من روشن نیست که هویزره چه اهدافی برسر دارد ولی برای او

بمنوان یک شخص احترام زیاد فائل بوده و هیچگونه مخالفتی با سفرش به تهران ابراز نخواهم کرد. گفتم که این سفر کاملا

مهم بوده و هویزره بایستی بطور مطلق وارد خود. او با این نظر موافقت کرد و گفت که این نکات را به واحدگتن متذکر خواهد شد.

۶- روز بعد هویزره با لباس شخصی و با هواپیمای باری ۳۷ که برای ماموریت نظامی محموله حمل میکرد وارد تهران شد. او بعالت گنجی به اقامتگاه ما آمده مسئله

اصلی که ذهن او را مشغول مبادعت استعفای هیک بود. او بطور خصوصی بمن گفت که صرفا ماموریت تهران موجب استعفای هیک نشده، بلکه عواملی چند از قبل جمع شده بودند

که منجر به استعفای او شد. یکی از این عوامل بی ثباتی سیاست کارتر در مورد سیاستهای ناتو بود که هیک نمیتوانست

تعمل کند.

۷- هویزره دستوراتی را که به او داده -

بودند بمن نشان داد و گفت در طول سفری چندین بار آنها را مرور کرده است مطابق این دستورات او بایستی با افسران ارتش

ارتش ملاقات کرده، به آنان اطمینان بدهد که حمایت لجستیکی آمریکا ادامه خواهد یافت و همچنین از آنان بخواهد که

یکپارچگی نیروهای مسلح را در شرایط حاد بعد از خروج شاه و انتقال قدرت بنده اختیار حفظ کنند.

۸- ... قرار بر این شد که هویزره اوقاتش را با افسران ایرانی و رئیس (MAAG) و افسران و کارمندان خود صرف کند و من

اوقاتم را در سفارتخانه، قصر شاه و نقاط شهر که قرار ناعتم بگنرانم و شب برای -

عام دور هم جمع شده و مبادله اطلاعات تعانیم. بعد از تمام هم می باید با دو

تلفن امن با واحدگتن تماس گرفته، نتیجه کارمان را گزارش دهیم. من بایستی با -

نیوسام و با سائرز معاون وزارت خارجه و هویزره با دیوید جونز JOINT CHIEF OF STAFF

با هارولد براون، وزیر دفاع تماس میگرفتم. بعد از این تلفن ها مجددا باید

دور هم جمع شده دستورات دریافتی را مقایسه کرده و ببینیم که واحدگتن واقعا چه برنامه ای دارد. گاهی اوقات چنین

احساس میکردیم که با دو شهرکاملا جداگانه صحبت کرده ایم.

۱۰- ضمنا تهران شاهد تغییرات سیاسی بریمی بود. بالخره شاه مطابق قانون -

اساسی ترتیبات انتقال قدرت به اختیار را داد. مناظرات قلبی نمایندگان و ستاژورها ادامه ناعته، شورای سلطنت انتخاب شده بود و همه چیز برای انتقال قدرت آماده بود.



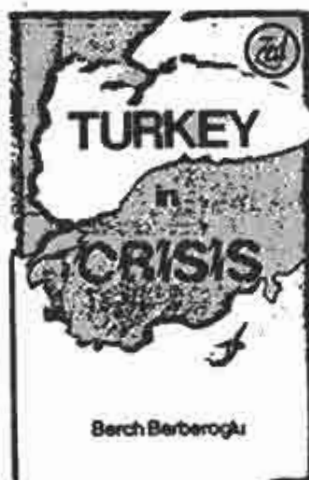
۱۱- در این ایام بهاسی از واغنگن -
 دریافت کردم مبنی بر اینکه به شاه بگویم
 که هم بشفع او و هم بشفع ایران است که
 مملکت را ترک کند. انتقال چنین بهاسی
 توسط یک سفیر به رئیس یک کشور کار ساده‌ای
 نیست. اما در چند ماه گذشته بخاطر تحول
 شرایط و روابط من با شاه طوری شده بود که
 این امر غیرعادی نبود. بهاسی را تا آنجا
 که مقدور بود بطور بسیار ملایم و ساده
 به شاه گفتم. او در حالیکه گوش می‌داد
 دستش را بحالت استغاثه بسویم تراز کرد و
 گفت: "بله ولی یکجا بروم؟"
 ۱۲- من در این مورد هیچ استوری نداشتیم.
 از اینرو در جواب این سؤال گفتم هیچ
 راهنمایی نمیتوانم بکنم ولی "قامتگا -
 هتان در سوئیس چطور است؟" شاه بلافاصله
 این پیشنهاد را رد کرد و گفت که امنیت
 سوئیس خوب نیست. سپس ادامه داد که "ما
 یک خانه هم در انگلستان داریم اما هوای
 آنجا خیلی بد است بعد در حالیکه با -
 چندی برای انتظار به من نگاه می‌کرد در
 سکوت فرو رفت
 ۱۳- گفتم "ما می‌دانیم که دنبال دعوتی برایمان
 به آمریکا باعیم؟"
 ۱۴- با عقیدن این پیشنهاد مانند پسرچه -
 ای بجلو عم عد و گفت: "خواهش میکنم
 این کار را بکنید."
 ۱۵- وقتی این گفت و عنود را به واغنگن
 معا بره کرده و پرسیدم که آیا امکان
 چنین دعوتی هست با علاقمندی پاسخ دادند
 که شاه میتواند بطور موقت در املاک سفیر
 قبلی والتر اتن برگ در نزدیکی بالم -
 اسپرینگ کالیفرنیا اقامت کند. من مطمئن
 بودم در آنجا از نظر امنیتی مشکلی -
 پیش نخواهد آمد و وسایل نقلیه از طریق

هلیکوپتر نظامی تهیه خواهد شد. بمن اجازه
 داده شد که از طرف رئیس جمهور از شاه -
 دعوت کنم. من می‌بایستی از برنامه سفر
 شاه و همچنین تعداد همراهان مطلع می‌شدم.
 ۱۶- در این مدت خمینی و همراهان در -
 پاریس عزیمت شاه را پیش بینی میکردند.
 این زمانه تا کنهك آنها حول عزیمت او
 به نقطه‌ای در خارج از کشور دور می‌زد.
 برای اینکه این امر برای همه قابل قبول
 باشد خمینی بیانه‌ای از پاریس صادر کرد
 مبنی بر اینکه رهبران انقلاب همچگونه
 عملی علیه کشوری که به شاه پناه برده
 انجام نخواهند داد. در نتیجه در این مقطع
 هیچگونه خطری منافع آمریکا را در صورت
 دادن پناهندگی سیاسی به شاه تحریك
 نمیکرده بلکه برعکس بنظر میرسید بخاطر
 تسهیل عزیمت بی سروصدا شاه از ایران
 نفی نیز نصیحت می‌شد.
 ۱۷- روز بعد خواستار ملاقات با شاه شدم
 و تقاضا کردم که در این ملاقات هویز نیز
 با من همراه باشد. با هردو تقاضا موافقت
 شد و ۱۲ زانویه ملاقاتی طولانی با شاه -
 داشتیم. شاه در خاطرات خود به طور خلاصه
 به این مطلب اشاره کرده و می‌نویسد که
 تنها نگرانی ما مربوط به خروج وی از کشور
 بود.
 ۱۸- در واقع او از اینکه دعوت نامه ما را
 دریافت کرده بود احساس راحتی میکرد و
 مفقای عزیمت بود. ما تنها خواهان امنیت
 و ثبات در ارتش بودیم و می‌خواستیم که
 قدرت به آرامی از او بعنوان فرمانده کل
 قوا به بختیار منتقل شود. گرچه او بطور
 غیررسمی به این مسئله برخورد کرده بوده
 ولی فکری بطور آشفته متوجه چیز دیگری
 بود. بنظر وی این موضوع ارزش توجه بیشتری
 نداشت. بار دیگر هویز باید به تنهایی

با کل جهان دست و پنجه نرم میکرد.
 ۱۹- در مورد برنامه سفر صحبت کردیم. وی
 پیشنهاد کرد که هنگام ورود به آمریکا
 می‌خواهد از طریق پایگاه نیروی هوایی
 اندروز سفر نماید. زیرا تمایل داشت با
 مقامات عالی‌رتبه آمریکا در سر راهش به
 کالیفرنیا ملاقات کند. از صحبت‌ها شکی
 من با واغنگن و هویز نداشتیم. مشخص بود
 که این برنامه عملی نبود زیرا تظاهرات
 و سهمی علیه شاه در آمریکا بر پا میشد.
 بنا بر این به وی گفتم که این برنامه عملی
 نیست. او پذیرفت و پیشنهاد کرد که -
 هویز در مورد جزئیات برنامه سفر تا ریخ
 عزیمت و همچنین تعداد همراهان وی با
 ژنرال ریپبی فرمانده نیروی هوایی
 صحبت کند.
 ۲۰- عصر همان روزه من آخرین سی خود را
 کردم که واغنگن را متقاعد تمام تا -
 نهایت کوشش خود را برای ایجاد سازش بین
 نیروهای مذهبی و ارتش در ایران بگاورد.
 به این منظور تلگرافی به واغنگن فرستادم
 مبنی بر اینکه منافع ملی ما ایجاب میکند
 که بمنظور عشق کردن حزب توده، بین ارتش
 و نیروهای مذهبی سازش ایجاد کنیم. در -
 حقیقت این درخواستم از خود کارتر بود.
 در این پیام ضمنا به امکان ملاقات او با
 شاه اشاره کردم و متذکر عدم این ملاقات
 در رابطه آینده ما با حکومت جدید در ایران
 بی نهایت اثر خواهد گذاشت. من همچنین
 یادآور شدم که اگر این تیار این تصور
 را در ایران بوجود آورد که ما هنوز به
 حمایت خود از شاه ادامه میدهم و خواستار
 این هستیم که او روزی به قدرت برگردد
 باید منتظر عواقب وخیمی باشیم.



ترکیه در بحران



نویسنده زهر معرفتی و نقد کتاب "بحران در ترکیه" از انتشارات ZED سال ۱۹۸۲ است. نویسنده کتاب Berch Barbaroglu محقق است مطلع در مورد تاریخ کشور ترکیه و اکنون جزو استادان جامعه شناسی دانشگاه نوادا در غرب کشور آمریکا است. این نوشته با نضام مطالب دیگری در مورد کشور ترکیه در این شماره نشریه جهان به علاقمندان ارائه میشود. لازم به توضیح است که معرفتی و نقد کتاب "بحران در ترکیه" قبلاً از سوی یکی از رفقا به زبان انگلیسی برای یکی از مجلات انگلیسی زبان تهیه شده بود و نوشته فارسی ترجمه آن نقد میباشد.

کتاب ریشه تولید آسیائی رشد پیدا کرده و هشتم زمین داری موسوم به تیمار (Timar) در بخش روستائی رواج یافت. در همین حال رابطه مستحکمی نیز بین عثمانی ها و کشورهای اروپائی در قرنهای ۱۵ و ۱۶ میلادی وجود داشت که البته این امر بعطت گسترش قدرت عثمانی ها در اروپا بود.

بربریا و غلو چگونگی متلاشی شدن امپراطوری

چندین صد ساله عثمانی را که "در اوج خود

از آسیای صغیر تا وین و از فلسطین تا

الجزایر و از جنوب تا بهین النهرین در

طیج فارس سمت داشت" مورد بحث قرار

میدهد. او نشان میدهد که مشکلات وحشم -

اقتصادی و سیاسی - نظامی که در طول قرن

۱۸ رخ داده امپراطوری عثمانی را در اواخر

قرن نوزدهم در حقیقت تبدیل به یک نیمه

مستمره و وابسته به قدرتهای در حال

گسترش اروپائی کرد. توسعه ملیتی های -

ماجراجویانه ترکیه عثمانی، بر پایه قدرت

مرکزی شاهنشاهی که عامه شیوه تولید آسیائی

بوده، سبب ضعف پایه های اقتصادی و در نتیجه

آسبب پذیری آن کشور و نفوذ خارجی -

گردید. بربریا و غلو در رابطه با اینکه منافع

اقتصادی چه طبقاتی در این دوره تأمین

میشده است، توضیح میدهد که شیوه تولید

آسیائی "همزیستی فئودالیسم در کشاورزی و

بمنا سرمایه داری در تجارت و صنعت" را

امکان پذیر ساخت. در نتیجه زمینداران

بزرگ در حومه شهرها و بورژوازی کمپرا -

دور در مراکز اصلی شهرنشین (بخصوص آسیائی

که اساساً از اقلیت های یونانی و آراسنه

بودند) اقتصاد را تحت کنترل داشتند.

همچنین سرمایه مالی خارجی نیز در بخش مواد خام و ساختن عیقه حمل و نقل مربوط به مواد خام نقش عمده داشت. البته تعداد کمی از موسسات ملی ترکیه نتوانستند درون چنین چهارچوب روبه رشدی خود را جای دهند و موقعیت آنان رو به زوال رفت.

بربریا و غلو در تجزیه و تحلیل از اتحاد

طبقاتی در ترکیه در قرن بیستم اشاره میکند

که بورژوازی ملی ترکیه حیات سیاسی خود

را وابسته به نیروهای ملی در جنگ با -

حکومت مرکزی یافت. بربریا و غلو بحث میکند

که نیروهای "عسره بورژوازی کمالیست

(Kemalist) محتاج به پشتیبانی دهقانان

در جنگ بر علیه امپریالیسم و حکومت مرکزی

بودند. لیکن آنها بدون اتحاد با زمینداران

که نفوذ و کنترل بی اندازه ای بر دهقانان

داشتند نمیتوانستند به این هدف خود

برسند. بربریا و غلو مدعی است که امتیازاتی

(Concessions) که "کمالیست ها به زمین -

داران دادند را باید بر اساس این منطق

استدلال نمود. وی ادامه میدهد که اگر چه

در طی سالهای ۲۳-۱۹۲۰ نیروی "کمالیست"

با زمینداران مجلس ملی را بوجود آوردند و بربریا و غلوه در این هنگام منافذ زمینداران و سرمایه داران کمبرادور در تضاد با اهداف دولت خرده بورژوازی قرار گرفت. این تضاد به شکل گیری یک حزب جدید سیاسی مخالف دولت (حزب آزادی خواه - Democratic Party) را سازمان دادند که بشهریح در

معاهده تجاری بین المللی لوزان - (Lausanne) بربریا و غلوه میگوید. ملی با این وجود دولت در طی دهه ۱۹۳۰ قسمی جدیدی به جلو برداشت که عامل ملی کردن کارخانه های خارجی و بهشیرد برنامه های پنج ساله اول و دوم ایجاد بانکها و شرکت های جدید دولتی برای سرمایه گذاری و بهشیرد برنامه های اقتصادی و بالآخره اخذ کمک های مالی و تکنیکی از خارج بود. در فصل سوم کتاب بربریا و غلوه در مورد موفقیتها نسبی این دوران و در فصول دیگر در رابطه با پدید آمدن تضادهای جدید اطلاقیات زیادی را در اختیار خواننده میگذارد. از نظر او دولت در بهشیرد منابع ملی نت



اوت ۱۹۳۳ قدرت سیاسی را در مجلس بنیست آورد. بربریا و غلوه میگوید که این بنیست جنبش را به طرف برقراری و ثبات بورژوازی ملی سوق داد و راه را برای استقلال و رشد سرمایه داری ملی زهر رهبری و کنترل دولت و ارتش و بوروکراسی کشوری باز نمود. از دیدگاه بربریا و غلوه دولت - "خرده بورژوازی کمالا پس از بقدرت رسیدن تمام تلافی خود را در مستقل و غیر متعهد ماندن بکار بست. آنها در این دوره موفقیت چشمگیری در صنعتی نمودن کشور نداشتند. رژیم با زمیندارانی که با رفرم ارضی مخالفت میورزیدند به مقابله برخاست ولی در عوض از کمبرادورهای ترکیه بمنظور تبدیل و تغییر آنها به سرمایه داران صنعتی پشتیبانی نمود ولی این طرح شکست خورد. پس از آن دولت دخالت مستقیم خود را در اداره اقتصاد و توسعه زیربنایی برای

انجام میدهد. (Party) انجامید که بعدا با کمک امپریا - لیم قدرت سیاسی را در سال ۱۹۵۰ بنیست گرفت. بربریا و غلوه این رویداد جدید را تسلط (grasp) آمریکا بر ترکیه مینامد که در نتیجه آن ترکیه دوباره در اقتصاد جهانی ادغام میشود.

بربریا و غلوه در بررسی خود از "نت - آوردهای رژیم خرده بورژوازی ملی کمالا منتقد است که رژیم دارای اهداف نراز مدت بود. رهبری رژیم در ساختن پایه های اقتصاد صنعتی کشور از طریق ایجاد و اداره سرمایه داری دولتی و تبدیل جامعه به یک جامعه مشرک سرمایه داری مصمم بود. اما رژیم در سال ۱۹۳۰ در این هدف خود شکست خورد. از نظر بربریا و غلوه ۳ مانع جلوی موفقیت رژیم را در این راه گرفتند: (۱) مقاومت زمینداران (۲) شکست سیاست تبدیل کمبرادورهای ترک به بورژوازی صنعتی (۳) مقررات نامساعد

آوردهائی داشت از جمله اجرای سیاست ملی کردن منابع در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۳۰ که موجب عدم خروج سرمایه شده و بکارگیری برنامه ریزی دولتی (State Planning) با کمک کشور شوروی که منجر به بالا رفتن سطح تولید ملی گردیده و بهر وسیله صنعتی شدن مستقل را تسریع نمود. (Independent Capitalist Industrialization) نویسنده - تاکید میکند که در این پروسه کارگران تنها کسانی بودند که رنج این تغییر را متحمل شدند. وی نشان میدهد که در اواخر سال ۱۹۴۰، نیروی کار کارخانه ها بسرعت افزایش یافت و به ۴۴۲۰۰۰ نفر رسید ولی در عوض وضع کارگران بشهریح و عمیق تر شد. آنها مجبور بودند ساعات طولانی برای کم مزد کم و در شرایط نا امن کاره کار کرده در حالیکه شرکت در اتحادیه ها و با اعتصابات غیر قانونی و ممنوع اعلام شده بود. قانون کار ۱۹۳۶ هم در واقع جمعی را تغییر نداد بجز آنکه ۵۶ ساعت کار

در هفته " به تصویب رسید. در نتیجه در این دوره نرخ ارزش افزایی به عدت افزایش یافته و از ۱۷۲٪ در سال ۱۹۴۲ به ۲۱۸٪ در سال ۱۹۴۹ رسید.

با لغو در فصل چهارم برابر و غلبه تضاد سرمایه داری دولتی (State Capitalism) را در ترکیه توضیح میدهد. وی تضاد بین دولت و زمینداران بزرگ (ESRAF) را روشن کرده و همبند طور شرایط دهقانان را زیر سلطه زمینداران مورد بررسی قرار میدهد. نظر او بر این است که - دهقانان از هم پراکنده بودند ولی از آنجا - شبکه آنها خلقت یافته به زمین بسوه و از طرف دیگر تحت تاثیر مفاید و اعمال منعی بودند. هیچگونه حرکت توده‌ای که قدرت زمینداران را به مخاطره اندازد در روستاها شکل نگرفت.

بربر اوغلو در فصل پنجم توضیح میدهد که در سالهای ۶۰-۱۹۵۰ هنگامیکه کشورهای متروپول (Metropolitan Forces) سرکردگی آمریکا نقش حاکم را در ترکیه بازی می - کردند. چگونه رهبری سیاسی حزب آزادیخواه (Democratic Party) ترکیه، ترکیه را در اقتصاد جهانی انجام نمود و همبند طور چگونه رژیم " سرمایه داری دولتی ملی را به یک نظام نیمه مستعمره تبدیل نمود.

در فصل ششم بربر اوغلو در تحلیل از اقتصاد سیاسی کشور ترکیه، آنرا یک نظام سرمایه داری وابسته ارزیابی میکند. وی - اشاره میکند که آنچه که در این دوره در ترکیه بوقوع پیوست چیزی جز اجرای روشهای کلاسیک بازاری و آماده کردن اقتصاد ترکیه برای بازار جهانی سرمایه داری نبود. سرمایه گذاری خارجی، بخصوص متمرکز در صنعت نفت که نقش کلیدی در پیرویه توسعه اخیر را بازی میکرده نه تنها به سرمایه

خارجی، بلکه به گسترش سرمایه داخلی در تجارت، صنعت و کشاورزی نیز نفع میرساند. البته این تکامل و پیشرفت "بر چهار چوب اقتصاد سرمایه داری وابسته" بوقوع پیوست. در حالیکه کمپرادورها های ترک درگیر ایجاد شرکت های مشترک (Joint Ventures) با غرب بودند. زمینداران بزرگ برای بالا بردن ثروتشان به مکانیزه شدن بخش کشاورزی - تمایل نشان میدادند.

ولی رژیم جدید تضادهای خود را نیز باعث - کاهش تجارت و وجود بهره وام های خارجی مشکلات عمده‌ای برای ترکیه ایجاد کرد که منجر به درخواست وام بیشتر شد. در - سالهای ۶۰-۱۹۵۰ ترکیه ۲۰۴ میلیون دلار از آمریکا بعنوان "کمک" (Aid) وام دریافت کرد که از آن ۱۰۶ میلیون دلار برای امور نظامی صرف نظر گرفته شده بود. ترکیه به همان نظامی Nato و Cento پیوست. بزودی بحرانها

چیران پیدا کرده و تاثیر خود را بر روی بخش از ۳۳۰۰۰ کارگر صنعتی گذاشت. بحرانهای اقتصادی و نا رضائیه های اجتماعی به دنبال خود سرکوب سیاسی حشمتا تیکسی را به همراه باعث که بعدها موجب کودتای ماه مه سال ۱۹۶۰ توسط ۳۶ افسر شد. رئیس جمهور باهر (Bayer) و نخست وزیر مندرس (Menderes) و تعداد بی شمار دیگری دستگیر شدند. یکسال بعد مندرس اعدام شد. در حالیکه باهر و ۱۱ نفر دیگر به حبس ابد محکوم شدند. فصل ششم کتاب را بربر - اوغلو با تشریح کودتای ۱۹۶۰ شروع و با تشریح کودتای ۱۹۷۱ خاتمه میدهد. اواخر ۱۹۶۰ -

اقتصاد درگیر بحران عمیقی بود. " حزب عدالت ترکیه" (Justice party) سیاست سرکوب را برگزیده و در مقابل آن طبقه کارگر و نیروهای مترقی با نیروی فزاینده - ای پاسخگوی سیاستهای سرکوبگرانه شدند.

اوضاع هر لحظه در حال انفجار بود. اشغال - گران نظامی و دولت حزب عدالت که بوسیله دمیرال (Demirel) هدایت میشده و ادار به استعفا شده و نیروی نظامی قدرت را در - دست گرفت. بربر اوغلو بطور جامعی دلایل اقتصادی قبل از این کودتا را که در ۱۲ مارس ۱۹۷۱ بوقوع پیوست، ذکر میکند.

در فصل هفتم، بربر اوغلو بحران ادامه داری را که ترکیه در نتیجه سیستم نیمه مستعمره تجربه میکند، مورد بررسی قرار میدهد. وی ابتدا سیاست دولت و بدنبال آن کنترل دولت توسط زرنالها را توضیح میدهد. حاکمیت نظامی تمایل به از بین بردن تمام نیروهای مخالف برای استحکام کامل قدرت خود داشتند. تحت یکی از عملیات نظامی آنان ۸۰۰۰۰ سرباز به بیشتر از یک میلیون خانه دفاتر و مراکز کار را تفتیش کردند. در این دوره هزاران عضو مترقی اتحادیه های کارگری دانشجویان و معلمین و وکلا و خبرنگاران دستگیر زندانی و شکنجه شدند.

به دنبال این عملیات، محنه دیگری برای دولت ائتلافی ترتیب داده شد. بربر - اوغلو میگوید بین سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۳، ۱۳ دولت مختلف سرکار آمده که هیچکدام قادر نبودند به بحران اقتصادی پاسخ گویند. در سال ۱۹۷۲، کاهش تجارت ترکیه بیش از ۷۱ میلیون لیره ترکیه و در اواخر سال ۱۹۷۲ مجموع بدهی ترکیه به خارج بیش از ۱۵ میلیارد دلار بود.

بربر اوغلو در بررسی های از بحران و رابطه آن با موقعیت طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی در ترکیه ادعا میکند که از سال ۱۹۶۹ در ترکیه موقعیت انقلابی پدید آمده و کودتای ۱۹۸۰ را هم پاسخ بورژوازی به بقیه در صفحه ۲۷

گزارش

سازمان عفو بین المللی از زندانهای ایران

سازمان عفو بین المللی در گزارش مورخه فوریه ۱۹۸۲ خود که در لندن منتشر میشود، طی مقاله‌ای بنام "شکجه در زندانهای ایران" گزارشی در مورد شکنجه‌های وحشیانه و اقدامهای بدون محاکمه در پنج زندان ایران منتشر کرده است. به موجب این گزارش، سه زندان تهران (اوین، قصر و کمیته) چنان از زندانیان ایستاده شده است که اخیراً رژیم پهلوی بخش‌های جدیدی را به آنها اضافه نموده است. تنها در اوین بیش از ۱۵۰۰۰ زندانی سیاسی محبوس هستند. زندان اوین چنان ایستاده شده است که دیگر به غیر از افرادی که کار اداری دارند هیچ کسی اجازه نمیدهند در نماز ۲ کیلومتری زندان ظاهر شود. در این زندان زندانیان برای مدت طولانی با چشمان بسته باقی میمانند. در یک مورد چشم زندانی مردی را برای مدت ۲۷ روز بسته بودند. سازمان عفو بین المللی اضافه میکند که شب‌ها و روزها صدای تیر در اوین شنیده میشود. صدای تیراندازی مداوم به معنای ایجاد محتماهای اعدام مصنوعی برای تضعیف روحیه زندانیان است. در حالیکه صدای تیراندازی متقطع به معنی اعدام واقعی است. این گزارش حاکی است که بطور متوسط در روز بین ۳۰ تا ۶۰ نفر اعدام میشوند. بعد از بست‌گذاری بنامبر ۱۹۸۲، در طول ۲۴ ساعت بیش از ۱۰۰ نفر اعدام شده‌اند. بند ۲ بدترین بخش زندان اوین است. به حکم حاکم شرع آنجا، زندانیانی که همکاری نکنند شدیداً شکنجه میشوند. اغلب زندانیان را می‌بندند و با شلاق آنها را می‌زنند. شلاقها متحرک به نعلبه‌الت‌سناسلی وارد

میشود. در بعضی زندان زنان، زنان را در مقابل فرزندانشان شکنجه میکنند. سازمان عفو بین المللی همچنین میگوید: وضعیت در زندان کمیته و زندان قصر تقریباً بهمین سوالات است. در زندان کمیته در طول شب پاسداران زندانیان را می‌زنند و بعضی از آنها هرگز برنمیگردند. بموجب این گزارش در این زندان خیلی ها با اطو و شوک الکتریکی شکنجه شده‌اند. در زندان وکیل آباد مشهد، یک زندانی را که به بیماری کلیه مبتلا بود برای مدت سه روز از پا آویزان کرده بودند. وی نتوانست این شکنجه را تحمل کند و در همان حال درگذشت. وابستگان وی از تریاومت چشم او منصرف شدند چون مجبور بودند ۵۰ هزار ریال بپردازند.

سازمان عفو بین المللی در این مورد میگوید: "وی گفت، بعد از حدود سه هفته او را برای شوال و جواب به دادگله‌ای که بوسیله حاکم شرع اداره میکند، بفرستادند." او گفت... که من (زندانی) اشخاصی به عنوان عضو فدائیان (یک سازمان چپ) با آنها پیوسته شده بودم... او (حاکم شرع) هشدار داد که اگر من در مورد آنچه که اتفاق افتاده بود حرفی بزنم، اعدام خواهم شد... وقتی من به صالح آباد رفتم ۵۰ کیلو وزن داشتم، وقتی به منزل برگشتم وزنم کسی بیشتر از ۱۰ کیلو بود."

گزارش سازمان عفو بین المللی، جنبه‌ای بخشی از جنایاتی را که رژیم جمهوری اسلامی در مورد فرزندان انقلابی خلق مرتکب میشود، منعکس میکند. با این حال همین گزارش ناقص پرده از گوشه‌ای از جنایات هولناکی که مروجان رژیم جمهوری اسلامی هر روز مرتکب میشوند، برمی‌دارد.

هم وطنان مبارز، با انتهای جنایات رژیم در افکار جهانیان به دفاع از فرزندان سیاسی در بند بختناسیم. بهر طریق که میتوانید این گزارش را به دست ایرانیان دیگر برسانید تا چهره دهنشور و خونخوار جمهوری اسلامی بهتر برای همگان مریان شود. دیر نیست روزی که بار دیگر درهای زندان‌های رژیم بدست مردم فهیمان ایران گشوده شود و زندانیان سیاسی همبای هم‌زمان دیگر خود رژیم جمهوری اسلامی را به زلبه ای بفرستند که رژیم شاهنشاهی را فرستادند.



آب‌لوله وسیله‌ای برای شکنجه

در زندان صالح آباد، بین تهران و قم، زندانیان سابق گواهی میدهند که در طوله گاو محبوس شده بودند. این زندان که در عقیبت نهادنگاه معادین مواد مخدر است بیش از دو هزار نفر زندانی دارد که ۶۰٪ آنها به اتهام فعالیت‌های کفوبیستی یا در ارتباط با مجاهدین دستگیر شده‌اند. در صالح آباد از تخت، توالت و وسائل

کرستان

به دنبال نفوذ بیشترگان خلق کرد به شهر مهاباد و اعدام یک‌هفتاد نفر در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد سهم بسزایی داشت. پاسداران رژیم به مردم بی دفاع این شهر حمله جنون آمیزی نموده و ۴ نفر را بقتل میرسانند. به دنبال این کشتار، مردم

ایران تظاهرات در تهران

بقیه از صفحه ۸
در هفته آخر اسفند ماه ۶۱، در سه‌مورد تظاهرات موضعی در خیابانهای تهران انجام گرفت. شطرهاکندگان بعد از دادن تظاهراتی علیه جمهوری اسلامی و درگیری با پاسداران پراکنده شدند.

☆☆☆

جنگلها

قلب بزرگ ما

پرنده‌ی عیبی است
بفشسته بر درخت کنار خیابان
در زیر هر درخت
معا هزار برهنه‌ی بی‌داد -
از تیر

جنگل!

ایکابر قلب ما
می‌گفت بی‌هراس
برگه‌سوان درهم نمناک
ایکابر تمام خیابان شهر
جنگل بود!

جنگل!

گسترده در مه و باران
بر جاده‌های برگ‌پوش و سیمت
برجانه‌های پر از بویچ و تاب‌تو
هر روز مردی با انتظار نشسته
مردی بقامت یک‌سرو

با چشم‌های همیشه روشن

مردی که از زمان تولد عاشقانه می‌خوانده
ترانه‌ی سبز جنگل را

برای مردم شهر

مردی که زاده‌ی تجمیع توست

و همه‌های بی‌دریغ تو او را

در قطب‌های سرد امانه

خورشید بوده است.

ای سبز به اندیشه‌های روز

در سایه روشن نمناک تو

که بوی عطر رفاقت می‌پراکند

گلگون شده است

چه قلبهای نپه‌ور

که سبزترین جنگل بود

عکسته است

چه نسبتها

که فشفشه می‌ساخت

در سکوت شبها بیت.

بر شاخه‌های بلندت

که از رفاقت انبوه شاخه‌هاست

برجای استوار

خاکستری نشسته

که جاری است

در قلب مفتعل ما

مگذار باد برپیشان کند

مگذار باد به میثا برود

از خانه‌های تو

خاکستری که از عماره‌ی خون است

جنگل!

ای کتاب‌عمر درختی

با آن حروف سبز سملی ات بنویس

- برجشمه‌های ایور

- بر فراز مزارع متروک:

باران

باران!

سرو گل‌سرخ

پیوستن

آه

چه ملاکم

کوبی در کوبیری نکتزار

بدنسال قطره‌ای

سراب را دنبال میکنم

اما می‌دوم

می‌دوم نادر محرکاهی سرعین

در جشن شقایق‌های وحشی.

برگونه‌ی سرزمینم بوسه زدم

و بیکر لغت وزغمی کوبیر را

میزبان دریا کنم.

ه - ایلامی

به آسمان می‌خندم

و با اگر شکنجه شوم

اگر از صحنه نبرد رفته بیرون آمم.

هرچند که بیکار دست و پا و چشم را از دست

داده باشم

به آسمان می‌نگرم و می‌خندم

چرا که صورت شنیدن یک‌آخ را بر دلش

باقی گذاشته‌ام

اگر پدرام را به اوین ببرند

اگر برادرام را در

گردستان شهید کنند

به آسمان خواهم خندید

و اگر در غلام تلافی بزنند

و پشتم را بهشتی داغ بنویسند و تمام کنند

به آسمان خندیده‌ام

چرا که صورت شنیدن آخم را داشت

بهرام - دریا

"نمیدانم عهد را تبریک بگویم یا نه؟"

به آهن و آتش و جنگ سلام بفرست.
آنوقت است که بجای گل سرخ که از شاخه
بیرون می‌آید از این گل بی‌آرام خون بیرون
می‌دهد. من این بهار را تبریک خواهم گفت.
در ایام بدبختی بهار نوع دیگر را باید
بالموم بگسائی تبریک گفت که شکم بزرگ و
صدای عشق دارند و در حالیکه در قمرهاشان
مطمئن نشسته‌اند...

بباری که باید مرا بخنداند، هنوز خیلی از
من دور است. بی‌رس چطور؟
آن بادها العان شبوره‌هایی هستند که
از روی تپه‌ها و کوه‌ها به فقیر اخبار می‌کنند
املحه بردارو برگ را از خانه‌ات بیرون کن.
بهار من موقع جدیدی است که بجای برگ بدرخت
شمشیر به کف مظلوم میدهد. با و فریاد می‌زند
مجله کن، اعتماد داشته باش. انشقام بکش.

نمیدانم عهد را تبریک بگویم یا نه؟ کوه‌ها
تازه و مرم می‌شوند. ولی نمیدانم بقیه‌ی کرد
قلب تو هم تازه و مرم میشود. در این صورت -
ممکن است عهد برای تو وجود داشته باشد.
روز عهد یعنی روز نقاط و نقاط را قلب
انسان تعیین میکند نه تقویم و احکام نجومی.
چرا من مثل این شکوفه نمی‌خندم؟ برای
اینگه بادها می‌خوانند بمن روح بدهند

اطلاق زندانیان سرد سم و تهدید و دشنام آغاز گردید. میگفتند اگر همکاری نکنید و حقیقتا جواب سئوالها را بدهید جرئت سبک میشود و آزار هم نخواهید شد. ولی اگر همکاری نکنید تا گفتن همه چیز شکنجه خواهد شد و منتظر نماندند تا مشت به دهان کوبیدند. بعد از سئوال وقتی که دیدند لبهایم به نفع آنها گشوده نخواهد شد، یک کابیل (که از پنج کابیل کلفت به هم پیچیده شده و از سرگره خورده بودند) برای شلاق زدن به میدان آمد. به پشت هوا باندیم و پاهایم را بالا نگه داشتیم و با آن کابیل به زیر (کف) پاهایم زدند یک نفر هم جلوی دهان و گلویم را گرفته بود تا جدا هم در نیاید و گلویم را چنان فشار میداد که گاه چهار غشکی میشدم. چهار نفری شلاق میزدند با تمام توان و نیرو نمره را فرود میآوردند. وقتی که مقاومت را میدیدند غشکین و مصانی میگفتند، دشنام نثار میکردند و میکوشیدند که سخت عمل بیختری بخرج دهند. اولی که خسته میشد دومی و همینطور تا آخرین نفر. وقتی که پاهایم سر شده و ورم کرده بود نوبت دستهایم رسید و لحظه ای که دیر دستهایم بالا میآمد و پا آنها را زیر بغل میبردیم هر سرو صورت میزدند، با کابیل با لگد یا مشت به سر و صورت، پشت سینه میکوبیدند که نفسم قطع میشد. مدت بیشتر از سه ساعت شکنجه ام کردند به این شیوه شایعه درگیری و ورود پشمراگان به شهر (چون یک هفته پیش نیز روز به شهر آمده بودند) باعث شد به شکنجه عاتمه داده، مرابه سلول خود برگردانده و بحال آماده باقی درآیند. همین محله باعث شد که پاهای دستها، سرو صورت ورم کرده و زخم شده ام یکی دو ساعت آرام بگیرد. از

سخت شکنجی و ندادن آب از تکه های بیخ که به در آویزان بود برای رفع شکنجی استفاده می نمودم. صدای تیراندازی تا ساعت ۸ شب ادامه داشت. در این فاصله آنها از ترس پیشتر گها به سراغ من نیامدند. در این زمان چند نفر پیرمرد را که در جلوی در حیاط و با در حیاط منزل خود بودند گرفته و به زندان آوردند. شکنجه شان میکردند تا بقول خودشان فدائالاب معرفی نمایند. پاسداری به میان ما انداختند تا با هم صحبت نکنیم. پاسدار گفت اینها مردم این شهر هستند از زن و بچه گرفته تا پیرمرد به طرف ما تیراندازی میکنند. اینها در خانه هایشان تیربار کار میگذازند، زن و بچه ها از آنها و مردها خودشان در کوچه و حیاطها شکر میگیرند و پاسداران را میکشند. با این دید بود که

۶۰۰ مردان ۶۰-۸۰ ساله را هم زندانی و شکنجه میکردند. نوع شکنجه هایشان چنین بود که دست و پای زندانی را لغت کرده و در میان برقها فرو میکردند و پکنفر پاسدار روی پختن طناب بازی میکرد تا به حرف آید و با زندانی را لغت کرده با یک شورت جلوی سرما سرپا نگه میداشتند. گاهی روی بدنش آب میریختند و با کابیل بدنش را شلاق میزدند. زندانی پایش را در برف می گذاشت و بعد با شلاق کف پایش را میزدند.

سروصورتانی با کتسرو برای شام دادند اثر شکنجه چنان بود که گرسنگی ... به غیر

از شکنجی احساس نمیشد. برای جلوگیری از ضعف گرسنگی موقع شکنجه چند تکه ای نان خوردم. ایسان به مبارزه مقاومت را صد چندان کرده بود، چنانکه تیره ای درد احساسی نمودم. بخوبی میدانستم که حتما به جرم کمونیست بودن به دست جلادان مزدور به هر شیوه (زهر شکنجه) شهید خواهم شد و ایتر بارها خودشان میگفتند سخت عملشان تیرگواه بر این بود رضای بودم که اعدام کنند ولی آنها اینکار را نمی کردند. میگفتند سزایت اعدام است ولی نمی گذاریم ساده بمیری باید زیر شکنجه و حداقل ۵۰ روز در حال جان کنش باشی. برای نجات از آن وضع همه اش در فکر فرار و اگر موفق نباشم، خودکشی نمودم. بعد از وقت شام منتظر آمدنشان برای شکنجه بودم و به همین علت نخواهیم. یک ساعت گذشت خبری نشد. پیش خود گفتم شاید بعلمت

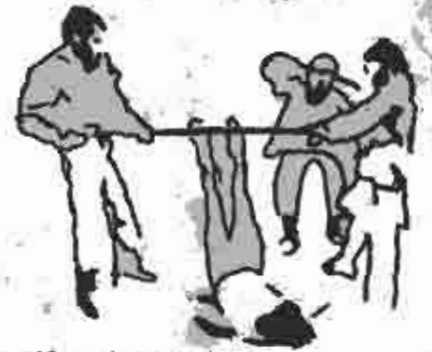
۶۰۰ مردان ۶۰-۸۰ ساله را هم زندانی و شکنجه میکردند. نوع شکنجه هایشان چنین بود که دست و پای زندانی را لغت کرده و در میان برقها فرو میکردند و پکنفر پاسدار روی پختن طناب بازی میکرد تا به حرف آید و با زندانی را لغت کرده با یک شورت جلوی سرما سرپا نگه میداشتند. گاهی روی بدنش آب میریختند و با کابیل بدنش را شلاق میزدند. زندانی پایش را در برف می گذاشت و بعد با شلاق کف پایش را میزدند.

سروصورتانی با کتسرو برای شام دادند اثر شکنجه چنان بود که گرسنگی ... به غیر

فرار

بقیه از صفحه ۴۸

کتابه بنفیشم. گاهگاهی برای رفع خشکی خود را بر زمین میآنداختم ولی مجال نسیادند و نوری سربالندم میکردند.



گاهگاهی مردم را به دیوار و گاهی یکقدم با قاطعه از دیوار نگیم میدادند تا خوابم نبرد و میخواستند به این طریق خوابم را بگیرند. تا ساعت ۱۰ بامداد در همین حالت بودم. به مدت ۱۲ ساعت. و چون زندان و شکنجه گاهم را عوض میکردند چشام را بار کردند تا به زندانی دیگر در محله ای بنام فرجی آباد ببرند سوار یک ماشین شویوتا که از راننده ای به زور گرفته بودند (و بعد از اوراق کردنش تحویلش میدادند) کردند با مشت میزدند و داخل ماشین رگهای تانهام را میگرفتند ولی بغاظر ورم و کلفت شدن رگها بنیست نمی آمد. مرتب میگفتند که همکاری کن افراد گروهها را معرفی کن و آنچه میدانی بگو زیرا بنفقت است در این صورت جرمت سبک میشود و اگر حرف درستی شکنجه خواهی شد. امداد هم حتی ایست البته کاری خواهیم کرد که همه چیز را بگوئی

ولی دیگر آنوقت فایده ندارد چند دور مرا در شهر گرداندند مرتباً سؤال میکردند اینها را نمیشناسی (منظورشان مابین بود) وقتی که نمیشنیدند مصیبتی میشدند و دشنام میدادند. میگفتند حتماً تعریف شکنجه های زندان فرجی آباد را شنیده اید الان ترا میبریم و به رودخانه ات میاندازیم و در جلو سرما نکبت میداریم و اینقدر شلاکت میزنیم که به حرف آئی و بگوئی لطف کردم (رودخانه از جلوی این محله میگذرد و رود محله را از شهر جدا میکند) اقبال از رسیدن به محله به جلوی خانه ای رفتند. مشول همراهان گفت که آن خانه را باورسی و افراد آتسرا تسکیر کنید و دیگر ماشین خاموش شد. میگفت از آن خانه به طرف آنها تیراندازی شده است.

تعداد چهار نفر از پیرو جوان حتمی حاجی ربین طیفه از آن خانه بیرون آوردند وقتی که زن و بچه ها بدین حال ایستادند خانواده بیرون آمدند با تعدادی چکمشک - پاسداران به محلت میراندند. وقتی که ماشین را روشن کردند برای عقب و جلو کردن جلو رفت و از آنها قاطعه گرفت و دوباره خاموش شد. در آن لحظه که از قبیل آمادگی فرار داشتیم به عنوان صدا کردن بقیه برای هول دادن و دوباره روشن کردن ماشین از ماشین پیاده شدم تا آن لحظه من و راننده در ماشین مانده بودیم با پاهای ورم کسره که از بر روی زمین گذاشتن آن عاجز بودم

شروع به دویدن نمودم. زنبهای محله که برای تماشای اعمال شکنجه پاسداران بیرون آمده و ایستاده بودند در موقع فرار و عبور من راه را خالی کردند مزدوران سرکوبگر بطرفم شروع به تیراندازی نمودند در اولین کوچه رسیدم و توانستم با کمک مردم از دست آنها جان سالم بدر ببرم، اگرچه آنها بدینالم بودند و تیراندازی میکردند. دیگر مزدوران مستقر در پایگاهها همه از هر نقطه شروع به ضربه اندازی نمودند و میزدند زیرا گنجان میبردند که پیشمرگان وارد شهر شده اند. همین باعث زخمی شدن چند نفر از اهالی شهر شد. مردمی که مرا میدیدند به هر شیوه کمک مینمودند تا از دید پاسداران پنهان شوم. جمالی مرا در انباری جا داد. وقتی که مزدوران رفتند چند نفر کمک نمودند تا از محل دور شوم. در محله ای به خانه ای رفتم. لباسهایم را عوض و بعد از پذیرایی - و درمان زخمها وقتی که قصد رفتن داشتم زن صاحبخانه اصرار داشت که تا هر کجا که میخواهم همراهیم کند که با اصرار زیاد مانع شدم ولی یک نفر دیگر مرا تا محل مطمئن و مناسبی همراهی کرد و ۵۰۰ تومان بعنوان خرجی راه بهم داد. بعد از یک روز اشراعت و بهبود نسبی زخمها شهر را ترک نمودم.

با ایمان به پیروزی پرولتاریا



"اعدام"

بقیه از صفحه ۴۹

نمودند تا زمان آکسیون را به درازا بکشند این حرکت در حساس ترین منطقه حدود ۲۰ دقیقه بطول کشید. سپس رفقا را به ایستگاه پلیس و در اندک زمانی به زندان مرکزی شهر منقل نمودند. این آکسیون از سرد نسبتاً وسیعی برخوردار گشت و ابعاد جهانی یافت.

به دنبال تلاش رفقای دیگر، رفقای دستگیر شده روز ۱۲ مارس با قید ضمانت - مالی آزاد شدند و در تاریخ ۱۵ مارس در ضمن لغو ضمانت ها، پرونده برای همیشه بسته شد. روز ۹ مارس صحنه ای نمایشی از "اعدام و تیرباران در ایران" در مقابل روزنامه های سراسری هند به اجرا گذاشته شد. صحنه چنان طبیعی می نمود که صدها تن در محوطه

جمع نموده و درامیک هیجان که یکی از پر رفت و آمدترین نقاط دهلی است دچار اشکال شد. از آنجایی که محل مذکور به خانه بی فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی نزدیک بود. جهت پیشگیری از هرگونه اتفاقی، محوطه بطور کامل زیر پوشش رفقا بود. همزمان نیز اعلامیه بطور وسیعی پخش میشد.

این آکسیون نیم ساعت بطول انجامید و بقیه بر صفحه ۵۰

تورنتو - کانادا

به مناسبت فرارسیدن سال نو، دانشجویان شرقی ایرانی در تورنتو - کانادا، برنامه ای با همکاری نیروهای مختلف در این شهر برگزار کردند. در این برنامه که با استقبال دانشجویان ایرانی روبرو گردید، قریب ۱۸۰ نفر شرکت نمودند. این برنامه یکی از تجارب موفقیت آمیز اتحاد عمل بین نیروهای مختلف بود.

کاریندل - آمریکا

در تاریخ دوم آوریل ۱۹۸۲، برنامه جشن نوروز با همکاری مشترک سازمان دانشجویان ایرانی، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، هواداران "پلاتفرم چپ" و - هواداران چریکهای فدایی خلق با موفقیت در شهر کاریندل برگزار گردید. همچنین تظاهرات مشترکی علیه مزدوران حرب الیمی در این شهر انجام گرفت. چاسوسان رژیم جمهوری اسلامی که تلاش داشتند زیر چتر حمایت پلیس از دانشجویان مترقی عکس بردارند، موفق به این کار نشده و دوربینهایشان به نفع خلق معادله گردید.

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی (هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران) در شهر های زیر مراسم نوروزی را برگزار نمود:

دارمشات

عید نوروز به پشتیبانی نیروهای مترقی از جمله دورمچی بل - ترکیه، نیروهای مترقی یونانی، آمریکای لاتین و آلمانی برگزار شد. برنامه ها شامل موسیقی مترقی ایرانی و موسیقی از کشورهای یونان، ترکیه آمریکای لاتین، رقص های محلی یونان و - ترکیه بود. شرکت کنندگان در این مراسم بدینوسیله همبستگی بین المللی خود را با مبارزات مردم ایران نشان داده، جنایات رژیم را محکوم کردند. مراسم عید نوروز در واقع به عب همبستگی بین المللی تبدیل شده بود. در این برنامه تئاتر حاجی فیروز

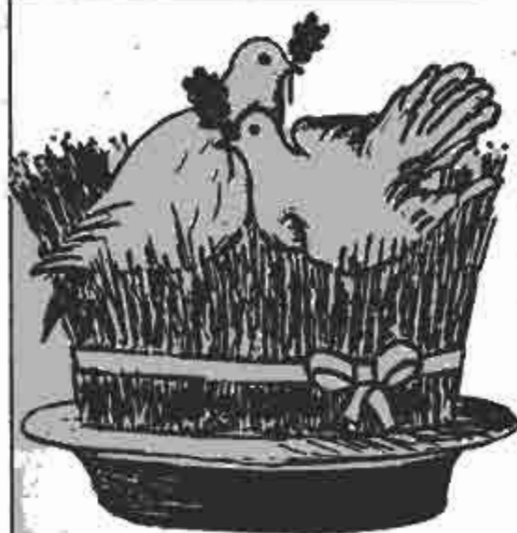
که بهانگر سیاهی ارتجاع حاکم بر جامعه ایران، شرایط اختناق و بدی وضع مردم - بوده، نمایش گذاشته شد. همچنین تئاتری از طرف رفقای هواداران در رابطه با شرایط زندانیان سیاسی به نمایش درآمد. حدود ۴۰۰ نفر در این مراسم شرکت کردند.

گوتین گن

در این مراسم مقاله هایی به زبانهای آلمانی و فارسی در رابطه با شرایط اقتصادی و سیاسی در ایران ارائه گردید. همچنین يك تئاتر به نمایش گذاشته شد که در آن همکاری جمهوری اسلامی با رژیم - آلمان نشان داده شد. يك گروه کارگری از رفقای کارگر کردستان ترکیه (PKK) موسیقی مترقی کردی اجرا نمود که مورد استقبال شدید حاضران واقع شد. گروهی دیگر از رفقای کردستان رقص های محلی کردی اجرا کردند. در این جشن ۱۵۰ نفر شرکت داشتند.

کارلسروهه

در این برنامه يك اسلاید شو (بمدت ۳۵ دقیقه) از ۲۸ مرداد تا به امروز با متنی از رفیق سعید لطفا نیور به زبان آلمانی نمایش داده شد. نمایشنامه آلمانی آفرینش نوشته مانی هدایت توسط رفقای هواداران و رفقای آلمانی ترجمه و تنظیم شده بود که به زبان آلمانی بروی صحنه آمد. این نمایشنامه نشانگر خرافات مذهبی و نمایانگر آن بود که خرافات و کهنه پرستی امروزه غریباری ندارد. رفقای دورمچی بل از ترکیه رقص و موسیقی اجرا کردند. رقص ارمنی نیز توسط هواداران و موسیقی کردی توسط رفقای کرد ارائه گردید. در این برنامه ۴۰۰ نفر شرکت داشتند.



سازمانهای هواداران در شهر ماینز - هایدبورگ و ۳۰۰ همراه دیگر گروهها سازمانهای مترقی ایرانی مراسم نوروز را برگزار نمودند. در این برنامه تئاتر "فمینی چه گفت" همینی چه کرد" به روی صحنه آمد. بیش از ۸۰۰ نفر در این مراسم شرکت کرده بودند.

اعدام

بقیه از صفحه ۴۹
چند لحظه قبل از ورود پلیس به محیط، رفقا سریعاً متفرق و از ناحیه دور شدند. ۱۵ مارس در تداوم حرکتهای قبلی، ۲۵ تن از رفقا خود را در مقابل دو هتل که تعداد زیادی از شرکت کنندگان و خبرنگاران خارجی سکونت داشتند، خود را به مدت ۲۰ دقیقه زنجیر نمودند. در این حرکت بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه به زبانهای هندی و انگلیسی پخش گردید. پلیس توانست که زنجیرها را پاره کند و رفقا را بازداشت نماید، اما عصر همانروز، رفقا آزاد شدند. همومان با کنفرانس نیز همانیبه ای که از طرف هواداران راه کار کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و وحدت کمونیستی خطاب به شرکت کنندگان در همفکرن کنفرانس عدم تصدیق شیبه شده بود، پختن گردید و برای مران و نمایندگان نیز ارسال شد. پلیس فرم سانسور هدیبه ای که بر روی نامه های دولتی اعمال میشود، آکسیونها هر یک در سطح مختلف و حتی در ایجاد جهانی انعکاس یافت و چهره رژیم غوثخواه جمهوری اسلامی بیش از پیش افشا گردید.



اطلاعیه

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان به ضاسبت دوازدهمین سالگرد رستاخیزسیاهنگ، هشت نفر از اسرای خود را از زندان آزاد نمود. این افراد که از فرزندان خلقهای ایران بوده و به اجبار به جنگ با خلق زحمتکش کرد کشیده شده بودند، پس از آنکه به جنایات رژیم جمهوری اسلامی واقف شدند و پس از یک دوره آموزش از زندان سازمان آزاد شدند. اساسی این افراد به قرار زیر می باشد.

۱ - نور محمد فسری	نام پدر محمد	اهل کربانشاه	سپهسالار	۲۱ ساله
۲ - محمود سپهری	امان	آباد	.	۲۰
۳ - غضبان حدادی	خلععلی	ماهشهر	.	۲۰
۴ - اسیر مستوری	بنی	شیران	.	۲۰
۵ - منوچهر بقائی	فتح اله	.	.	۲۲
۶ - حمیدرضا سبیل نخعی	محمد حسن	سنجیل	.	۲۰
۷ - علی صفر کوروند	ایمان	نهبانده	.	۲۲
۸ - محمد هادی نیچیه	توراله	سمنان	.	۲۰

ضمناً، پیرو اطلاعیه قبلی مورخ ۱۰/۱۲/۶۱ پیرامون عملیات قهرمانانه رفقای پیشمرگه به ضاسبت ۱۲ بهمن که منجر به شهادت ۱۰ نفر از پیشمرگان سازمان شد اساسی رفقای شهید را به شرح زیر اعلام می نمایم:

- ۱ - محمود رحیمی از اعضای سازمان، فرمانده عملیات اهل سقر
- ۲ - علی نوری اهل سقر
- ۳ - حسن حسن پدر
- ۴ - فریدون پانته ای
- ۵ - مراد میرزایی (حیدر) - ایلام
- ۶ - بهنام قاسمی زاده رضوی (شهرام) اهل مازندران
- ۷ - حسر رضایی (جعفر) اهل خلخال (دائی این رفیق، شیخ صادق خلخالی جلال است)
- ۸ - امجد
- ۹ - اسماعیل اهل دهکده قویجا
- ۱۰ - ابراهیم . سوکان

هموطنان مبارز! هواداران سازمان! خلق کرد هم اکنون مورد هجوم و جنایتانه بهاران مجدد جنایتکاران جمهوری اسلامی قرار گرفته است. افتخای جنایات رژیم و انگار آنها در میان هموطنان خارج از کشور و بویژه افکار عمومی جهان، بخشی از وظایف انقلابی شما محسوب می شود. به هر شیوه ممکن با افتخای جنایات رژیم در سراسر ایران، بویژه بهارانها و قتل غای که هم اکنون در کردستان جریان دارد، به مقاومت دلیرانه انقلابیون و مردم مهربان باری رسانید.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور
۱۳/۱/۶۲ برابر با ۸۳/۴/۳

تصحیح

گردیده که بدین وسیله اصلاح میگردد.
همچنین در مقاله "شوروی، آمریکا و..."
در جهان شماره ۹ مقاله "۳ مارس سالروز
در گذشت استالین" صفحه ۳۸ بدون بکه نظر ۹
مشارکت پیروزوارده اعضاها پیروزوارده چاپ میباشد.

پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگوار

گرامی باد خاطره رفیق شهید حمید رضا سعادت

رفیق حمید رضا از خانواده ای فقیر بود و در شهر همدان متولد شد. تحصیلات را سر در این شهر میگذراند. با اوج گیری قیام تکویند ۲۲ بهمن، رفیق که ۱۲ سال پیشتر نداشت، مانند ماهی کوچکی به دریای خروشان خلق و صف مبارزان پیوست.

رفیق با اعتقاد به راه و رسالت خونین فدائیان خلق در جهت تبلیغ مواضع سازمان معالیه شرکت داشت. با اشتعاب سازمان و ارتکابها و مصراحت اکثریتی ها را خائنانه طبقه کارگر شاحت و خط انقلابی سازمان را سرگردید. از این پس بی پروا و شتر، لحظه ای در جهت تبلیغ اهداف و مواضع سازمان از تلاش سعی افتاد. ملامت و اسزری شرار رفیق را سازد سایر رفقا بود.

او توسط مزدوران رژیم شناسائی و دستگیر گردید و بعد از چند ماه تحمل قهرمانانه شکنجه و فشارهای فراوان، در سن ۱۶ سالگی توسط دادگاه جنایتکاران خمینی در همدان محکوم به اعدام گردید. رفیق حمید رضا سعادت هوادار بی شوری بود که به حرم هواداری و تبلیغ مواضع سازمان در مکی از روزهای آبان ماه ۶۰ به اعدام محکوم شد. از فدائی وار در حالیکه ایما و استوار، با فلسی آکنده از کین ستیبه دشمنان و با ایمان به پیروزی کارگران و رنجگزاران بسوی قتلگاه رژیم جمهوری اسلامی راه می برد. با شعار زنده باد سوسیالیسم، مرکز امپریالیسم، مرکز رژیم جمهوری اسلامی توسط موجه آتش با آذرای مزدور خمینی بطور جمعی به شهادت رسید، و بار دیگر لگنه سنگی بر پیشانی رژیم جمهوری اسلامی حده و آوری بقوم سرخ فدائیان خلق را درخشانتر نمود.

رژیم بیشرمانه بعد از به شهادت رسانیدن رفیق، او را ۱۸ ساله معرفی کرد. بادی گرامی و راهش جاودان باد.

A PUBLIC 'HANGING'

A man hung by a tree right on New Delhi's Newspaper Street, Bahadur Shah Zafar Marg. The body swung in the breeze. Next to him were two men tied to a tree with eyes blind folded and bloodstains on their shirts. They had apparently been shot.

A large crowd collected to see this sight and the initial shock was

like a punch in the guts. But the shock lifted when one realised that this was a demonstration by Iranian students to highlight public hangings and executions in Iran. A press release being handed out appealed to the non-aligned movement to support the cause of restoring democratic rights in Iran.

Pic by Nareesh Suri.



THE SUN Page 4



شرح لى ملحه ٢٩

INDIAN EXPRESS

Published Daily Except on Sundays and Public Holidays. Price 10 paise. Telephone: 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400.

Protest by Iranian girls
NEW DELHI, March 8—A group of 11 Iranian girls protesting against the execution of political prisoners in Iran, staged a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Protest by Iranian girls
NEW DELHI, March 8—A group of 11 Iranian girls protesting against the execution of political prisoners in Iran, staged a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Demonstration by Iranian students
NEW DELHI, March 8—A group of Iranian students protesting against the execution of political prisoners in Iran, staged a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

THE STATESMAN, 11 MARCH 1983

Iranian students protest
NEW DELHI, March 8—A group of Iranian students protesting against the execution of political prisoners in Iran, staged a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Iranian students court arrest
NEW DELHI, March 8—A group of Iranian students protesting against the execution of political prisoners in Iran, staged a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

11 Iranian girls held
NEW DELHI, March 8—Eleven Iranian girls protesting against the execution of political prisoners in Iran, were taken into custody by Delhi police in a demonstration in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.

Anti-Khomeini rally
NEW DELHI, March 8—A group of anti-Khomeini protesters staged a rally in front of the Bahadur Shah Zafar Marg here today.